



هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی میادشیرازی

نگاهی به

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

در ۸ سال دفاع مقدس

نویسنده: دریادار دوم ستاد عبدالله معنوی رودسری

سرشناسه	: معنوی رودسری، عبدالله، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: نگاهی به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۸ سال دفاع مقدس / عبدالله معنوی رودسری ؛ ویراستار تخصصی علی سجادی ؛ ویراستاری ادبی، فنی الهه آموزگار؛ [برای] هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ده، ۱۱۲ ص.: مصور؛ ۵/۲۱×۵/۱۴
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۴۷-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: ایران. ارتش. نیروی دریایی
موضوع	: Iran. Artesh. Niruye Darya-i
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- ارتش
موضوع	: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Army
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- عملیات دریایی
موضوع	: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Naval Operations
شناسه افزوده	: سجادی، علی، ویراستار
شناسه افزوده	: ایران. ارتش. هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ م/۶۰۶ DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۱۹۹۳۲

نگاهی به نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا در ۸ سال دفاع مقدس

نویسنده: دريادار دوم ستاد عبدالله معنوی رودسری

بررسی اولیه و نهایی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته

ویراستار تخصصی: سرهنگ علی سجادی

ویراستاری ادبی، فنی: الهه آموزگار

حروفنگاری تکمیلی: علی گیلوری

صفحه‌آرایی، طرح جلد: حامد خدمتی

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۴۷-۱

ناشر: انتشارات ایران سبز

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای «هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند."

"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود."

امام خمینی (ره)

"می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."

"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام^(ع) در اسفندماه ۱۳۶۷
خطاب به روحانیت سراسر کشور (در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)
صحیفه امام خمینی^(ع)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبَهِت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حسّ برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.

- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

برای مقابله با دشمنان بلایستی ما چه ارثی، چه سپاهی و چه بیچی یه واحد و قدرت واحد باشیم.

«شهید سپید علی صیاد شیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلًا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

➤ شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۷۳ تا سال ۷۸ بدین ترتیب بوده است که بر اساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۱۳۷۸ تا پایان شهریور ۱۳۹۷، تعداد ۱۵۵ عنوان کتاب مستند درباره وقایع هشت سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

➤ آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی^(ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فارابی

ارتش ج.ا.ا به اجرا درآمده و تا پایان شهریور ۱۳۹۷، تعداد ۲۹۸۷۸ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) نیز به اجرا درآمد.

➤ هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان شهریور ۱۳۹۷، بیش از ۴۰۳ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

➤ از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت ۸ ساعت و تا پایان شهریور ۱۳۹۷، تعداد ۷۲۳۸ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند.

➤ از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان شهریور ۱۳۹۷، تعداد ۳۹۸۲۷۱ نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت ۸ ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»



معرفی نویسنده

درياداردوم بازنشسته عبدالله معنوی رودسری

الف) وضعیت خدمتی

- ✓ ورود به ارتش: ۱۳۴۸ (نیروی دریایی)
- ✓ بازنشستگی: ۱۳۸۰
- ✓ آخرین درجه: دریاداردوم فرماندهی و ستاد
- ✓ محل‌های خدمت: منطقه یکم بندرعباس، منطقه دوم بوشهر، مرکز آموزش انزلی، ستاد نداجا
- ✓ یگان‌های خدمتی: فرمانده دوم و فرمانده ناوهای موشک‌انداز، نیروبر، ناوشکن سبلان، ناو بالگردبر خارک، مرکز آموزش ناوگان، رئیس عملیات و رئیس ستاد منطقه یکم بندرعباس و در پایان معاون عملیات نداجا

- ✓ مدت خدمت در مناطق عملیاتی: هشت سال

ب) پروژه‌های تحقیقاتی انجام‌شده

- ✓ تحقیق نظری و تدوین ۱۳ فقره کتب راهبردی - عملیات - تاکتیکی جهت نداجا
- ✓ تحقیق صنعتی و طراحی عملیاتی سه فقره سامانه نبرد شناورهای سطحی و زیرسطحی و کنترل تردد دریایی
- ✓ همکاری با صنایع و مؤسسات تحقیقاتی وزارت دفاع، دانشگاه و انجمن علمی فرماندهی و کنترل و همکاری با ستاد کل

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	بخش یکم: ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس
۳	الف - پیشینه روابط کشورهای عراق و ایران تا پیش از جنگ تحمیلی
۴	ب - وضعیت کشورهای ایران و عراق در آستانه جنگ
۶	پ - وضعیت ارتش ج.ا.ا پس از انقلاب اسلامی
۹	ت - وضعیت نداجا پس از انقلاب اسلامی
۱۲	ث - بهانه عراق برای تحمیل جنگ
۱۴	ج - علایق ژئوپلیتیکی عراق در خوزستان
۱۵	چ - نقش منطقه خلیج فارس در چشم‌انداز ژئوپلیتیک انرژی
۱۹	ح - وضعیت راهبردی ایران
۲۲	خ - اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران
۲۹	بخش دوم: عملیات‌های نداجا در دفاع مقدس
۲۹	الف - خلاصه‌ای از عملیات‌های نداجا در جنگ تحمیلی
۳۶	ب - اسکورت کاروان (جنگ اقتصادی)
۴۰	پ - جنگ نفتکش‌ها
۵۰	ت - درگیری مستقیم با آمریکا
۵۵	بخش سوم: تجهیزات خودی و دشمن
۵۵	الف - تجهیزات نداجا در شروع جنگ تحمیلی
۶۵	ب - تجهیزات نیروی دریایی ارتش عراق در شروع جنگ تحمیلی

۷۷	بخش چهارم: معنویت در هشت سال دفاع مقدس
۷۷	الف - جهاد در راه خدا
۷۹	ب - آثار معنویت در دفاع دریایی
۸۱	پ - معنویت در عملیات‌ها
۸۵	بخش پنجم: نقش کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ تحمیلی
۸۵	الف - حضور آمریکا در خلیج فارس
۸۷	ب - آمریکا و آغاز جنگ
۸۹	پ - کشورهای عربی و جنگ
۹۱	ت - تشکیل شورای همکاری خلیج فارس
۹۳	بخش ششم: سازماندهی نداجا پس از جنگ تحمیلی
۹۳	الف - سازماندهی نداجا پس از جنگ تحمیلی
۹۳	ب - مناطق دریایی جدید
۹۵	پ - قابلیت‌های های نوین نیروی دریایی راهبردی
۹۹	پ - قابلیت امداد و نجات بشر دوستانه
۱۰۱	منابع

مقدمه

کشورها برای حفظ و توسعه قدرت ملی و نیز دستیابی به اهداف تعیین شده خود، به اقداماتی چون تدوین راهبرد ژئوپلیتیکی در پیوند با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، همچنین فرصت‌ها و محدودیت‌های قدرت‌کاه یا قدرت‌افزا می‌پردازند. از اینرو، نظام‌های سیاسی کوشیده‌اند تا از طریق تصرف یا نفوذ در سرزمین‌هایی که می‌توانند مکمل ژئوپلیتیک باشند، تنگناهای ژئوپلیتیکی (محدودیت سرزمین و منابع) خود را رفع کنند. تنگناهای ژئوپلیتیکی، ناگزیر کشورها را در موقعیتی قرار می‌دهد که برای رفع معضل فضایی سرزمینی خود به اجرای راهبردهای جبرانی همچون جنگ بپردازند.

کشور عراق به لحاظ ساختار حکومتی بودنش وارث تنگناهای ژئوپلیتیکی عمده‌ای از جمله عدم دسترسی کرانه‌های جنوبی‌اش در خلیج فارس به آب‌های آزاد است. بنابراین، عراق چه در زمان حکومت بعث و چه در زمان حکومت جدید آن، همواره در پی حل معضل ژئوپلیتیکی خود بوده است و به همین دلیل، در زمان حکومت صدام، با کشورهای ایران و کویت به جنگ منطقه‌ای پرداخت.

شرایط انقلابی در ایران و فرو ریختن و یا بر هم ریختگی ساختارهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی آن زمان ایران و هراس از توسعه تفکر انقلابی به کشور عراق، باعث شد که عراق بهترین زمان تحقق خواسته‌هایش را در اواخر سال ۵۸ و اواسط سال ۵۹ تشخیص داده و از چراغ سبز استکبار غرب و شرق هم برای مقابله با انقلاب بهره ببرد.

جنگ هشت ساله عراق علیه جمهوری نوپای اسلامی ایران در چنین شرایطی آغاز شد؛ لذا صدام درصدد برآمد با تصرف بخش‌هایی از کشورمان به آمال دیرینه‌اش در رهایی از تنگناهای ژئوپلیتیکی جامه عمل بپوشاند. پیشروی یگان‌های ارتش عراق اگرچه در آغاز با موفقیت همراه بود، اما به تدریج با شکل‌گیری هسته‌های مقاومت مردمی و افزایش سطح آمادگی یگان‌های

نظامی، دچار مشکل شد، تا در نهایت پیشروی نیروهای متجاوز تثبیت و متوقف و راهبرد جنگ برق‌آسای صدام با شکست مواجه شد.

یکی از مهم‌ترین رخدادها تاریخ معاصر ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی هشت ساله‌ای است که صدام بر کشورمان تحمیل کرد. رویدادها، وقایع و داستان این جنگ در خاطره نسل ما به "حماسه ماندگاری" تبدیل شده است. این جنگ برای مردم ایران نه تنها یک حادثه تاریخی، که یک مقاومت ملی و سرشار از فداکاری و شجاعت‌های بی‌نظیر جوانان این مرز و بوم است، و البته اثرات عمیقی از خود بر معادلات قدرت در منطقه غرب آسیا برجای گذاشت.

ماهیت بین‌المللی این جنگ به مراتب از بسیاری از جنگ‌های کشورهای جهان سوم بیشتر بوده است. تفکرات رژیم بعث عراق از روزهای آغازین جنگ، به پشتیبانی قدرت‌های بزرگ و اکثر حکومت‌های عربی منطقه خلیج فارس مستظهر بود. در این جنگ، آمریکا و شوروی - دو ابر قدرت دوران جنگ سرد - عملاً در یک جبهه واحد و به صورت همگرا، از دولت عراق حمایت کردند. البته نوع همکاری و میزان کمک آنها به حکومت صدام، در طول سال‌های دوران جنگ متفاوت بود. اکثر کشورهای عربی منطقه خلیج فارس نیز با کمک‌های وسیع مالی، عراق را حمایت کرده و همچنین، رؤسای کشورهایی مانند مصر و اردن در کنار صدام حسین قرار گرفتند.

بخش یکم: ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس

الف-پیشینه روابط کشورهای عراق و ایران تا پیش از جنگ تحمیلی

با انجام کودتا در سال ۱۳۳۷ و تغییر نظام سلطنتی در عراق، روابط دو کشور ایران و عراق تیره شد. به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق، باعث قطع رابطه سیاسی دو کشور در سال ۱۳۴۸ و تعطیلی مدرسه ایرانیان در بصره شد، که این مسائل واگرایی دولت عراق از ایران را تشدید کرد (شهیدزاده، ۱۳۷۸: ۳۲۴).

حزب بعث با اندیشه مخصوص به خود و وابستگی به شوروی و تکیه بر قومیت عربی و با تفکری ضدایرانی و ضدشیعی، موجبات فاصله گرفتن دولت عراق از ایران را فراهم آورد. این حزب با تکیه بر اندیشه‌های افراطی قومیت عربی، اخراج ایرانی‌ها از عراق را آغاز کرد. شمار بسیاری از ایرانیانی که سال‌های سال پدران و مادرانشان به عراق رفته و حتی خود متولد آن کشور بودند، به جرم داشتن ریشه ایرانی در چند نوبت از آن کشور اخراج شدند. دارایی و سرمایه ایرانیان اخراجی از سوی رژیم بعث مصادره و با تحقیرآمیزترین رفتارها به ایران فرستاده شدند. فقط در دوره پهلوی بیش از ۵۰ هزار عراقی ایرانی تبار از عراق اخراج و به ایران فرستاده شدند. رژیم بعث در طول حیات خود، ایران را دشمن شماره یک خود تلقی می‌کرد و به طور مرتب، سیاست‌های ضد ایرانی‌ش را توسعه می‌داد. در دوره حکومت رژیم پهلوی، همواره یکی از تهدیدات نظامی مطرح علیه امنیت ملی ایران، احتمال حمله نظامی عراق به مناطقی از نقاط مرزی در نظر گرفته می‌شد.

بر این اساس، طرح‌هایی برای مقابله با ارتش عراق تهیه و بر اساس آنها برخی تمرینات نظامی نیز صورت می‌گرفت. پس از گذشت حدود دو ماه از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از برگزاری همه‌پرسی تغییر نظام سلطنتی به

جمهوری اسلامی و با تأخیر دو ماهه، آقای حسن البکر رئیس جمهور عراق در اواخر فروردین ۱۳۵۸، پیام تبریکی برای امام خمینی (ره) ارسال نمود.

با روی کار آمدن صدام، روابط عراق با ایران تیره شد و هرچه زمان می‌گذشت، بر میزان تنش روابط بین دو کشور افزوده می‌شد. با حمله عراق به چند پاسگاه مرزی در آبان‌ماه ۱۳۵۸، موضوع قطع روابط با این کشور در شورای انقلاب اسلامی ایران مطرح، اما به دلیل رعایت حُسن همجواری از قطع رابطه خودداری شد. با ادامه پشتیبانی عراق از عاملین انفجارها و ناامنی‌ها در استان‌های خوزستان و کردستان، قبل از نوروز سال ۱۳۵۸، یعنی حدود شش ماه قبل از جنگ، سفیر ایران از عراق فرا خوانده و سفیر عراق هم از ایران اخراج شد (دعایی، ۱۳۸۷: ۱۷۴).

روابط دو کشور از آغاز سال ۱۳۵۹، بیش از حد تیره و در اردیبهشت ۱۳۵۹، به سفارت ایران در بیروت حمله شد. اختلافات سیاسی موجب توسعه جنگ تبلیغاتی بین دو کشور گردید و تلاش‌های عراق برای استفاده از قدرت نظامی باعث بروز بحران در مرزهای دو کشور شد. این بحران از اوایل فروردین ۱۳۵۹، گسترش یافت تا به جنگی همه جانبه در آخرین روز شهریور منجر گردید.

ب- وضعیت کشورهای ایران و عراق در آستانه جنگ

ایران در طول یک سال و نیم قبل از آغاز جنگ درگیر و مشغول ایجاد بسترهای قانونی برای تشکیل نظام جمهوری اسلامی پس از فروپاشی رژیم شاهنشاهی بود و اختلاف نظرها و چالش‌های سیاسی در راستای روی کار آوردن دولتی دائمی اذهان نخبگان و مقامات سیاسی را درگیر کرده بود. از سوی دیگر، اقدامات تروریستی گروه‌هایی نظیر فرقان و درگیری‌های مسلحانه از سوی گروه‌هایی نظیر حزب دموکرات و خلق عرب وابسته به عراق، گروه‌های مارکسیستی و التقاطی در برخی از استان‌ها و شهرها شدت یافته و بسیاری از کشورهای دوست به دولت‌های متخاصم و یا دولت‌های غیردوست تبدیل شده بودند.

امنیت داخلی در اولویت برنامه‌های دولت قرار داشت و ایجاد یک دولت باثبات و نهادهای قانونی مردمی نیز مهم‌ترین دغدغه مسئولین کشور بود. چالش‌های شدیدی بین گروه‌های رقیب در صدر حاکمیت وجود داشت، که عملاً موجب گردید تهدیدهای مرزهای غربی کشور به صورت جدی مورد توجه واقع نشده و باور ملی به تهدید از آن سوی ایجاد نشود.

از نظر ساختاری، ایران قبل از آغاز جنگ، فاقد نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی بود که بتواند به طور منظم مسائل مربوط به تهدیدات نظامی و امنیتی علیه کشور را بررسی، ارزیابی، مدیریت و کنترل نماید. البته شورای عالی دفاع در قانون اساسی، پیش‌بینی شده بود که قبل از شروع جنگ تشکیل نمی‌شد.

برای مسئولین کشور نیز آن قدر مسائل ساختاری و موضوعات داخلی وجود داشت که کمتر به مسئله تهدید خارجی آن هم از نوع جنگ، فکر می‌شد. از سوی دیگر، معرفت لازم و ادراک کلی از تحولات محیطی و نیت حزب بعث عراق در بین دستگاه‌های سیاسی و امنیتی کشور برای پیش‌بینی احتمال وقوع جنگ وجود نداشت.

در آستانه شروع جنگ، گرچه درآمدهای نفتی ایران وضع مناسبی داشت، اما تولید نفت ایران نسبت به دو سال قبل از آغاز جنگ، کاهش چشمگیری یافته بود و تعاملات اقتصادی ایران نسبت به دوران رژیم گذشته تا حدود زیادی محدود شده بود. در چنین شرایطی، ایران دچار چالش‌های سیاسی با بسیاری از کشورهای جهان از جمله آمریکا، برخی از کشورهای اروپایی، شوروی و بعضی از کشورهای عربی خاورمیانه شده بود.

پس ایران در مقطع زمانی قبل از آغاز جنگ، از نظر سیاسی متشتت و دچار چند دستگی و اختلافات داخلی بود و از نظر اقتصادی، در حال آشفتگی و از نظر بین‌المللی نیز در وضعیت انزوا به سر می‌برد. البته مردم از حاکمیت ارزش‌های اسلامی بر کشور و نیز ایجاد مردم سالاری در ساختار حکومتی راضی بودند و تا حدود زیادی انسجام ملی در جهت اهداف انقلاب اسلامی برقرار بود.

اما رژیم عراق در آستانه جنگ تحمیلی، دارای ثبات سیاسی، ساختار یکپارچه و قدرت متمرکز استبدادی با حاکمیت امنیتی و پلیسی و بدون نگرانی از یک تهدید خارجی بود.

این کشور یک پیمان دوستی و همکاری نظامی با اتحاد جماهیر شوروی سابق داشت و با کشورهای عضو بلوک شرق مناسبات خوبی برقرار کرده بود. در همین حال، عراق در تلاش برای کاستن از اتکاء به شوروی و شروع به توسعه روابط خوب با فرانسه بود. همچنین، دولت عراق در حال نزدیک شدن به آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی و فاصله گرفتن از سوریه به دلیل رقابت‌های حزبی بود.

حزب بعث دارای احساس برتری جویی در جهان عرب و تلاش برای توسعه قدرت عراق در جهان عرب بود. ارتش عراق از مدت‌ها قبل خود را برای آغاز جنگ با ایران آماده می‌کرد. بدین منظور، رئیس جمهور عراق تصفیه در درون حزب بعث را آغاز و مخالفین داخلی را به شدت سرکوب نمود، تا پس از آغاز جنگ هیچ‌گونه نگرانی از اوضاع سیاسی در داخل کشور نداشته باشد. به هر حال، با به قدرت رسیدن صدام در حزب بعث، زمینه برای تشدید واگرایی و اختلافات با ایران فراهم شد و در نهایت، خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی صدام حسین عراق را به جنگ با ایران کشانید.

پ- وضعیت ارتش ج.ا.ا پس از انقلاب اسلامی^۱

به طور طبیعی، در هر انقلابی پس از پیروزی انقلابیون، نظم حاکم فرو می‌پاشد و دوران گذار برای استقرار نظم جدید به وجود می‌آید. از جمله نهادهایی که در جریان پیروزی هر انقلابی ناگزیر به تحمل بیشترین صدمات و خسارات ساختاری است، نیروهای مسلح کشور است، که طبیعتاً رژیم حاکم از

۱. پایگاه اطلاع رسانی ارتش جمهوری اسلامی ایران (ارتش و عبور از چالش‌ها)

آنها برای حفظ و بقای خود و مقابله با مخالفان و انقلابیون حداکثر بهره‌برداری را می‌کند.

ارتش ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود. در نتیجه، پس از پیروزی انقلاب به رغم تمامی حمایت‌های بی‌دریغ حضرت امام(ره)، رهبر فقید انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، متحمل صدماتی شد که میزان آمادگی و توان رزمیش را در آستانه تهاجم رژیم بعثی عراقی به حداقل رسانده بود. در ادامه، تلاش شده تا عوامل تأثیرگذار بر کاهش آمادگی رزمی ارتش/نداجا مورد تجزیه، تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۱- تضعیف ساختار ارتش

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی شرایط ناگزیر آن دوران، ساختار ارتش، انضباط و سلسله مراتب فرماندهی در آن با چالش‌های متعددی روبه‌رو گردید. در طول ۱۵-۱۴ ماه بعد از انقلاب و تا مقطع حمله ارتش عراق به ایران، به طور متوسط در فاصله هر چهار الی پنج ماه یک فرمانده در مقام رئیس ستاد مشترک ارتش و یا فرمانده یکی از نیروهای سه‌گانه به اشکال مختلف تعویض شدند و یا کناره‌گیری کردند. برکناری و نیز ترور سپهبد قرنی توسط گروه فرقان - که به دلیل ویژگی‌های شخصیتی می‌توانست از پشتوانه‌های ارتش اسلامی ایران باشد - را می‌توان از صدمات جبران‌ناپذیر در بازسازی و انسجام سریع ارتش برشمرد.

در طول یک سال و نیم بعد از انقلاب تا مقطع شروع جنگ، وضعیت در رده‌های پایین‌تر نیروهای ارتش نیز با مسائلی دست به گریبان بود. به طور مثال: از طریق پاکسازی، بازخرید، استعفا و بازنشستگی حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از افسران نیروی هوایی، عمدتاً افسران ارشد، از نیروی هوایی خارج شدند. این وضعیت آماری عمدتاً از افسران ارشد در نیروی دریایی بین ۲۵ تا ۳۰ درصد بوده است.

به هنگام حمله ارتش عراق به ایران، تعداد کارکنان نیروهای مسلح ارتش ایران بالغ بر ۱۸۰ هزار نفر بوده، در حالی که قبل از انقلاب، تعداد کارکنان نیروهای مسلح ارتش ایران بالغ بر ۴۷۰ هزار نفر بوده است. در این فاصله زمانی، تنها واحد از نیروهای نظامی که در خرمشهر در مقابل دو لشکر عراق مقاومت کرد، مجموع ظرفیتش کمتر از یک تیپ، یعنی یک ششم ظرفیت واحدهای نظامی ارتش عراق در حمله به خرمشهر بود (شامل تکاوران نیروی دریایی، یک گردان پیاده، هنگ ژاندارمری و گروهی از دانشجویان دانشکده افسری). اکثریت این افراد نیز در جریان مقاومت ۳۴ روزه در دفاع از خرمشهر در برابر حمله ارتش عراق، به درجه رفیع شهادت نائل گردیدند. لشکر زرهی خوزستان که مجهزترین لشکر زرهی ارتش ایران قبل از انقلاب بوده و نقش تدافعی در حمله احتمالی ارتش عراق به ایران جزو مسئولیت‌های سازمانی آن لشکر مجهز بود، به هنگام تهاجم عراق، از ۳۸۵ تانک سازمانی تنها ۳۸ تانک آماده عملیات در اختیار داشت!

۲- کاهش استعداد کارکنان یگان‌ها

کاهش خدمت وظیفه از دو سال به یک سال (در حالی که ۶۰ درصد استعداد کارکنان ارتش را افراد وظیفه تشکیل می‌دادند) موجب ترخیص ۵۰ درصد از کارکنان وظیفه شد و استعداد کارکنان یگان‌ها به کمتر از ۷۰ درصد کاهش یافت.

رهایی از خدمت کارکنان پایور، به صورت بازنشسته، بازخرید، استعفا، پاکسازی، اخراج (با تمایل شخصی و یا در اثر اعمال نظر اشخاص مغرض)، انتقالات بی‌رویه و بدون جانشین هم‌تراز از یگان‌های رزمی و پشتیبانی رزمی، بویژه یگان‌های مستقر در مناطق مرزی (لشکرهای ۸۱، ۹۲ زرهی و...) به یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی، آموزشی و یا به سازمان‌های غیرارتشی در موطن اصلی خود و یا در محل مورد دلخواه، در حالی که

فرماندهان قادر به مخالفت با این قبیل درخواست‌ها نبودند نیز، به این از هم‌گسیختگی کمک می‌کرد.

۳- پایین آمدن سطح انضباط

افزایش غیبت و فرار کارکنان، تمرد و عدم اطاعت از سلسله مراتب فرماندهی و خواسته‌های غیرمنطقی که قبلاً به آن دست پیدا نکرده بودند، موجب پایین آمدن سطح انضباط در یگان‌ها شده بود. همچنین، تعویض غیراصولی فرماندهان که مستمراً توسط زیردستان و از طریق شوراها انجام می‌پذیرفت و انتصاب فرماندهان فاقد شایستگی و توان مدیریت، تخصص و دانش هدایت و رهبری یگان‌ها موجب بی‌نظمی در یگان‌ها گردید که حاصل آن از هم‌پاشیدگی شیرازه یگان‌ها و از بین رفتن سلسله مراتب فرماندهی بود.

ت- وضعیت نداجا پس از انقلاب اسلامی^۱

انقلاب پیروز شد و جشن انقلاب همراه گردید با رژه کارکنان پایگاه دریایی بوشهر در شهر، که البته همراه بود با حضور گرم مردمی که با نقل و شیرینی و شاخه‌های گل به استقبال آنها آمده بودند. در اسکله پایگاه، تمامی ناوهای رزمی از کلاس فریگیت گرفته تا ناوچه‌های موشک‌انداز کلاس پیکان که به تازگی خریداری شده و ۹ فروند آنها تحویل گرفته شده بود و مین جمع‌کن‌ها و ناوچه‌های تندرو و ناوچه‌های ژاندارمری و خدمات بندری، پهلو گرفته بودند. بالاترین مأموریت و خدمت پایگاه دریایی در آن برهه، پشتیبانی از مردم خونگرم بوشهر و ملت سلحشور ایران و حفظ ارزش‌های انقلاب، با حضور در سرحدات و مرزهای دریایی و کنترل تردد شناورها بالأخص کنترل شناورهای مشکوک به حمل قاچاق، از انسان گرفته تا انواع کالاهای و ارزها و اشیاء قیمتی

۱. برگرفته از مصاحبه با یکی از فرماندهان دفاع مقدس

بود که احتمال داشت توسط خائنین به مملکت از طریق آب‌های همین منطقه به آسانی به سوی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس حمل گردند.

اما شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد. باز شدن فضای سیاسی در کشور تأثیر خود را بر نیروهای نظامی جوان هم گذاشت، تا بعضاً گرایش‌هایی به گروه‌های معاند نشان دهند و از طرفی، موجب شناخته شدن اعضا و هواداران این گروه‌ها گردید، که قبل از این جرئت ابراز وجود نداشتند.

نفوذ سیاست‌های مخرب گروه‌ها به درون سازمان موجب گردید تا شالوده ساختاری نظام، یعنی انضباط نیروهای مسلح تقریباً از هم پاشیده شده و دیگر سلسله مراتب و اصول نظامی معنایی نداشته باشد. نه فرمانده در جایگاه اصلی خود بود و نه قدرتی قانونی وجود داشت که از او پشتیبانی نماید.

کمیته‌ای در شهر که برای نظم و انضباط شهری سازماندهی شده و تعدادی از کارکنان پایگاه هم در آن حضور داشتند، عملاً در جایگاه ستاد فرماندهی پایگاه دریایی حکم صادر می‌کردند و دستورات کمیته به معنی همان قانونی بود که می‌بایستی رعایت گردد.

در یگان‌ها هیچ‌گونه کنترلی بر کارکنان قابل اعمال نبوده و هرگونه دستوری از سلسله مراتب، عملاً فاقد وجهه قانونی تلقی می‌گردید. سلسله مراتب جای خود را در یگان به شورایی به نام "شورای فرماندهی" داده و هرگونه تحرکی برای انجام مأموریت در دریا و یا انجام وظیفه‌ای در یگان و یا هر اقدامی در راستای تعمیر و نگهداری سامانه و دستگاه‌ها، منوط به کسب نظر شورای فرماندهی بود که متشکل از قشرهای مختلف یگان (افسر، درجه‌دار و کارمند) بود.

افراد شورا اغلب کسانی بودند که با گروه‌ها و یا سازمان‌های سیاسی مورد علاقه‌شان در ارتباط بوده و اساس و پایه تفکر آنها نه برقراری نظم و انضباط بلکه از هم پاشاندن اصول اولیه حاکم بر ساختار یک ارتش، یعنی "رعایت سلسله مراتب و عمل به قوانین انضباطی" بود، که همواره مورد تأکید حضرت امام(ره) بود.

حتی اگر در خواستی از کمیته برای عزیمت به دریا و تعقیب قاچاقچیان و سردمداران فراری می‌رسید، این کمیته بود که تصمیم می‌گرفت آیا عزیمت به دریا مقدور است، یا به دلایل صوری قابل اجراء نیست. نتایج حاصل از عملکرد چنین شوراهایی، بی‌انضباطی، تعهدگریزی، توهین، سوءاستفاده، فرار از وظائف محوله، اغتشاش و ناامنی و تقلیل آمادگی رزمی و در نهایت، سست نمودن شالوده نظامی بود که هنوز جایگاه مستحکمی پیدا نکرده بود.

گرچه در بین کارکنان پایگاه و یگان، افراد دلسوز و متعهد و بابصیرت وجود داشتند، اما شرایط موجود در جامعه و نابسامانی اوضاع سیاسی و اقتصادی و نظامی در سطح سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان نظام به گونه‌ای بود که میدان عمل به چنین افرادی را نداده و لذا دست‌نشانده‌های گروهک‌ها که از سال‌ها قبل آموزش دیده و برخی دیگر نیز که در لوای اسلام سنگ انقلاب را به سینه می‌زدند، عهده‌دار امور گردیده و تلاش می‌نمودند که طبق سیاست‌ها و راهبردهای آنها، مسیر انقلاب را کنترل و هدایت نمایند.

گاه نیز این تفکر که منافعی برای قشر درجه‌دار و کارمند داشت، مؤثر واقع می‌شد و تهییج و همراهی کلی آنها را موجب می‌گردید؛ مثل زمانی که مسئله مسکن و یا یکسان بودن کارها در یگان‌ها مطرح می‌شد، که اغلب نفرات پایگاه آنها را همراهی نموده و در نهایت، هم موجب تثبیت جایگاه آنها و هم موجب راهپیمایی گروهی به رهبری این افراد در سطح پایگاه و منطقه می‌گردید.

بدیهی بود که بزرگ‌ترین ضربه مدنظر گروهک‌های معاند به نظام، سست نمودن اعتقادات قشر متعهد، بی‌هدف جلوه دادن مأموریت‌ها و شرح وظائف یگان‌ها، از هم پاشاندن اتحاد بین اقشار مختلف و در نهایت، انحلال ارتش اسلام که بازوی پر قدرت نظام اسلامی به شمار می‌رفت، بود.

گرچه اعمال و اقدامات گروهک‌ها در منطقه دوم دریایی بوشهر از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ تحمیلی، همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بود، ولی آثار سوء آن در هر حال، در تمامی زمینه‌های پرسنلی، فنی، تعمیر و نگهداری، لجستیکی، آموزشی و عملیاتی و در نهایت، تقلیل توان رزمی یگان‌های بارزش

نداجا کاملاً مشهود بود، تا آنکه جنگ تحمیلی آغاز شد و به فرمایش امام(ره)، آن نعمتی بود که بساط این عوامل مزدور و فریب خورده را در هم پیچید و با حضور کارکنان متعهد و ایثارگر در جایگاه اصلی خود، جلوه‌های عشق و فداکاری نمایان گردید.

ث- بهانه عراق برای تحمیل جنگ

صدام حسین برای آغاز جنگ، به اصطلاح خودداری ایران از عقب‌نشینی در برخی نقاط مرزی بر اساس معاهده ۱۹۷۵ الجزایر را دستاویز قرار داد و به طور یک طرفه این عهدنامه را پنج روز قبل از شروع جنگ در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹، لغو نمود. البته همزمان با این اقدام، ارتش بعثی چند روز قبل از آغاز جنگ سراسری، نقاط مورد ادعا را به تصرف خود درآورد. چنانچه این بهانه را عامل آغاز جنگ بدانیم، بر طبق مقررات بین‌المللی، دولت عراق هیچ‌گونه حقانیتی در تجاوز به خاک ایران و به راه انداختن جنگ نداشته است.

اولاً در متن معاهده ۱۹۷۵، نحوه حل و فصل اختلافات در اجرای این قرارداد مشخص شده بود. ثانیاً به فرض صحت تمام ادعاهای دولت عراق، امتناع ایران از تخلیه اراضی مورد ادعا، نمی‌توانست شروع جنگ به وسیله دولت عراق را توجیه نماید، زیرا "اصل تناسب"، دولت‌ها را در منازعات خود محدود و مقید می‌سازد. مطابق این اصل، اقدامات متخذه به منظور دفاع مشروع، نباید بیش از آنچه که برای دفع خطر یا از بین بردن حمله ضرورت دارد، صورت گیرد و پس از رفع نیاز بایستی قطع شود (نادری، ۱۳۴۵: ۹۰).

بنابراین، تهاجم گسترده ارتش بعثی و آغاز یک جنگ تمام عیار توسط دولت عراق، کنش یا واکنشی به مراتب عظیم‌تر از بهانه ذکرشده بود و با اصل تناسب کاملاً مغایرت داشت. از سوی دیگر، اقدامات رژیم عراق در حین جنگ نشان داد که هدف دولت عراق از جنگ با ایران، دفاع مشروع نبوده و مقامات عراقی پس از تصرف بخش‌هایی از خاک ایران، هدف خود را که جداسازی قسمتی از سرزمین ایران بود، به طور رسمی و در تبلیغات خود اعلام کردند.

صدام اهداف ذیل را از جنگ با ایران دنبال می‌کرد:

۱- ملغی نمودن معاهده مرزی ۱۹۷۵ الجزایر

رژیم بعثی عراق، قصد داشت تمام اروندرود را به مالکیت خود درآورده و برخی از ارتفاعات سرکوب در غرب کشور را در اختیار بگیرد. دولت عراق تلاش می‌کرد با استفاده از زور و فشار نظامی، قرارداد مرزی جدیدی را بر ایران تحمیل نماید، تا بتواند تنگناهای تاریخی ژئوپلیتیکی خود را بگشاید و قدرت بیشتری در خلیج فارس کسب نماید.

۲- جداسازی تمام یا بخشی از استان خوزستان از ایران

رژیم صدام در تلاش بود تا از طریق تهاجم نظامی، تمام یا بخش‌هایی از سرزمین خوزستان را به تصرف خود درآورد. در نقشه‌های منتشرشده از سوی این رژیم، استان خوزستان با نام جعلی عربستان به عنوان بخشی از خاک عراق منظور گردیده بود.

۳- فشار به ایران برای واگذاری جزایر سه‌گانه (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) به اعراب

حزب بعث عراق در تمام دوران حاکمیت خویش، خود را مدافع خواسته‌های اعراب قلمداد می‌کرد. اگرچه ادعای عراق در مورد جزایر ایرانی خلیج فارس، به مسائل بین دو کشور ربطی نداشت، اما پس از قطع رابطه آمریکا با ایران، دولت عراق ادعا نمود جزایر ایرانی خلیج فارس بایستی به اعراب بازگردانده شود.

به نظر می‌رسد، دولت عراق در تلاش بود بدین وسیله، خود را خط مقدم جبهه عربی علیه ایران مطرح نماید و کمک‌های مالی کشورهای عربی را به خود جذب نماید و از نظر سیاسی آنها را در کنار خود نگه دارد.

برابر ادعای یادشده عراق و به دنبال اظهارات برخی از مقامات کشورهای عربی در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس، طبق سند شماره ۵۸۰۹۰۳۰۰۷ مرکز اسناد نداجا، طرح درفش برگرفته از طرح ذوالفقار

توسط نداجا در راستای دفاع از جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی در آذرماه ۱۳۵۸ به اجراء گذاشته شد، و شرح اجرای مأموریت به اداره سوم سماجا گزارش گردید. در این طرح، علاوه بر گسترش یگان‌های شناور در اطراف جزایر فوق‌الذکر، دو فروند ناوچه موشک‌انداز گرز و گردونه از منطقه دوم به منطقه رزمایش اعزام گردیدند.

همزمان با آمادگی اجرای طرح درفش در جهت حفاظت از جزایر سه‌گانه، طرح ذوالفقار با هدف مقابله با تهدیدات عراق نیز مورد بررسی قرار گرفت و به دنبال این حرکت نداجا، عملاً هرگونه فعالیت و زیاده‌گویی‌های شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس را تحت‌الشعاع آمادگی رزمی نداجا قرار داد.

۴- جلوگیری از گسترش نفوذ انقلاب اسلامی

با ظهور انقلاب اسلامی در ایران، حکومت عراق نگران توسعه نهضت اسلامی در بین مردم آن کشور شد و حزب بعث، اندیشه اسلام انقلابی را برای ادامه سلطه خود بر مردم عراق خطرناک ارزیابی کرد. با شناختی که از شیوه تفکر و رفتار امام خمینی(ره) در طول دوران تبعید در عراق، در بین حاکمان بعثی پدید آمده بود، آنها از سوی انقلاب اسلامی احساس تهدید می‌کردند. رژیم بعث مطمئن بود که مردم شیعه عراق برای خروج از سلطه دیکتاتوری حاکم، از انقلاب ایران الهام خواهند گرفت.

ج- علایق ژئوپلیتیکی عراق در خوزستان

محدودیت عراق در دسترسی به آب‌های آزاد، گستره مانور این کشور را در خلیج فارس از نظر نظامی و اقتصادی محدود می‌کرد، تا جایی که از آغاز استقلال عراق، دسترسی آسان و گسترده به آب‌های خلیج فارس پیوسته در زمره آرمان‌های رهبران آن کشور قرار گرفت. زمامداران بعثی برای رهایی از این

مشکل ژئوپلیتیک، همواره چند گزینه پیش روی خود داشتند که یکی از آنها اشغال خوزستان بود.

الحاق خوزستان به عراق مزیت‌هایی به این شرح برای این کشور داشت (حسینی، ۱۳۸۷):

- تسلط بر منابع غنی نفت ایران.
- حاکمیت انحصاری بر آب‌های اروندرود.
- تسلط بر منابع مهم آبی همچون رودهای کارون، کرخه، دز، هندیجان، جراحی، مارون و بهمنشیر.
- استفاده از مناطق حاصلخیز و جلگه‌ای خوزستان.
- بهره‌گیری از کانون‌های اقتصادی و نفتی، از جمله بندرهای آبادان، خرمشهر، ماهشهر و امام خمینی (ره).
- افزایش طول کرانه ساحلی.
- تسلط بر اتحادیه عرب.
- تغییر جایگاه عراق در ساختار نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی.
- تحکیم مبانی فکری حزب بعث و مشروعیت آن در جهان عرب.
- ویژگی‌های مذکور سبب شد نوک پیکان حملات عراق در جنگ با ایران متوجه استان خوزستان شود.

چ- نقش منطقه خلیج فارس در چشم‌انداز ژئوپلیتیک انرژی

حوزه خلیج فارس، حدود ۶۷۹ میلیارد بشکه ذخیره اثبات شده نفت (نزدیک به ۶۶ درصد از کل ذخایر نفت جهان) و ۱۹۱۸ تریلیون فوت مکعب ذخیره گازی (۳۵ درصد کل ذخایر گازی جهان) را دارد و چنین ذخایری این منطقه را به بزرگ‌ترین مخزن انرژی در جهان تبدیل کرده است. در حال حاضر، نفتی که از منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس از سوی ۶ کشور ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر، که همگی عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) هستند به دست می‌آید، نزدیک به ۱۸/۶

میلیون بشکه در روز است؛ در حالی که کل نفت خامی که در جهان به دست می‌آید نزدیک به ۷۹/۳ میلیون بشکه در روز است. بنابراین، نفت خلیج فارس کم و بیش ۲۳ درصد از نفت مصرفی جهان را تأمین می‌کند. البته بر پایه گزارش خبرگزاری ایسنا در مورخه ۹۷/۵/۲، کشور عراق نیز در حال حاضر حدود ۳/۵ میلیون بشکه در روز صادرات نفت دارد.

بر پایه پیش‌بینی‌ها، مصرف جهانی نفت تا سال ۲۰۲۰ روزانه به ۱۱۱/۵ میلیون بشکه خواهد رسید. پس تقاضای جهانی برای نفت خلیج فارس افزایش خواهد یافت و شاید به ۴۹/۸ میلیون بشکه در روز برسد، که در آن صورت، سهم منطقه خلیج فارس در تولید جهانی نفت نزدیک به ۴۵ درصد از کل تولید جهان خواهد بود.^۱

افزایش اهمیت جایگاه منطقه‌ای خلیج فارس در راهبردهای جدید انرژی ناشی از دو چیز است:

نخست: افزایش مصرف و در نتیجه افزایش تقاضا برای نفت خام؛

دوم: کاهش ذخایر نفت.

بر پایه پیش‌بینی‌ها، دست‌کم در ۲۵ سال آینده نگاه‌های جهانی به منطقه خلیج فارس دوخته خواهد شد. هرچند در حال حاضر کشورهای صنعتی می‌کوشند با یافتن جایگزین‌های دیگری چون نفت روسیه و حوزه خزر و نفت شیل آمریکا، از وابستگی خود به منابع خلیج فارس بکاهند، ولی در همان حال، توجه دارند که دوام منابع انرژی در روسیه، خزر و دیگر نواحی جهان در سنجش با منابع انرژی خلیج فارس کوتاه خواهد بود.

از طرفی، نبود ماده جایگزین نفت که دست‌کم دارای دو ویژگی مهم: پایین بودن بها، و فراوانی و انرژی‌زایی بیشتر آن است، از مهم‌ترین دلایل توجه انسان به منابع انرژی هیدروکربنی است. پس تا سال ۲۰۳۰، نفت و گاز به عنوان منابع

۱. برگرفته از سایت مرکز مطالعات خلیج فارس - ژئوپلیتیک نفت و گاز

کلیدی، نزدیک به ۶۳ درصد انرژی مورد نیاز دنیا را تأمین خواهند کرد و بی‌گمان خلیج فارس در این میان نقشی بسیار مهم و حساس خواهد داشت.

بر اساس برآوردها تا سال ۲۰۲۰، بیشترین تقاضای انرژی را کشورهای آسیایی، بویژه در آسیای شرقی و جنوب شرقی خواهند داشت و مقدار تقاضای این کشورها بیش از سه برابر تقاضای کشورهای قاره آمریکا خواهد بود.

تحقق چنین برآوردی بی‌گمان سبب می‌شود تا بزرگ‌ترین مسیر صدور انرژی جهان در آینده شکل گیرد. این مسیر از خلیج فارس آغاز می‌شود و به جنوب خاوری آسیا و خاور دور می‌رسد. خلیج فارس به صورت نقطه آغاز گران‌ترین مسیر انرژی جهان بوده و بر اهمیت آن بیش از پیش افزوده می‌شود. بی‌گمان انرژی خلیج فارس در اقتصادهای اروپایی، آفریقایی و حتی آمریکایی بسیار اثرگذار خواهد بود و وابستگی آنها به این منطقه را بیشتر خواهد کرد.

عربستان، ایران، عراق و کویت بیشترین ذخایر نفت خام قابل برداشت جهان را دارند.

ایران و قطر دومین و سومین رتبه را در جهان از نظر منابع و ذخایر گاز طبیعی دارند و هر دو تلاش می‌کنند بازار پرمصرف شرق را در اختیار گیرند و جای مهمی در آن بیابند.

سهم ایران از کل گاز طبیعی قابل برداشت جهان بالغ بر ۹۲۹ تریلیون فوت مکعب یا ۱۷ درصد از مجموع کل ذخایر است که پاسخگوی ۶۳ سال مصرف گاز در جهان و افزون بر ۴۰۰ سال مصرف گاز در ایران است.

قطر نیز برای دسترسی به بازار شرق بسیار تلاش نموده و به بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز طبیعی مایع (LNG) در غرب آسیا بدل گردیده است. پروژه دلفین از پروژه‌های مهم صدور گاز قطر است. این پروژه خط لوله‌ای به درازای ۳۸۰ کیلومتر را در برمی‌گیرد که با احداث آن، گاز این کشور به امارات متحده عربی و عمان صادر می‌گردد.

همجواری منطقه خلیج فارس با مناطق راهبردی دیگر نیز بسیار اهمیت دارد. در شمار این مناطق، منطقه خزر است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر

شوروی به گونه برجسته وارد معادلات سیاسی شده و به سبب برآوردهای بسیار خوشبینانه در زمینه وجود ذخایر انرژی، مورد توجه قرار گرفته است. حوزه خزر در نزدیکی حوزه خلیج فارس واقع شده و می تواند از تحولات آن اثر پذیرد، ولی ویژگی های ژئوپلیتیکی این دو منطقه باهم تفاوت هایی دارد و با این تفاوت ها، امکان تبدیل شدن آنها به یک کلان منطقه راهبردی دست کم در شرایط کنونی اندک است. اما در این میان، یک ویژگی مشترک و نیز مهم آنها را به هم نزدیک می کند. این عامل مشترک شرایط راهبردی ایران است. ایران در هر دو منطقه منافع بلندمدت و بسیار راهبردی دارد و تأمین آنها برای بقای کشورمان حیاتی است.

یکی از تفاوت های برجسته منطقه خزر با خلیج فارس محصور بودن کشورهای واقع در آن حوزه در خشکی است، در حالی که کشورهای حوزه خلیج فارس به آب های بین المللی دسترسی دارند و در نتیجه، تعامل اقتصادی و بین المللی آنها با جهان خارج بهتر انجام می شود. نکته جالب توجه این است که هرچند کشورهای حوزه خزر مزیت های نسبی جغرافیایی ندارند، ولی این مزیت ها در یک جایگزین جغرافیایی مناسب تا اندازه ای دست یافتنی است. ایران بخشی از کمبدهای طبیعی این کشورها را برطرف می کند. این برتری یک موهبت ویژه الهی است که جغرافیای خاص در اختیار ما می گذارد.

موقعیت کشور ما در میان دو منطقه راهبردی خلیج فارس و خزر، موقعیت ویژه و یگانه است و حکم چهارراه پراهمیتی را دارد که در مبادلات اقتصادی بین المللی آینده آسیای مرکزی با حوزه خلیج فارس نقش مهم تکمیل کننده خواهد داشت.

این نکته که بهترین مسیر برای ورود انرژی خزر به بازار جهانی مسیر ایران است، مورد پذیرش بیشتر کارشناسان و جغرافی دانان است. تحقق این امر اهمیت ایران و خلیج فارس را راهبردی می کند، زیرا در آن صورت بیش از ۷۵ درصد نفت جهان با یک پیوند جغرافیایی در دو سوی یک محیط راهبردی قرار می گیرد. این محیط جغرافیایی در عمل یک هارتلند انرژی را تشکیل می دهد و

نبض اقتصاد جهان در این هارتلند خواهد تپید. پس دنیای صنعتی به گونه‌ای شکننده به این هارتلند وابسته خواهد شد.

ایران در مرکز هارتلند قرار می‌گیرد و مناطق پیرامون آن هم اهمیت فراوان خواهند داشت. به سبب پیوستگی حیات اقتصادی غرب به این هارتلند، امنیت منطقه به امنیت جهانی پیوند زده می‌شود و قدرت‌ها با عوامل ناامنی در آن به مبارزه برخوانند خاست و تلاش خواهند کرد با بهره‌گیری از همه امکانات، امنیت به عنصری پایه‌ای و اصلی در این منطقه تبدیل شود.

ایالات متحده آمریکا در این سال‌ها برای پیشگیری از پیدایش این هارتلند و نیز تضعیف موقعیت جغرافیایی ویژه کشورمان دست به تلاش‌هایی زد. برای نمونه، می‌تواند به طرح‌های خطوط لوله انتقال انرژی باکو-جیحان، ترانس خزر، باکوسوپسا و عشق‌آباد به پاکستان اشاره کرد. این طرح‌ها آشکارا طرح‌هایی ضدجغرافیایی است و تنها با اهداف سیاسی بر انجام آنها تأکید می‌شود. آمریکاییان و برخی دوستانشان در غرب به این نتیجه رسیده‌اند که اگر مسیر ایران برای انتقال انرژی خزر برگزیده شود، اهمیت جهانی این کشور دوچندان خواهد شد، زیرا جهان صنعتی در برابر آن شکنندگی پیدا خواهد کرد و ایران برای رویارویی با غرب از اهرم انرژی بهره خواهد جست. بر این پایه است که غرب و بیش از همه ایالات متحده آمریکا برای جلوگیری از پا گرفتن این هارتلند انرژی تلاش می‌کند.

ح- وضعیت راهبردی ایران

ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی، قلب غرب آسیا است. پیشینه فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن و همچنین قابلیت‌های اقتصادی و عملی ایران موجب تأثیرگذاری بالقوه هرچه بیشتر در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است. ایران به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب عالم از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت

محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران در سیاست و ساختار بین‌الملل نظر ناظران خارجی افزوده، به طوری که هرگونه تحول سیاسی در آن موجب برانگیخته شدن حساسیت‌های جهانی می‌گردد.

کشور ایران (که امروزه شاهد هستیم) تنها بخش کوچکی از سرزمین تاریخی ایران را تشکیل می‌دهد. سرزمین ایران در گذشته شامل پهنه وسیعی از طول و عرض جغرافیایی بوده که طی قرن‌ها به عنوان قلمرو فرهنگ و تمدن کهن اسلامی شناخته شده است. وسعت این سرزمین بسیار پهناورتر از سرزمین کنونی ایران و شامل سرزمین‌های داخل فلات وسیع ایران و سرزمین‌های حاشیه بوده و از مهم‌ترین ویژگی‌های این سرزمین استقرار آن در منطقه‌ای حائل است. «گذرگاهی میان قاره‌های بزرگ جهان، میان چند قلمرو بزرگ جغرافیایی و میان چند حوزه دیرینه فرهنگی» (حیدری، ۱۳۸۴: ۵۲).

به سبب همین نقش در تعاملات دولت‌ها، مسیرهای ارتباطی میان قاره‌های کهن جهان (چه از طریق راه‌های زمینی، دریایی و اینک هوایی) به طور اجتناب‌ناپذیر از داخل و یا حاشیه این سرزمین عبور می‌کرده‌اند. جاده ابریشم و تجارت ادویه و سایر اقلام و کالاهایی که مورد نیاز شرق و غرب جهان کهن بوده و چین و شبه قاره هند را به اروپا متصل می‌ساخته از گذشته‌های دور نقش برجسته‌ای به این سرزمین بخشیده و با گسترش راه‌های دریایی و با کشف منابع عظیم انرژی به عرصه رقابت میان قدرت‌های بزرگ دریایی جهان تبدیل گشته است.

امروزه نیز با گسترش روزافزون هوانوردی و نیز مبادلات هوایی و اهمیت آسمان ایران به عنوان کوتاه‌ترین کریدور هوایی میان قاره‌ای، علاوه بر اینکه این اهمیت کاهش نیافته، بلکه افزون‌تر نیز شده است. بنابراین، موقعیت گذرگاهی ایران به سبب نقش پراهمیتی که در مبادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند و همچنین اثرات عمیقی که بر تحولات سیاسی اقتصادی، در حوزه‌های وسیعی همچون آسیای مرکزی، شبه قاره و اقیانوس هند، بین‌النهرین و آناتولی وارد می‌کند، تبدیل به یک موقعیت ژئوپلیتیکی گردیده است. از طرفی، کشف ذخایر عظیم

سوخت‌های فسیلی در بستر خلیج فارس و اعماق خاک کشورهای منطقه و نیز احتیاج و نیاز ضروری جهان صنعتی به این منابع موجب تردد هر روزه تعداد زیادی شناور حامل مواد سوختی از خلیج فارس و تنگه هرمز شده است و همین امر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تبدیل به یک موقعیت ژئواستراتژیکی در جهان ساخته است، به گونه‌ای که تعامل و انطباق موقعیت‌های ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ایران در منطقه، کشورمان را به یکی از نواحی پراهمیت جهان بدل کرده است.

در دوران جنگ سرد، همجواری ایران با مرزهای جنوبی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق به رهبری کمونیست از یک سو و حساسیت منطقه نفت خیز خلیج فارس و غرب آسیا و اهمیت بسیار زیاد این منطقه برای بلوک غرب و جهان صنعتی از سوی دیگر، سبب شده بود تا ایران به عنوان یک سرزمین حائل میان این دو بلوک و اردوگاه ایدئولوژیک از اعتبار خاصی برخوردار باشد.

از اینرو و با توجه به تحولات اساسی در نظام اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی و پیوستگی جوامع و در هم تنیدگی سرنوشت سیاسی و اقتصادی، بشر امروز تحت تأثیر امواج جهانی شدن، تحریک پذیری و واکنش کشورهای جهان را نسبت به تحولات غیرمتعارف در نظام بین‌الملل افزایش داده است. بنابراین، با تأکید بر حفظ امنیت و ثبات نظام جهانی، هر رویداد کم‌اهمیتی که در گوشه‌ای از جهان رخ بدهد، می‌تواند بازتاب‌های وسیع و گسترده‌ای از خود به جای بگذارد. با عنایت به این مطلب و نقش برجسته ایران در تحولات اخیر منطقه و نظام بین‌الملل، تحولات مربوط به ایران چه در سطح داخلی و چه بین‌الملل همواره از طرف قدرتهای بزرگ و دولت‌های دیگر با حساسیت و دقت زیادی پیگیری می‌شود و نگرانی از احتمال وقوع هر بحرانی موجب ناامنی در مسیرهای بزرگ دریایی را فراهم می‌سازد؛ خصوصاً ضرورت توجه به امنیت نقاط اساسی مثل تنگه هرمز بوده که آنان را برای درنگ به واکنش وامی‌دارد.

"این موضوع بیانگر این است که جهان همواره علاقمند ثبات و امنیت ایران بوده و از هر کوششی که به این هدف دست یابد پشتیبانی می‌کند" (حیدری، ۱۳۸۴: ۵۴).

آنچه لازم به تذکر است اشاره به ترکیب موقعیت‌های چندگانه متمایز در زیر ساختار منطقه برای ایران است که باعث به وجود آمدن وضعیتی ممتاز، حساس و در عین حال خطرناک برای ما می‌شود. همان‌طور که اشاره شد این وضعیت از یک سو متضمن امنیت، ثبات و رشد اقتصادی است و از سوی دیگر دربردارنده ناامنی، بی‌ثباتی و عقیم‌گذاردن فرصت‌ها و ظرفیت‌ها است.

خ - اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران

"خلیج فارس به عنوان یک راه آبی و دریایی از همان سپیده دم تاریخ ارزش فراوانی داشته و به مثابه برخوردگاه تمدن‌های بزرگ خاور باستان، پیشینه‌ای چندین هزار ساله دارد. خلیج فارس، بی‌تردید بزرگ‌ترین و مهم‌ترین انبار انرژی جهان محسوب می‌شود. این موقعیت برای دهه‌های طولانی در قرن آینده دوام خواهد داشت... عامل عمده‌ای که نفت و گاز خلیج فارس را برای ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن بسیار حیاتی می‌سازد، دشواری بسیار در جایگزین ساختن نفت و گاز وارداتی منطقه توسط منابع دیگر انرژی مانند زمین، خورشید، دریا و هیدروژن است" (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

"در سال‌های اخیر، علیرغم داغ شدن بازار کشیدن لوله‌های نفت در این منطقه به کناره‌های دریای سرخ، این منطقه همچنان اهمیت سیاسی و اقتصادی و ترانزیتی خود را در سطح بالایی حفظ کرده است، همان‌گونه که خون در آب‌های دریا کوسه‌ها را برمی‌انگیزد، بوی نفت هم شرکت‌های انحصارگر را به سوی غرب آسیا کشانده، و روشن است که نفت، سرزمین‌های جنوبی خلیج فارس را بیش از پیش به گردباد بازی‌ها و هم‌آوردی‌های سیاسی امپریالیسم گرفتار خواهد کرد (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۱).

تغییر و تحولات سیاسی سال‌های اخیر منطقه متکی بر ایدئولوژی اسلامی است و بسط و حرکت آن در کشورهای منطقه، توجه جهان را به خود معطوف داشته است.

"آمار و ارقام نفتی بیانگر این واقعیت است که بخش قابل توجهی از ذخایر ثابت شده نفت و گاز طبیعی دنیا در کشورهای منطقه خلیج فارس قرار دارد. به عبارت دیگر، حدود دوسوم ذخایر ثابت شده نفت دنیا و یک چهارم از ذخایر گاز طبیعی جهان در این منطقه نهفته است. نفت پایه کلیه روابط اقتصادی در منطقه و نیز پایه کلیه روابط اقتصادی کشورهای منطقه با جهان است" (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۶۸).

خلیج فارس پس از جنگ جهانی دوم نقش مؤثری را در اقتصاد جهان ایفا کرده است. چرخ صنایع مدرن پس از انقلاب صنعتی از اروپا و ژاپن گرفته تا آمریکا توسط نفت خلیج فارس به گردش درآمده است. نظام اقتصادی غرب با کمک نفت کشورهای این منطقه توانسته به پیشرفت و فناوری امروزه برسد. علاوه بر این، شرکت‌های عظیم نفتی، بویژه شرکت‌های آمریکایی با توجه به ضعف کشورهای این منطقه و تسلط بر منابع نفتی آنها سودهای هنگفت و کلانی را به دست آورده‌اند.

در پی جنگ جهانی دوم و بالا گرفتن خسارات و هزینه‌های جنگ و نیز گسترش سلطه آمریکا در عرصه جهانی، لزوم توجه به این منطقه در دستور کار سیاستمداران واشنگتن قرار گرفت. در اوایل دوران صنعتی شدن و تا نیمه دوم قرن بیستم، به تدریج نقش نفت در تأمین انرژی جهان افزایش یافته است و اینک مقام اول را در تأمین امنیت انرژی جهان داراست.

اهمیت خلیج فارس برای آمریکاییان از آن جهت است که:

- ✓ منطقه خلیج فارس دارای بزرگ‌ترین ذخایر نفت است.
- ✓ خلیج فارس به لحاظ راهبردی، دنباله اقیانوس هند است.
- ✓ خلیج فارس با درگیری‌های اعراب و اسرائیل پیوند خورده است.

✓ احساس خطر از ناحیه اسلام سیاسی در کشورهای منطقه و روند روزافزون آن.

✓ وابستگی چرخ صنعت غرب به امنیت ترانزیت نفتی در این منطقه.
در دهه ۱۹۶۰، طرحی با عنوان دکترین دو ستونی برای تأمین منافع ملی آمریکا توسط نیکسون مطرح شد. بر اساس این دکترین ایران نقش "ستون نظامی" و عربستان سعودی نقش "ستون مالی" را بازی می‌کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نیز فروز طلبی‌های صدام حسین، دگرگونی تازه‌ای در این سیاست پدید آمد.

عمده‌ترین کالاهای صادراتی کشورهای خلیج فارس نفت است. در مقابل، سیل محصولات وارداتی اقتصاد این کشورها را به شدت وابسته به نفت و غربی‌ها کرده است. دلیل دیگر اهمیت کشورهای منطقه برای کشورهای صنعتی، بازار مصرف بسیار بالا است، که از این طریق می‌توانند هرچه بیشتر دلارهای نفتی را دوباره به کشور خود بازگردانند. نتیجه سریع تحولات در ایران و به تبع آن در کشورهای حاشیه خلیج فارس، موجب تغییر نگرش سریع و غیرمترقبه غرب به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و شیخ‌نشین‌ها با توجه به منابع عظیم نفت و گاز آن گردید. منطقه‌ای که بر اثر انعکاس تحولات انقلاب ایران تزلزل در ارکان حکومت و رژیم‌های وابسته به غرب آنها به وجود آمده و منافع غرب را مورد تهدید قرار داده بود. در پاسخ به این تحولات، آمریکا راهبرد خود را بر مبنای حفظ منافع خود و جلوگیری از فرو ریختن رژیم‌های منطقه طراحی کرد. بر اساس این راهبرد، رژیم‌های مزبور را باید از خطر سقوط نجات داد و انعکاس وسیع اثرات انقلاب اسلامی ایران را در آنها خنثی و نیز، خلأ نظامی ناشی از خروج ایران از پیمان امنیتی منطقه را (در دکترین نیکسون) به نحوی پر کرد.

خلیج فارس در میان مناطقی که در بخش معروف به غرب آسیا، به عنوان مناطق راهبردی جداگانه و متمایز از دیگران وجود دارد، مدل منحصر بفردی از یک منطقه راهبردی را ارائه می‌دهد. این منطقه شامل ملت‌هایی است که از نظر فرهنگی متفاوت هستند، ولی از نظر مشغله‌های سیاسی، استراتژیک و

اقتصادی هماهنگی و تجاسن دارند. این منطقه شامل کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، عمان، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین است. پاکستان نیز به دلیل نزدیکی جغرافیایی و مبادله گسترده بازرگانی علایق زیادی در این منطقه دارد و می‌توان آن را در ادامه ژئوپلیتیک خلیج فارس محسوب کرد.

همسایگان جنوبی ایران در خلیج فارس که شامل کشورهای عربی هستند، با سطح پایین اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، وجود بحران مشروعیت و عدم ثبات سیاسی، یک پایگاه محکم و متحد راهبردی برای آمریکا شده‌اند. علاوه بر این، دشمنی و عدم روابط دوستانه تاریخی با کشورهای عربی و پیشینه روابط نه چندان موفق ایران و این دولت‌ها همواره راه را برای حضور دشمنان ایران در این منطقه باز کرده است.

"بخش جنوبی ایران، دولت امارات متحده عربی دست در دست دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس همچنان به تهدید منافع ایران می‌پردازد و چند بار اعلام کرده که از ایران به دادگاه بین‌المللی شکایت خواهد برد" (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۷۶).

ورود شرکت‌های نفتی بعد از جنگ جهانی دوم به حوزه خلیج فارس، خود موجب تحولات سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی بسیار زیاد شد و این منطقه تا هم‌اکنون نیز نتوانسته است به یک تعادل راهبردی، که تأمین‌کننده منافع ملی کشورهای این شورا باشد، دست یابد.

با نگاهی مختصر به جایگاه انرژی در تأمین امنیت جهانی به نقش کلیدی خلیج فارس به عنوان یکی از منابع و ذخایر مهم انرژی دنیا پی می‌بریم. رویدادهایی که در دهه ۸۰ و حتی در دهه ۹۰ میلادی رخ داد، بیانگر این واقعیت بود که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، انرژی نقش انکارناپذیری در تحولات جهانی و بویژه در کشورهای صنعتی دارا بود.

خلیج فارس عمده‌تأ شامل کشورهایی است که با مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ساختاری روبه‌رو هستند. همین عقب‌ماندگی‌های

ساختاری زمینه ساز ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌های موجود در منطقه هستند. همین امر به بازیگران خارجی فرصت لازم برای ایفای نقش اصلی در منطقه خلیج فارس را داده است. عامل بیگانه با حضور مستقیم خود، نقش اصلی را در منطقه بازی می‌کند و این خود پیامد اوضاع داخلی منطقه است.

برابر اعلام پایگاه تحلیلی - تخصصی کالا و انرژی در مقاله "نفت و کشورهای حوزه خلیج فارس"، در تاریخ یازدهم اردیبهشت ۹۵، نفت بیش از ۸۰ درصد درآمدهای کشورهای حوزه خلیج فارس را شامل می‌شود که البته امارات متحده عربی یک استثناء است و تنها ۵ درصد درآمدش را نفت تشکیل می‌دهد.

به طور کلی، کشورهای حاشیه خلیج فارس به علت وابستگی شدید به درآمدهای نفتی از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند و شدیداً در مقابل نوسانات قیمت نفت آسیب‌پذیر می‌باشند. علاوه بر مشکلات اقتصادی، فقر عمومی و نسبی که در جوامع این دولت‌ها برقرار است از جمله عوامل بی‌ثباتی این دولت‌ها و وابستگی شدید آنها به دولت‌های خارجی است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ژئوپلیتیکی کشورهای نفت‌خیز غرب آسیا، عدم اتکای کامل آنها به تفکرات انسانی ملت‌هایشان به دلیل وابستگی شدید آنها به درآمد نفت است که آن هم از خارج تأمین می‌شود، لذا تکیه زمامداران این کشورها به سیاست خارجی و متحدان خارجی است که به نحوی می‌توانند در تأمین بودجه این کشورها از طریق خرید نفت و گاز کمک نمایند. این عامل مهم و خلأ ژئوپلیتیک ناشی از آن موجب گردیده است که هیچ‌یک از این کشورها از یک امنیت پایدار همه‌جانبه و درک شده که با احاد ملت اشتراک منافع داشته باشد، برخوردار نبوده و در هر تغییر و تحول راهبردی به سرعت دچار بحران می‌شوند. به عوامل فوق مشکلات بنیادی، اقتصادی و زیرساختی نیز اضافه می‌شوند.

این یک واقعیت است که کشورهای حاشیه خلیج فارس به دلیل اینکه درآمدهای اصلی کشورشان در گرو صادرات نفت و دلارهای نفتی است، به هیچ وجه منافع مشترکی با ملت‌هایشان ندارند و همین امر آنها را به سمت نظام‌های

دیکتاتوری مطلقه و غیردموکراتیک پیش می‌برد و عدم اتکای آنها به ملت و مردمشان و عدم ثبات سیاسی باعث روی آوردن آنها به ماجراجویی‌های نظامی و تسلیحاتی می‌شود. به همین دلیل، شاید بزرگ‌ترین خریداران و مشتریان تسلیحات آمریکا، کشورهای نفت خیز حاشیه خلیج فارس باشند. دست یافتن به برتری نظامی و راهبردی در خلیج فارس که راه ورود به بخشی از آب‌های آزاد جهان و محل عمده ترانزیت نفت است، در رأس راهبرد دریایی دولت‌های بزرگ و از طریق همکاری با کشورهای منطقه است و اینها نشان از ضرورت تأمین امنیت تجارت دریایی در خلیج فارس می‌باشد.

"ظهور افکار ناسیونالیستی مانند پان عربیسم، پان ترکیسم و پان ایرانیسم در نیمه دهه ۱۹۵۰ منطقه را دچار التهابی ساخت که تا دو دهه ادامه داشت. کارایی نداشتن بعضی از رهبران کشورهای منطقه و دور بودن آنان از نخبگان و روشنفکران نیز از چالش‌های اصلی به شمار می‌رود. حکومت‌های اقتدارگرایی فردی، سلطنتی و خانوادگی و حتی قبیله‌ای نیز بیشتر نظام‌های سیاسی را دچار بحران مشروعیت ساخته است. این بحران سبب شکنندگی داخلی شده که بر اثر آن، این کشورها به قدرت‌های بیگانه متکی می‌شوند و بدین ترتیب، حضور بیگانگان در منطقه توجیه می‌شود.

تک محصولی بودن کشورها و اتکای آنها به صدور نفت و اقتصاد موازی، سبب وابستگی آنها به قدرت‌های صنعتی و بی‌نیازی از همسایگان شده است. آمریکا و اسرائیل نیز در سایه این شرایط درصددند روند طبیعی اقتصاد منطقه را تخریب و پیوسته کشورهای منطقه را به دلارهای نفتی وابسته کنند. این سیاست عواید سرشاری روانه کشورهای غربی و بویژه آمریکا می‌کند. در این راستا، کشورهای منطقه خلیج فارس درآمدهای نفتی را به سبب اختلاف‌های مرزی و گاه قومی و شرایط کلی حاکم بر منطقه بار دیگر در راستای اهداف نظامی خود به سوی غرب روان می‌سازند" (سیمبر، ۱۳۸۵: ۲۸).

از طرفی، بحران‌های هویت، نابسامانی‌های اجتماعی، عدم کارایی و ناتوانی در رهبری جامعه در میان اعراب و بحران مشروعیت، اختلاف‌های

قومی، قبیله‌ای در داخل و اختلاف‌های سیاسی و مذهبی (و گاه فردی) در خارج و آسیب‌پذیری‌های زیاد در کشورهای منطقه، دست به دست هم داده تا کشورهای عرب منطقه جزء ضعیف‌ترین مجموعه ملت‌ها در سطح جهان به حساب آیند. آمریکا نیز به دعوت کشورهای منطقه و با انگیزه و هدف حفظ امنیت و ثبات (خود و همپیمانانش) در این منطقه حساس پا به این نقطه راهبردی از جهان گذاشته و همواره خود را مسئول و حافظ منافع جهانیان در خلیج فارس می‌داند.

شرایط داخلی در خلیج فارس به گونه‌ای است که زمینه هرگونه همکاری دوجانبه و چندجانبه میان کشورهای منطقه را از میان برده و این کشورها را برای کسب امنیت متوجه خارج کرده است. حضور مستقیم عامل بیگانه، خود پیامد اوضاع داخلی منطقه است و با اصلاح اوضاع داخلی می‌توان نقش عامل بین‌المللی را در این منطقه کاهش داد. بنابراین، عامل اصلی ناامنی، بی‌ثباتی و حضور بیگانه در مسائل و مشکلات داخلی منطقه نهفته و برآیند مستقیم عملکرد کشورهای منطقه است و ضرورتاً برای از میان بردن معلول، باید علت آن را از میان برد (رنجبر، ۱۷۴: ۱۳۷۸).

بخش دوم: عملیات‌های نداجا در دفاع مقدس

الف - خلاصه‌ای از عملیات‌های نداجا در جنگ تحمیلی

مأموریت نیروی دریایی، "دفاع و پاسداری از حاکمیت ملی، حقوق و منافع جمهوری اسلامی ایران در آب‌های سرزمینی، جزایر و تأسیسات دریایی کشور در برابر هرگونه تجاوز خارجی و انهدام نیروهای متجاوز و نیز کنترل و تأمین خطوط مواصلات دریایی خودی، پاسداری و دفاع از حقوق و منافع کشور در آب‌های آزاد فلات قاره، مناطق انحصاری اقتصادی کشور در برابر هرگونه تجاوز نظامی خارجی و بازرسی کشتی‌ها و انهدام تأسیسات دریایی دشمن و نیروهای متجاوز بنا به دستور است" (ماده ۱۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران).

بر اساس مأموریت یادشده اقدامات زیر در طول هشت سال دفاع مقدس صورت گرفت:

۱- عملیات دفاع ۳۴ روزه از خرمشهر: در روزهای آغازین تجاوز زمینی و هوایی رژیم بعثی، تنها مدافعین شهر خرمشهر متشکل از گروه‌هایی از تکاوران پایگاه دریایی خرمشهر، گردان دژ، رزمندگان بسیجی و مردمی بودند که در مقابل حمله سازمان یافته صدامیان، با جانبازی و رشادت فراوان و با انجام عملیات‌های پارتیزانی و ضدحمله‌های کماندویی در پل نو، نخلستان‌های غرب و گمرک خرمشهر، از ورود متجاوزین به شهر جلوگیری می‌نمودند. همزمان با تجاوز دشمن، گردان یکم تکاوران و همافران دریایی اعزامی از بوشهر نیز در بامداد مورخه ۱۳۵۹/۷/۱، جهت کمک به تکاوران خرمشهر در پایگاه دریایی خرمشهر مستقر گردیدند. این گردان با کمک سایر نیروهای مستقر در خرمشهر پس از شناسائی محوره‌های پیشروی دشمن، با اجرای چندین عملیات ایذائی، پدافندی، تأخیری و کمین توانست نقش مؤثری را در کند کردن پیشروی ارتش عراق ایفا نماید. در اثر تشدید حملات و حجم آتش سنگین توپخانه عراقی،

خرمشهر محاصره شد، ولیکن تکاوران دریایی به اتفاق دانشجویان دانشکده افسری نزاجا و گردان دژ و نیروهای مردمی و بسیجی با تجهیزات سبک و نامناسب خود توانستند تا آخرین نفس با حماسه آفرینی به مدت ۳۴ روز در مقابل دشمن مقاومت نمایند. زمانی که شهر و پل کارون به دست عراقی‌ها افتاد، تکاوران موفق شدند تعداد ۲۰۰ نفر از رزمندگان جان‌برکف بسیجی و مردمی را توسط قایق از اسارت دشمن رهایی دهند. عملیات‌های غرورآفرین و شهادت‌طلبانه رزمندگان ایرانی، دشمن را در تحقق طرح اشغال سه روزه خرمشهر ناکام گذاشت.

۲- عملیات اشکان در تاریخ ۵۹/۸/۱۰ و عملیات شهید صفری در تاریخ

۵۹/۸/۱۶: تنها یک ماه و نیم پس از جنگ تحمیلی، با پشتیبانی نیروی هوایی در شمال خلیج فارس به منظور انهدام پایانه‌های نفتی البکر و الامیه رژیم بعث عراق صورت گرفت و نتیجه آن از بین رفتن تمامی تجهیزات و تأسیسات موجود در این پایانه‌ها و عملاً عدم امکان بهره‌گیری عراق از آن در جهت صادرات نفت گردید.

در عملیات اشکان، تنها از توپخانه ناوچه‌ها در قالب بمباردman ساحلی بهره‌گیری شد که عملاً تأثیر چندانی در انهدام پایانه‌ها نداشت و لذا عملیات بعدی (شهید صفری) طراحی و یک هفته بعد از عملیات اشکان به اجرا گذارده شد.

۳- عملیات شهید صفری: در عملیات شهید صفری، که تکاوران دریایی

هم شرکت داشتند، اماکن مهم پایانه‌ها با مواد منفجره نابود گردید و از آن به بعد، دشمن قادر به صادرات نفت از طریق دریا نشد. این اقدام ناداجا در شرایطی صورت گرفت که دنیا بر این باور نبود که نیروی دریایی قادر به چنین حرکتی باشد.

به همین دلیل بود که صدام تصمیم به بازسازی پایانه‌ها گرفت، تا حداقل بتواند با تجهیز آنجا به سلاح‌های دوربرد قادر به ناامن نمودن خورموسی (مبدأ وصولی به بندر امام)، گردد.

۴- عملیات مروارید: در راستای نابودی اقدامات صورت گرفته دشمن در پایانه‌ها و برقراری امنیت در منطقه شمال خلیج فارس در روز ۷ آذر ۱۳۵۹ که با همکاری جانانه نیروی هوایی صورت گرفت و صدام که تحمل شکست را نداشت، این بار با تمامی توان وارد عمل گردید و با دستور به ناوگان دریایی و نیروی هوایی، جنگی تمام عیار را پایه‌ریزی نمود، که البته به یاری خداوند متعال و جانبازی دلاورمردان دریایی و هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، هر آنچه که صدام پای کار آورده بود، در محل نابود و برگ زرین دیگری به افتخارات این مرز و بوم افزوده گردید.

البته ناوچه همیشه جاوید پیکان همراه با فرمانده دلاور و تعدادی از کارکنان از جان گذشته در این عملیات به دیار معبود شتافته و با اهداء خون سرخ خود ارزش‌های انقلاب اسلامی را پاسداری نمودند.

با اجرای این عملیات، محاصره کامل دریایی عراق پایه‌ریزی شد و تا پایان جنگ نه تنها هیچ شناوری جرئت خروج از بنادر عراق را نداشت، بلکه هیچ شناوری هم قادر به تردد به معبر وصولی عراق نبود.

۵- اسکورت کشتی‌های تجاری به بنادر بوشهر و امام خمینی(ره): این کار به منظور باز نگه داشتن خطوط مواصلات دریایی و تأمین نیازمندی‌های مردم و بیشترین بهره‌برداری از بنادر کشور، بویژه بنداری مانند بندر امام(ره) که دارای تسهیلات بندری مناسب برای تخلیه و خط راه‌آهن بود، از عمده هدف‌های نیروی دریایی در زمان جنگ به شمار می‌رفت که اجرا گردید.

دشمن در روزهای آغازین جنگ با بکارگیری موشک‌های استیکس ناوچه‌های اوزا، کشتی‌های تجاری و نفتکش ج.ا.ا را مورد هدف قرار می‌داد که با عملیات غرورآفرین مروارید در ۷ آذر ۱۳۵۹، موجب از بین رفتن بخش اعظم نیروی دریایی عراق و کسب سیادت دریایی ج.ا.ا شد.

پس از این عملیات، اقدام شاخصی از سوی شناورهای جنگی عراق در طول هشت سال دفاع مقدس علیه کشتی‌های تجاری و نفتکش در خلیج فارس دیده نشد. بجز استفاده از انواع هواپیماهای مدرن که از کشورهای مختلف شرقی و

غربی حتی به گونه اجاره دریافت نموده بود، (هوایمای سوپراتاندارد فرانسوی) و پرتاب موشک‌های ساحل به دریا کرم ابریشم (مستقر در رأس‌البیشه) و نیز استفاده از بالگردهای سوپرفلون که در این راستا، با اجرای فریب‌های تاکتیکی توسط نیروهای خودی و آتش توپخانه نیروی زمینی و استفاده از هدف‌های کاذب مستقر در نقاط انتخاب شده، هزینه کلانی به دشمن تحمیل و عملاً بسیاری از موشک‌های پرتاب شده جذب هدف‌های کاذب گردیدند.

مأموریت اسکورت کاروان از روزهای آغازین جنگ تحمیلی شروع گردید و تا پایان جنگ ادامه داشت، به نوعی که هماهنگی کلیه یگان‌های شناور، پروازی و تفنگدار نداجا و نیروهای زمینی و هوایی را در برگرفت.

اهمیت اقتصادی مقابله با تدابیر دشمن در قطع خطوط مواصلاتی در ابعاد مختلف، بویژه اداره جنگ، تأمین نیازمندی‌های عمومی و حفظ امنیت ملی کشور مهم و بارزش بود، که دشمن تمام سعی و تلاش خود را در راستای مقابله با آن صرف می‌کرد.

در دوران جنگ تحمیلی، در مجموع ده هزار فروند کشتی تجارتي و نفتکش توسط ناوگان نداجا اسکورت و همراهی گردیدند.

عنصر اصلی راهبرد عراق، حمله به مناطق راهبردی ایران و فلج کردن اقتصاد این کشور بود. به همین منظور، به تأسیسات نفتی حیاتی ایران در جزیره خارک حمله کرد که ۸۵ درصد از صادرات نفتی ایران از طریق نفتکش‌ها از این بندر انجام می‌شد.

در جنگ نفتکش‌ها در سه سال اول جنگ، فقط به ۴۸ فروند کشتی بازرگانی حمله شده بود، در حالی که در سال ۱۳۶۳ این تعداد به ۷۱ فروند کشتی رسید. در سال ۱۳۶۵ در مجموع ۱۱۱ هدف مورد حمله قرار گرفت (توسط هر دو کشور). همچنین، تلفات انسانی ناشی از این حمله‌ها در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۳ به ۱۷۸ نفر رسید. در سال ۱۳۶۶ این آمار به ۱۷۹ هدف افزایش یافت که از این تعداد، ۸۸ هدف را عراق و ۹۱ هدف را ایران مورد حمله قرار داد. حملات

ایران طبق طرح‌ها و دستورات رزمی ابلاغی توسط شناورها و بالگردهای نداجا و هواپیماهای نه‌جا صورت می‌گرفت.

۶- عملیات ثامن‌الائمه (شکست حصر آبادان): دشمن بعثی وقتی خرمشهر را اشغال نمود، با قصد تصرف آبادان از رود کارون و منطقه حفار شرقی عبور کرده و با قطع جاده آبادان-ماهشهر، تا ایستگاه ۷ پیشروی کرده و وارد نخلستان سواحل رودخانه بهمنشیر گردید. در این زمان، شهر در محاصره نیروهای عراقی قرار گرفت و کلیه خطوط مواصلاتی زمینی به جزیره آبادان قطع شد و تنها راه دسترسی به شهر از طریق دریا، رودخانه و خورها ممکن بود.

در این شرایط، نداجا با اعزام انواع بالگرد (SH,RH,AB)، هواناو (SRN6,BH7) و لنج به بندر امام خمینی(ره) و ماهشهر، عملیات پشتیبانی از رزمندگان اسلام، کمک‌رسانی و تخلیه ساکنین منطقه آبادان را آغاز نمود. یگان‌های پروازی از مسیر هوایی بندر ماهشهر-چوئیده، هواناوها و لنج‌ها از مسیر بندر امام خمینی(ره) - کانال خورموسی - شمال خلیج فارس- رودخانه بهمنشیر- چوئیده توانستند عملیات پشتیبانی، کمک‌رسانی و تخلیه ساکنین را به طور مستمر و شبانه‌روزی زیر آتش سنگین توپخانه هوایی، زمینی و حمله هواپیماهای دشمن با موفقیت اجرا نمایند. انجام این عملیات‌ها قبل از عملیات ثامن‌الائمه موجب گردید:

- حجم عظیمی از نیروهای رزمنده تازه نفس (بویژه لشکر ۷۷ ثامن‌الائمه خراسان)، مهمات، جنگ‌افزار، دارو، مواد غذایی و سایر محموله‌های نظامی به بندر چوئیده و همچنین شهدا، مجروحین و ساکنین شهرستان آبادان به بندر امام خمینی(ره) و ماهشهر ترابری گردند.

- لشکر ۷۷ ثامن‌الائمه خراسان به عنوان فرمانده قرارگاه ارون در منطقه مستقر گردید و توانست با احداث جاده وحدت، پشتیبانی از رزمندگان را تسریع کرده و تداوم بخشد.

- توان رزمی رزمندگان اسلام تقویت گردیده و توانستند با اجرای چندین عملیات آفندی (توکل، فرمانده کل قوا و تک جاده ماهشهر-آبادان) پیشروی دشمن را متوقف نموده و آبادان را از سقوط حتمی نجات دهند.

۷- عملیات خیبر: این عملیات اولین عملیات آبی- خاکی نیروهای مسلح ایران بود که از مورخه ۱۳۶۲/۱۲/۳ الی ۱۳۶۲/۱۲/۲۲ با رمزی رسول الله (ص) در منطقه هورالهویزه، هورالعظیم و جزایر مجنون و با هدف تصرف جزایر مجنون شمالی و جنوبی و تهدید بصره انجام گرفت. نداجا جهت پشتیبانی از رزمندگان سپاه اسلام (ترابری نفرات، مهمات، سلاح، تجهیزات، شهدا، مجروحین و...) در این عملیات، از یگان‌های پروازی (هواناو و بالگرد) خود به صورت گسترده از شروع عملیات تا مورخه ۱۳۶۳/۳/۶ (پایان احداث پل و جاده خیبر) به طور مستمر و شبانه‌روزی استفاده نمود.

این عملیات به واسطه وضعیت خاص جغرافیایی منطقه عملیات، یکی از عملیات‌های بسیار حساس و پیچیده برای بالگردها و بویژه هواناوها محسوب می‌شد. بالگردها و هواناوها با پرواز شبانه در منطقه باتلاقی و نیزارهای انبوه و مرتفع، زیر آتش سنگین توپخانه، بمباران شیمیایی و حملات مستقیم هواپیماهای دشمن، توانستند با موفقیت اجرای مأموریت نموده و متعاقب آن، کارکنان هواناوها در کمک به جهادگران ایثارگر بسیجی در امر احداث پل خیبر، لوله‌کشی به جزایر مجنون و ساخت جاده خیبر، شرکت فعال داشتند. یکی از ویژگی‌های این عملیات، حمل هواناوها از بندر امام خمینی (ره) به منطقه عملیات، توسط تریلی و کفی از طریق جاده زمینی بود.

در طول این عملیات، بالگردها با ۲۰۹ ساعت و هواناوها با ۳۵۷ سورتی در هزار ساعت پرواز، توانستند بیش از دو هزار تن مهمات و سلاح، ۲۵۱ دستگاه خودرو، ۲۷ هزار نفر نیروی رزمنده و دو هزار و ۳۰۰ نفر شهید و مجروح را ترابری نمایند.

۸- عملیات بدر: عملیات بدر از مورخه ۱۳۶۳/۱۲/۲۰ الی ۱۳۶۳/۱۲/۲۶

در منطقه هورالهوریزه و با رمز یا فاطمة الزهرا (ص) با هدف تداوم عملیات خیبر، قطع محور حیاتی العماره-بصره و تهدید بصره انجام گرفت، که به دلیل کارایی بسیار بالای هواناوها در مناطق باتلاقی و نیزاری، نداجا همانند عملیات خیبر این یگان‌ها را به منظور پشتیبانی از رزمندگان اسلام از شروع عملیات تا مورخه ۱۳۶۴/۲/۲ به منطقه عملیات اعزام نمود. عراق بر اساس احتمالات پیش‌بینی شده و به منظور جلوگیری از حمله مجدد ایران به این منطقه، موانع ایزدائی بیشماری از جمله شبکه‌های پیچیده سیم‌خاردار، نصب بشکه‌های خطرناک فوگاز، مین‌گذاری در دهانه نهرها، مواضع و استحکامات تانک، یگان‌های زرهی، موانع ضدحرکت هواناو... ایجاد نموده بود. شرایط منطقه عملیات، وجود موانع زیاد و انجام عملیات در شب موجب می‌گردید که به هواناوها دفعات مجبور به توقف در پشت خاکریزهای دشمن شده و اقدام به تخلیه و بارگیری نمایند. در این عملیات، کارکنان ایثارگر هواناوها با انجام ۱۶۰ سورتی و ۴۰۰ ساعت پرواز شبانه توانستند نیروهای خودی را پشتیبانی و ۲۱۶۵ نفر رزمنده، ۲۴۰ نفر اسیر جنگی، ۲۱۷ قبضه سلاح سنگین، ۱۳۰ تن مهمات و ۲۰ دستگاه ماشین آلات سنگین مهندسی (لودر، بیل مکانیکی و...) را ترابری نمایند.

۹- عملیات والفجر ۸ (تصرف فاو): نظر به اینکه شبه جزیره فاو (تنها راه

ارتباطی عراق به شمال خلیج فارس و دریا) از موقعیت سیاسی-اقتصادی بالایی برخوردار می‌باشد، تصرف این منطقه از اهمیت خاصی برخوردار بود و بدین سبب، عملیات والفجر ۸ با هدف تصرف فاو و تهدید بصره از جنوب طرح‌ریزی و با رمز یا فاطمة الزهرا (ص) از مورخه ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ الی ۱۳۶۵/۲/۹ به طول انجامید.

نیروی دریایی ارتش با اعزام شناور، بالگرد و هواناو به منطقه عملیات (اروندرد- خور عبدالله- فاو)، پشتیبانی از نیروهای رزمنده را همزمان و بلافاصله پس از شروع عملیات اصلی و با نیروهای خط‌شکن عملیات آغاز نمودند.

عبور از رودخانه اروند که محل اصلی مأموریت هواناوها بود، با توجه به وجود جریان شدید آب، انواع موانع طبیعی و مصنوعی (شاخک‌های فلزی، موانع ضد هواناو، خورشیدی و...) و انواع مین، یکی از خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین عملیات آبخاکی در نوع خود به شمار می‌رفت که با موفقیت و پشتیبانی کامل از رزمندگان انجام پذیرفت.

ب- اسکورت کاروان (جنگ اقتصادی)

اقتصاد ایران نیز طی هشت سال جنگ با فراز و نشیب‌ها و مشکلات بسیار همراه گشت. نفت، همواره در اقتصاد ایران نقش عمده‌ای داشته است. سهم بالایی درآمدهای نفتی حاکی از وابستگی کشور به نفت است و هرگونه نوسان در قیمت یا بروز مشکلات در تولید و صادرات آن، بر اقتصاد کشور تأثیر فراوانی می‌گذارد. نفت و صنعت نفت در بنای اقتصادی کشورهای تولیدکننده این ماده گرانبها، نقش اساسی را ایفا می‌کند. در ایران نیز نفت اولاً به عنوان یک منبع انرژی، زندگی و اقتصاد مردم کشور را متحول ساخته و رشد و توسعه اقتصادی را باعث گردیده است، ثانیاً درآمد حاصل از نفت، سبب ترقی و پیشرفت در همه شئون اقتصادی و اجتماعی شده است. عواید "درآمدهای" حاصل از بهره‌برداری از منابع نفتی همیشه قسمت مهمی از درآمدهای ایران را تشکیل می‌داده است (ذوقی ۱۳۸۱، ص ۸۹).

نفت ایران نه تنها سبب درآمدهای هنگفت برای کشور جهت سرمایه‌گذاری عظیم در طرح‌های توسعه اقتصادی می‌گردد، بلکه به طرق مستقیم و غیرمستقیم دیگر نیز نقش عمده‌ای در اقتصاد مملکت ایفا می‌کند. از آنجایی که رابطه مستقیمی بین رشد اقتصادی و مصرف انرژی وجود دارد، صنعت نفت ایران توانسته است با جاری کردن ارزان به رگ‌های اقتصاد ملی کمک‌های شایانی به توسعه اقتصادی کشور بنماید. در سال ۱۹۷۲ م (۱۳۵۱)، حدود ۷۰ درصد انرژی مورد نیاز داخل کشور از منابع نفتی تأمین می‌شد و اگر چنانچه

مصرف گاز طبیعی و گاز مایع را به آن بیافزائیم، ملاحظه می‌شود که حدود ۹۰ درصد انرژی مصرفی داخلی از نفت و گاز تأمین شده است.

دلایل افزایش یا کاهش قیمت نفت در جنگ تحمیلی

شروع، تداوم و خاتمه جنگ ایران و عراق شدیداً با مسائل نفتی گره خورده بود و با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی و سیاسی ایران بعد از انقلاب، دشمنان انقلاب با نگرشی کاملاً سیاسی به نفت ایران توجه می‌کردند و بازی نفت را به گونه‌ای پیش می‌بردند که نهایتاً به سقوط انقلاب اسلامی و شکست کشور در جنگ تحمیلی منجر شود. اما مردم ایران بار سخت فشارهای نفتی را مرحله به مرحله تحمل کردند، تا سرانجام ایران به شکوفایی رو به رشد و خودکفایی رسید. اگرچه به ظاهر ادعاهای ارضی رژیم بعثی عراق علیه ایران، عامل آغاز جنگ تحمیلی بود، حوادث بعدی از جمله حمایت گسترده هر دو بلوک قدرت از عراق در (جنگ که نمی‌توانست صرفاً با هدف کمک به تحقق ادعاهای ارضی یک کشور جهان سومی علیه کشوری دیگر باشد)، حاکی از آن بود که اراده‌ای پیچیده و اهدافی گسترده‌تر در پشت جنگ قرار دارد. غربی‌ها از آنجا که نفوذی بر حکومت انقلابی ایران نداشتند، ترجیح می‌دادند نظام انقلابی آنچنان گرفتار شود که نتواند آرمان‌های خود را در منطقه گسترش دهد.

دیوید اوئن، وزیر خارجه پیشین انگلیس، نیز سال‌ها پس از پایان یافتن جنگ، به این واقعیت به روشنی بیشتری اعتراف کرد: امیدوار بودیم که شور و التهاب انقلابی ایران با درگیر شدن در یک جنگ منطقه‌ای به مصرف رسیده و سرانجام فروکش کند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ ص ۱۵۱). اقدام آمریکا در برقراری رابطه مجدد با عراق در کوران جنگ تحمیلی و رفع بخشی از تحریم‌ها علیه این کشور، گواهی بر وجود رابطه‌ای بین آغاز جنگ و سیاست‌های آمریکا است. البته موضع قدرت‌های بزرگ به اعلام رضایت و دادن چراغ سبز به رژیم بعثی عراق برای تهاجم به ایران

محدود نشد و به تدریج به پشتیبانی همه جانبه تغییر شکل داد. یکی از اقدامات مؤثر مخالفان منطقه‌ای و جهانی حکومت انقلابی ایران استفاده از سلاح نفت علیه این کشور بود.

نیروهای انقلابی ایران، که ابتدا نفت را ابزاری مؤثر برای مقابله با مخالفان انقلاب می‌دانستند، با آغاز تهاجم عراق، ناگزیر شدند از این ابزار در تأمین منابع مورد نیاز جنگ حداکثر بهره‌برداری را بکنند. یکی از شعارهای نیروهای انقلابی، تولید نفت در حداقل ممکن بود که در راستای پیروزی انقلاب به وعده خود عمل نمودند، به گونه‌ای که در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷)، بجز تعدادی تک محموله، در نیمه دوم اسفندماه نفتی صادر نشد. البته با توجه به فروش‌های قبلی، درآمد حاصل از فروش نفت به ۱۹/۱ میلیارد دلار رسید (حشمت‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۰). سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، سالی دشوار برای کشور بود. در جبهه‌های نظامی، دشمن با اشغال بندر راهبردی خرمشهر، محاصره شبه جزیره آبادان و در تیررس قرار دادن شهر اهواز، فشار سنگینی بر کشور وارد ساخت.

از نظر اقتصادی نیز، با توجه به وابستگی کشور به درآمدهای نفتی، حمله محدود دشمن به بعضی از مراکز و تأسیسات نفتی، از جمله بزرگ‌ترین پالایشگاه جهان در آبادان، تولید نفت کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد. با توجه به فقدان تجربه جنگی و آسیب‌پذیر بودن تأسیسات نفتی، به دلیل نبود هرگونه سامانه دفاعی، اعم از عامل و غیرعامل، در ماه نخست جنگ، کلیه تأسیسات نفتی کشور در مناطق نفت‌خیز جنوب تعطیل شد و در نتیجه، تولید نفت کشور به میزان بسیاری کاهش یافت. علاوه بر مشکلات مربوط به میزان تولید، به دلیل کاهش مصرف در پی برنامه‌های آژانس بین‌المللی، انرژی قیمت نفت نیز در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) کاهش یافت.

خریداری نشدن نفت ایران از سوی خریداران که از بی‌اعتمادی آنها به توان ایران برای عمل به تعهداتش (به دلیل در معرض خطر بودن تأسیسات نفتی ناشی می‌شد) مشکل مضاعفی بود که تا عملیات‌های موفق سال

۱۹۸۱ (۱۳۶۰) و خارج کردن تأسیسات نفتی کشور از تیررس مستقیم دشمن همچنان ادامه داشت. البته به اعتقاد بعضی از مقامات ایرانی، به فروش نرفتن نفت ایران دلایل سیاسی هم داشت. مهندس غرضی، وزیر پیشین نفت، بعدها در این باره، پس از اشاره به فروش روزانه حدود پنج میلیون بشکه نفت در قبل از انقلاب به محدودیت‌های فروش نفت پس از انقلاب اشاره کرده و گفته است: "امروزه اغلب این بازارها را به علت خطمشی سیاسی "نه شرقی نه غربی" از دست داده‌ایم و بعضی کشورها از روی عناد از ما نفت نمی‌خرند." (پیک نفت، ۱۳۶۴: ۱۴)

در بیان اوضاع اقتصادی دوران جنگ، علاوه بر خسارت‌های وارده به زیربناهای اقتصادی، با پدیده‌های مشابهی که در سایر بحران‌های اقتصادی نیز وجود دارد، روبه‌رو و شاهد کاهش انگیزه تولید، بیکاری، کسری بودجه دولت، ضربه به بازار سرمایه، کاهش سرمایه‌گذاری، عدم تعادل‌های اقتصادی و همچنین فشار تورمی خواهیم بود. لذا در این دوران اقتصاد کشورهای درگیر جنگ ویژگی‌ها و مشکلات خاص خود را دارد.

جنگ تحمیلی در شرایطی آغاز شد که اقتصاد ایران که تا پیش از انقلاب به شدت متکی بر درآمدهای نفتی بود، در آستانه اجرای برنامه‌ها و اقداماتی در جهت خودکفایی و نیز کاهش وابستگی به نفت برای ایجاد تحول در اقتصاد کشور قرار داشت. جنگ موجب شد بخشی از بودجه کشور به امور دفاعی تخصیص یافته و بخش زیادی از سرمایه‌های انسانی و سایر منابع در امور جنگ اختصاص یابد و نیز اشغال بخشی از اراضی حاصلخیز و نیز واحدهای اقتصادی کشور، نابسامانی‌های ناشی از مهاجرت‌ها و به طور کلی، مشکلات یک اقتصاد درگیر جنگ را به دنبال داشت، که این همه موجب شد تا اصلاح ساختار اقتصاد و بهبود مدیریت اقتصاد کشور با مشکلات بسیار روبه‌رو شود و کماکان درآمدهای نفتی که در آغاز انقلاب به خاطر کاهش قابل توجه و برنامه‌ریزی شده صدور نفت کاهش یافته بود، مجدداً نقش مؤثر و عمده‌ای را در اقتصاد ایران ایفا کند (پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی - چالش نفت در جنگ تحمیلی. مرتضی شمس، ۱۳۸۷).

پ- جنگ نفتکش‌ها

یکی از ابعاد مهم در جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس بود. جدا از اقدامات سیاسی دیگر کشورها در ضربه به اقتصاد ایران از طرق یادشده فوق، رژیم بعث عراق برابر خطمشی ابلاغی اربابان خود اقدام به حمله به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی و در ادامه اقدام به حمله به هر شناوری به مقصد و یا از مبدأ ایران نمود. اهداف صدام در جنگ نفتکش‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- گسترش جنگ در دریا و منحرف نمودن توجه فرماندهان ایرانی از جبهه‌های جنگ زمینی؛
- آسیب رساندن به منابع مالی و ارزی ایران با اختلال در صدور نفت؛
- ادامه جنگ به نفع عراق از طریق فشار اقتصادی بر ایران؛
- درگیر کردن بخش عظیمی از پدافند هوایی ایران در خلیج فارس و جدا کردن این توان نظامی از جبهه‌های زمینی؛
- اخلال در هزینه‌های جنگ و رفاه عمومی مردم ایران و در نتیجه، ایجاد فشار اجتماعی و با مشکل روبه‌رو ساختن رزمندگان؛
- حضور قدرتهای خارجی در منطقه و در نتیجه، تغییر جنگ از ماهیت منطقه‌ای آن به ماهیت جهانی.

بخش اعظم حملات عراق با استفاده از جنگنده‌های سوپراتاندارد فرانسوی بود که مجهز به موشک‌های اگزوست بودند. فدراسیون دانشمندان آمریکا که تشکلی مخالف جنگ می‌باشد، ابعاد مختلف جنگ ایران و عراق را در گزارشی تهیه کرده است. بخشی از این گزارش به موضوع جنگ نفتکش‌ها پرداخته که در ذیل آورده شده است.

عراق در طول این جنگ، بخش زیادی از توانایی‌های صادراتی نفت خود را به علت خسارات جنگی یا دلایل سیاسی از دست داده بود. سوریه در سال ۱۹۸۰ انتقال نفت عراق از خط لوله ۵۰۰ مایلی به دریای مدیترانه را متوقف ساخت و در سال ۱۹۸۲، میزان تولید نفت عراق به ۷۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت، که در حدود ۳۰ درصد از کل توانایی‌های تولیدی این کشور را شامل می‌شد. پس از انقلاب اسلامی، درآمد ایران نیز که از محل صادرات نفت به دست می‌آمد، کاهش یافت و بخش عمده نفت ایران از جزیره خارک صادر می‌شد. توانایی‌های اولیه این پایانه، هفت میلیون بشکه در روز بود که بیش از ۹ هزار حمله هوایی عراق به این جزیره سبب شده بود صادرات نفت به حداقل خود برسد. جنگ نفتکش‌ها از دو جهت ابعاد بین‌المللی پیدا کرده بود. از یک طرف، ۷۰ درصد از نیازهای نفتی ژاپن، ۵۰ درصد از نیازهای نفتی اروپای غربی و هفت درصد از نیازهای نفتی آمریکا در اوایل دهه ۸۰ از خلیج فارس تأمین می‌شد. از طرف دیگر، حمله به نفتکش‌ها محدود به نفتکش‌های دو کشور ایران و عراق نمی‌شد، بلکه کشورهای بی‌طرف را نیز در بر می‌گرفت. این جنگ از دو مرحله تشکیل شده بود. در مرحله اول که در سال ۱۹۸۱ شروع شد، عراق به طور یک‌جانبه، به کلیه کشتی‌هایی که به طرف بنادر ایران حرکت می‌کردند، هشدار داد که به آنها حمله خواهد کرد. اهداف اصلی در این مرحله، بنادر امام خمینی و ماهشهر بودند و کشتی‌ها در خارج از این محدوده کمتر مورد حمله عراق قرار می‌گرفتند. علیرغم نزدیکی این بنادر به عراق، نیروی دریایی این کشور نقش چندانی در این عملیات‌ها نداشت. بغداد ترجیح می‌داد که از بالگردهای سوپر فریلون مجهز به موشک‌های اگزوست یا میراژهای اف ۱ و میگ ۲۵ برای این حملات استفاده کند. عملیات دریایی بین دو کشور در اوایل سال ۱۹۸۱ متوقف شده بود، زیرا بسیاری از کشتی‌های جنگی خود را از دست داده بودند. جنگ نفتکش‌ها در سال ۱۹۸۴ وارد مرحله جدیدی شد و عراق محدوده‌ای به مساحت ۱۱۲۶ کیلومتر مربع را - از دهانه اروند تا بندر بوشهر - منطقه جنگی اعلام کرد و با استفاده از جنگنده‌های سوپراتاندارد مجهز به موشک‌های اگزوست، نفتکش‌ها

را مورد حمله قرار داد. در مارس ۱۹۸۴، عراق با موشک اگزوست به نفتکش یونانی در جنوب جزیره خارک، حمله کرد. تا این زمان، ایران به کشتی‌های غیرنظامی خلیج فارس حمله نکرده بود. در همان سال، عراق با جنگنده‌های سوپراتاندارد، به ۷۱ فروند کشتی جنگی حمله کرد، در صورتی که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴، فقط به ۴۸ فروند کشتی جنگی حمله شده بود. انگیزه عراق، خارج ساختن وضعیت جنگی از حالت سکون و وادار ساختن ایران به شرکت در مذاکرات بود. حملات مکرر عراق نتوانست صادرات نفت را از این پایانه به طور کامل متوقف کند. موج حملات عراق موجب شد که ایران دست به عکس‌العمل بزند. ایران در آوریل ۱۹۸۴ به یک فروند کشتی هندی حمله کرد و در همان سال، به کشتی‌های کویتی و سعودی نیز حمله نمود و این پیامی بود، به این معنا که اگر عراق تردد کشتی‌ها را در محدوده ایران ناامن سازد، کشتیرانی در خلیج فارس برای تمام کشورها ناامن خواهد شد (اسناد نداجا، جنگ نفتکش‌ها).

اکثر صاحب‌نظران بیان می‌کنند که تعداد حملات عراق در مقابل حملات ایران به نسبت سه به یک بود و اثربخشی لازم را نداشت، زیرا تعداد جنگنده‌های این کشور که به موشک‌های دوربرد ضدکشتی مجهز بودند، بسیار محدود بود. ادامه حملات عراق، صادرات نفت ایران را ۵۰ درصد کاهش داد، تردد کشتی‌ها در خلیج فارس ۲۵ درصد کاهش یافت، شرکت بیمه لویدر لندن نرخ بیمه را افزایش داد، و از صادرات نفت خلیج فارس کاسته شد. ایران و عراق در سال ۱۹۸۴ موافقت نمودند که حمله به اهداف غیرنظامی را متوقف کنند و تهران پیشنهاد داد که این توافق‌نامه، کشتیرانی در خلیج فارس را نیز شامل شود، ولی عراق با آن مخالفت کرد.

عراق این توافق‌نامه را دوباره زیر پا گذاشت و در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۷، حملات خود بر ضد تأسیسات نفتی ایران را از سر گرفت. ایران نیز برای مقابله به مثل، بنادر کشورهای عربی جنوب خلیج فارس را مورد حمله قرار داد و هدف

عمده این حملات، کشتی‌های کوییتی بود. مسکو و واشنگتن در سال ۱۹۸۷ موافقت کردند که نفتکش‌های کوییتی را در مقابل حملات اسکورت کنند.

عراق در ۱۷ می ۱۹۸۷، به ناو جنگی استارک متعلق به نیروی دریایی آمریکا حمله کرد و آن را یک اشتباه خواند. نکته جالب توجه این بود که آمریکا ایران را به علت گسترش جنگ مقصر اعلام کرد و کشتی‌های جنگی خود را برای اسکورت ۱۷ نفتکش کوییتی به خلیج فارس اعزام داشت. ایران از حمله مستقیم به کشتی‌های آمریکایی خودداری کرد، ولی در مسیر کشتی‌ها مین‌گذاری می‌نمود یا اینکه با استفاده از قایق‌های تندرو به کشتی‌ها حمله می‌کرد. زمانی که ایران نفتکش سی آیل را در اکتبر ۱۹۸۷ مورد حمله قرار داد، واشنگتن سکوی نفتی رستم را منهدم کرد.

عراق چند هفته بعد از حمله به استارک، حملات خود را به نفتکش‌های نزدیک تنگه هرمز دوباره شروع کرد. در اوایل ۱۹۸۸، خلیج فارس میزبان حداقل سه نیروی دریایی غربی و هشت نیروی دریایی کشورهای منطقه بود و هر هفته به کشتی‌های مختلف حمله می‌شد. تعداد حملات به حدی بود که مراکز تعمیر کشتی‌ها در بحرین و امارات نمی‌توانستند کشتی‌ها را تعمیر کنند.

۲- عملیات اسکورت کاروان

مقام عظمای ولایت و فرماندهی معظم کل قوا در آذر ۱۳۸۷ (سخنرانی ایشان در جمع افسران نداجا در مراسمی به مناسبت سالروز نیروی دریایی در بیت معظم له) فرمودند:

«حالا ماجرای ناوچه پیکان را در عملیات مروارید خیلی‌ها می‌دانند، اما ماجرای حفاظت از کشتی‌های تجاری را خیلی‌ها نمی‌دانند، آن زمانی که اقتصاد ما بسته به صادرات نفت بود، دشمن درصدد بود تا صادرات نفت ما را قطع کند، آنگاه بود که نیروی دریایی جوهره خود را نشان داد.»

به دلیل نوع ساختار جغرافیایی دریای عمان و خلیج فارس و همچنین طرح‌های توسعه بندار و اسکله‌های جنوبی کشور و راه‌های زمینی منتهی به آنها

در دهه ۵۰ شمسی، عمده توان کشور در امر بارگیری و تخلیه کشتی‌های تجاری و انتقال آنها به داخل کشور معطوف به بنادر امام خمینی (ره)، خرمشهر و آبادان گردیده بود (که همگی در شمال خلیج فارس واقع شده‌اند).

با شروع جنگ تحمیلی، تعداد زیادی از کشتی‌های داخل اروندرود، چه در کنار اسکله‌ها و چه در لنگرگاه‌ها، مورد اصابت تیرهای مستقیم نیروهای بعثی قرار گرفته یا غرق شدند و یا به علت آسیب دیدگی به گل نشستند.

با توجه به تأمین قسمت عمده نیازهای کشور که به طور کلی از طریق بنادر جنوبی تأمین می‌گردید، با خارج شدن بنادر حاشیه اروندرود، عمده فشار تأمین نیازمندی‌ها و ارزاق عمومی ضروری کشور به بندر امام خمینی (ره) منتقل شد.

فاصله این بندر که در انتهای کانال خورموسی قرار دارد، با سامانه‌های آفندی نیروهای بعثی به نسبت سلاح‌ها و جنگ افزارهای روز در اختیار، بسیار ناچیز بوده، به طوری که کشتی‌های کنار اسکله، ورودی‌ها و خروجی‌ها به این خور با حملات موشکی ساحل به دریا و یا تهاجم هوایی عراق، مورد آسیب قرار می‌گرفتند. آسیب دیدن این کشتی‌ها صرف‌نظر از ایجاد محدودیت در تردد به این کانال بسیار مهم و راهبردی، می‌توانست خطر قطع خطوط مواصلاتی خودی و شروع بحران کمبود نیازمندی‌های داخلی را در پی داشته باشد.

وضعیت بنادر کشور در آغاز جنگ تحمیلی به شرح زیر بود:



مأموریت اسکورت کاروان‌ها که از روزهای آغازین جنگ تحمیلی شروع و تا پایان جنگ ادامه داشت، به نوعی کلیه یگان‌های شناور، پروازی، تفنگدار و... نداجا را در برگرفت. اهمیت اقتصادی مقابله با تدابیر دشمن در قطع خطوط مواصلاتی در ابعاد مختلف، بویژه اداره جنگ، تأمین نیازمندی‌های عمومی و حفظ امنیت ملی کشور مهم و بارزش بود که دشمن تمام سعی و تلاش خود را در راستای مقابله با آن صرف می‌کرد.

در دوران جنگ تحمیلی، در مجموع ده هزار فروند کشتی تجارتی و نفتکش توسط ناوهای نیروی دریایی اسکورت و همراهی گردیدند. در حدود ۳۰۰ میلیون تن انواع کالا به وسیله این شناورها به بنادر داخلی وارد و از طریق معابر وصولی به داخل کشور انتقال یافتند.

از این تعداد شناور، فقط ۲۵۹ فروند بر اثر حملات دشمن صدمه دیدند که این رقم به نسبت نزدیکی فاصله دشمن با معابر وصولی اصلی جمهوری اسلامی ایران رقم ناچیزی بوده است؛ همچنین، در مقایسه با آسیب‌پذیری کشتی‌های تجاری در جنگ جهانی دوم (بر اثر حملات زیردریایی‌ها در اقصی نقاط بی‌حفاظ جهان به وقوع پیوست) آمار بسیار خوبی می‌باشد.

اسکورت کاروان‌ها از زمان آغاز جنگ تا خاتمه آن ادامه داشت و در حقیقت، یک مأموریت کلان و مستمر محسوب می‌شد، که بیش از ۱۰۰ عملیات دریایی تا پایان جنگ برای تحقق آن انجام گرفت. ولی حیف که این مجموعه عملیات همانند عرف موجود در نیروی زمینی نامگذاری نگردید و شاید یکی از دلایل مهمی که افکار عمومی جامعه به اهمیت اسکورت کاروان در طول مدت دفاع مقدس پی نبرده، عدم معرفی مناسب بوده است.

با شروع جنگ تحمیلی، ظرفیت بنادر خرمشهر و آبادان به دلیل اینکه در معرض تیر مستقیم نیروهای بعثی بود، غیرقابل استفاده گردید. با بلااستفاده شدن اسکله‌ها و لنگرگاه‌های بنادر حاشیه اروندرود و عدم وجود بنادر مناسب در خلیج فارس و دریای عمان، عمده تلاش تأمین مایحتاج و ارزاق عمومی و ضروری و نیازمندی‌های کشور و نیازمندی‌های جبهه و جنگ در بندر امام خمینی (ره) متمرکز گردید.

کشتی‌های ورودی و خروجی به خور موسی در تیررس موشک‌های ساحل به دریا و موشک‌های دریایایه و هواپایه عراق قرار داشتند. آسیب دیدن و متوقف ماندن کشتی‌ها در این آبراه، علاوه بر ایجاد محدودیت تردد در این کانال راهبردی و قطع خطوط مواصلاتی دریایی خودی می‌توانست در ابعاد مختلف نظامی، سیاسی و بویژه در اداره امور جنگ و امنیت ملی کشور تأثیر فوق‌العاده‌ای بگذارد و کشور با بحران کمبود مایحتاج عمومی مواجه گردد.

این موضوع برای دشمن بعثی چنان اهمیت داشت که در طول جنگ تحمیلی همواره تمام سعی و تلاش خود را در شمال خلیج فارس به آن معطوف نموده بود. شلیک بیش از ۱۱۰۰ فروند موشک و استفاده از صدها فروند مین شناور در دریا با هدف ایجاد اختلال در خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ تحمیلی مؤید این موضوع می‌باشد.

دشمن در روزهای آغاز جنگ با بکارگیری موشک‌های استیکس ناوچه‌های موشک‌انداز اوزا، کشتی‌های تجاری و نفت کش جمهوری اسلامی ایران را مورد هدف قرار می‌داد، لیکن پس از عملیات ظفرمند مروارید در هفتم آذر ۱۳۵۹، که

موجب انهدام دوسوم از نیروی دریایی عراق و کسب سیادت دریایی جمهوری اسلامی ایران شد، با بهره‌گیری از ترفندهای مختلف دیگر از جمله پرتاب موشک‌های ساحل به دریای کرم ابریشم چینی مستقر در منطقه رأس البیشه و موشک‌های اگزوست اهدایی فرانسه توسط هواپیماهای اجاره‌ای سوپراتاندارد و بالگردهای سوپرفرلون سعی در قطع خطوط مواصلاتی دریایی و اختلال در امر صدور نفت جمهوری اسلامی ایران را داشت.

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ تدابیر لازم و اجرای تاکتیک‌های خاص و بکارگیری مناسب یگان‌های شناور رزمی و تیم‌های عملیات ویژه تکاوران و غواصان و پشتیبانی هوایی جنگنده‌های نیروی هوایی قهرمان و بالگردهای هوادریا در طول جنگ با اسکورت هزاران فروند کشتی در غالب ۲۵۰ عملیات اسکورت کاروان‌های تجاری و نفتکش و در منطقه‌ای به وسعت ۶۱ هزار کیلومترمربع با موفقیت کامل و کم‌ترین تلفات و خسارات ممکن، توانست یکی از اهداف مهم جنگ دریایی که همانا باز نگه داشتن خطوط مواصلاتی دریایی خودی است را تحقق بخشد.

سلسله عملیات اسکورت کاروان تجاری و نفتکش با اهداف زیر در طول جنگ با قدرت هرچه تمام‌تر به اجرا درآمد:

- باز نگه داشتن خطوط مواصلاتی دریایی کشور
 - جلوگیری از قطع صادرات و واردات کالاهای مورد نیاز کشور
 - مقابله با افزایش نرخ بیمه کشتی‌ها در منطقه و افزایش هزینه جنگ
 - به حداقل رساندن آسیب‌پذیری کشتی‌های تجاری و نفتکش.
- در طول عملیات اسکورت کاروان‌های تجاری و نفتکش، حملات هوایی مکرری از سوی دشمن متجاوز اجرا می‌شد که هوشیاری کارکنان یگان‌های شناور اسکورت کننده و تیم‌های عملیات ویژه تکاوران مستقر در کشتی‌های اسکورت شونده و همچنین، استفاده از سامانه‌های جنگ الکترونیک و انواع تاکتیک‌های دیگر فریب، شامل طراحی و ساخت هدف‌های کاذب، علاوه بر انهدام تعدادی از هواپیماها و شناورهای دشمن، موجب انحراف صدها فروند از

موشک‌های دشمن گردید. به طوری که در طول این عملیات‌های گسترده و اسکورت بیش از ۱۰ هزار فروند کشتی، فقط تعداد ۲۵۹ فروند کشتی (۲/۶ درصد) مورد اصابت قرار گرفت، که از این تعداد ۲۰ فروند دچار صدمات جدی شده و بقیه با بار سالم به بنادر مقصد هدایت گردیدند، که این آمار در مقایسه با حجم تلاش‌های دشمن در وارد نمودن خسارات و لطمات به منابع حیاتی جمهوری اسلامی ایران موفقیت بسیار ناچیزی را برای رژیم بعثی به دنبال داشت و همانند سایر صحنه‌های نبرد برای دشمن ناکامی بزرگی به حساب می‌آمد.

۳- عملیات اسکورت کشتی‌ها با محموله ویژه

سلسله عملیات اسکورت کشتی‌های با محموله ویژه به لحاظ شکلی و حوزه جغرافیایی و نوع تهدیدات با عملیات اسکورت کاروان‌های تجاری متفاوت بود. نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با هماهنگی سازمان بنادر و دریانوردی، وزارتخانه‌های دفاع، بازرگانی و سایر ارگان‌های ذیربط حفاظت کشتی‌هایی که محموله‌های حساس و ضروری کشور و جنگ را از بنادر مبدأ بارگیری می‌نمودند، در برنامه‌های خود قرار می‌داد و از زمانی که این کشتی‌ها به شمال اقیانوس هند وارد می‌شدند، حمایت اسکورت آنها را تا بندر مقصد که عمدتاً بندرعباس بود، با قدرت هر چه تمام‌تر انجام می‌داد. این عملیات از زمانی که دشمن بعثی به هواپیماها و بالگردهای دارای موشک هوا به سطح پیشرفته اگزوست مجهز گردید، از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار شد.

۴- همکاری همه نیروها (بختیاری، ۱۳۹۱)

بنا به ضرورت همکاری نیروها در امنیت دریایی، حضور هوانیروز و بالگردهای شکاری کبرا در کنار ناوگان قدرتمند نیروی دریایی ارتش و نیروی هوایی در راستای اسکورت کشتی‌ها لازم و مکمل ناوگان نیروی دریایی و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران گردید و با بهره‌گیری از امکانات نیروی دریایی، نیروی هوایی و هوانیروز و توپخانه زمینی و با اتخاذ روشی جدید و اجراء

طرحی جامع به نام طرح اژدر، سلامت و امنیت کشتیرانی در خلیج فارس را به ارمغان آورد.

در اجرای مأموریت عملیات اژدر (اسکورت کشتی‌ها و نفتکش‌ها) ابتدا تمامی کشتی‌های باری و تانکرهای نفتکش که به مقصد بندر امام خمینی (ره) و ماهشهر به سوی خلیج فارس در حرکت بودند، پس از عبور از تنگه هرمز در بندر بوشهر لنگر می‌انداختند، تا تعداد آنها در حد یک کاروان ۱۶ تا ۲۰ فروندی برسد و پس از آمادگی یگان‌های عملیاتی، یک روز قبل از حرکت، جلسه‌ای در پایگاه نیروی دریایی بوشهر که مسئولیت فرماندهی کل عملیات را داشت با شرکت فرماندهان پایگاه‌های دریایی بوشهر - بندر امام خمینی (ره) هوداربا و هوانیروز منطقه و پایگاه‌های هوایی اصفهان، شیراز، بوشهر و رادارها و پدافند منطقه تشکیل می‌شد و پس از هماهنگی‌های لازم و مشخص کردن وظایف هریک از نیروها و تعیین ساعت حضور هریک از واحدهای عملیاتی مانند ناوها، هواپیماها، بالگردهای هوداربا و هوانیروز در صحنه عملیات جلسه به پایان می‌رسید و با بازگشت فرماندهان به یگان‌ها و توجیه واحدهای مانوری، حرکت کشتی‌ها آغاز می‌شد.

معمولاً در این عملیات، ناوهای جنگی نیروی دریایی در مسیر کاروان کشتی‌ها به صورت اسکورت حرکت می‌کردند و هواپیماهای شکاری نیروی هوایی پوشش هوایی منطقه را به عهده می‌گرفتند و وظیفه درگیری با بالگردهای سوپرفرلون را به هوانیروز واگذار می‌کردند.

با ظاهر شدن حرکت کشتی‌ها در پهنه آب‌های منطقه دریایی شمال غربی خلیج فارس، نیروهای عراقی با هواپیماهای شکاری سوپراتاندارد، میراژ و بالگردهای موشک‌انداز سوپرفرلون به سوی کاروان کشتی‌ها پرواز می‌کردند و با اشرافی که رادار سربندر و بوشهر به منطقه شمال غربی خلیج فارس داشتند، به تیم پروازی هوانیروز که در شبه جزیره بویه سیف آماده پرواز بودند، اطلاع می‌دادند و در این مرحله از مأموریت یک فروند از بالگردهای سیکورسکی نیروی دریایی که مجهز به سامانه‌های ناوبری و رادارهای سطحی بودند، به تیم پروازی

هوانیروز ملحق می‌شدند و به عنوان لیدر، تیم بالگردهای کبری را به سوی هدف هدایت می‌کردند.

خلبانان هوانیروز که در روی خشکی مهارت خود را در سرنگونی بالگردهای عراقی به اثبات رسانده بودند، این بار در آب‌های نیلگون خلیج فارس با بالگردهای دریایی عراق درگیر می‌شدند، تا کاروان‌ها با خیالی آسوده ادامه مسیر دهند و به سلامت به مقصد برسند و معمولاً در این جنگ و گریز بالگردهای عراقی از صحنه نبرد عقب‌نشینی می‌کردند و گاهی نیز صدمه می‌دیدند.

با حضور بالگردهای هوانیروز در عملیات اژدر، هیچ شناوری از کاروان تجاری توسط بالگردهای عراقی مورد حمله قرار نگرفت، البته مأموریت هوانیروز منحصر به درگیری بالگردها نبود و در طول عملیات، تعداد زیادی از سکوه‌های دیدبانی و پست‌های شنود که به صورت شناور و بعضاً نیز ثابت، توسط عراقی‌ها در نواحی شمال غربی خلیج فارس تأسیس شده بود، با حمله بالگردهای هوانیروز منهدم شدند.

در چند مورد نیز سکوه‌های نفتی البکر و الامیه در منطقه دریایی فاو که دستگاه‌های دیدبانی و اطلاعاتی دشمن بر روی آنها تعبیه شده بود، با موشک بالگردهای هوانیروز مورد اصابت قرار گرفتند و صدمات زیادی دیدند. در چند مورد نیز کشتی‌های شناور عراقی که به منظور ایجاد مزاحمت از محدوده دریایی خودشان خارج شده بودند، توسط بالگردهای هوانیروز از منطقه فراری داده شدند و آسیب دیدند، آنچه که هوانیروز در روی زمین قادر به انجام آن بود، در دریا نیز قادر به انجام آن شد.

ت- درگیری مستقیم با آمریکا

عملیات آخوندک (Operation Praying Mantis)، نامی که آمریکایی‌ها روی عملیات خود گذاشته بودند، همان حمله نیروی دریایی آمریکا به دو سکوی نفتی ایران در اواخر جنگ ایران و عراق بود، که از نظر آنها به تلافی برخورد

ناوشکن آمریکایی ساموئل بی. رابرتز (USS Samuel B. Roberts) به یک مین دریایی انجام گرفت.

در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷، نیروهای آمریکایی با سه ناوگروه سطحی و ناو هواپیمابر انترپرایز (USS Enterprise)، جنگی را آغاز کردند، در حالی که هیچ‌گونه نشانه و یا اختطاری از قبل اعلام نکرده بودند. عملیات با هماهنگی دو گروه سطحی آغاز شد؛ یک گروه به همراه دو ناوشکن و یک واحد تدارکاتی آبی خاکی به سکوی نفتی ساسان حمله کردند، و گروه دیگر که شامل یک ناوشکن موشک‌انداز و دو فریگیت بودند به سکوی نفتی سیری یورش بردند. تفنگداران نیروی دریایی از شاخه واکنش سریع نیز به سکوی نفتی ساسان حمله کرده و به جمع‌آوری مدارک و کارگزاری مواد منفجره جهت از کار انداختن آن پرداختند. قایق‌های تندروی سپاه پاسداران، از جزیره ابوموسی به سکوی نفتی مبارک در نزدیکی جزیره حمله نموده و چند هدف شامل شناور تدارکاتی و یک شناور با پرچم پاناما مستقر در سکو را مورد هدف قرار داده و بعد از این حمله، هواپیماهای A-6E با راهنمایی ناوشکن‌های آمریکایی به سمت قایق‌های تندرو هدایت شده و با رها کردن بمب‌های راکتی کلاستر (Rockeye Cluster) باعث غرق شدن یکی و آسیب دیدن دیگر شناورها شدند که پس از خسارت دیدن، قایق‌ها به جزیره ابوموسی پناه بردند.

ناوچه جوشن که مأموریت داشت در پایان اسکورت نفتکش در حوالی جزیره کیش به سمت سکوه‌های نفتی ساسان عزیمت و وضعیت را بررسی نماید، با ناوگروه آمریکایی روبه‌رو شد و در پی تهدید دشمن، اقدام به پرتاب موشک هارپون به سوی وین رایت (USS Wainwright) نمود. ناوگان استکباری با پرتاب چهار موشک استاندارد از سوی سیمپسون (USS Simpson) پاسخ داده و در همین حین، وین رایت هم با پرتاب دو موشک استاندارد این حمله را ادامه داد. با این حملات، سازه اصلی ناوچه آسیب دید، ولی باعث غرق آن نگردید. بیگلی (USS Bagley) هم یک فروند از هارپون‌های خود را به سمت آن

شلیک کرد، که البته به هدف نخورد؛ لذا سه فروند ناوشکن با نزدیک شدن به جوشن اقدام به غرق کردن آن با استفاده از آتشبار توپخانه نمودند.

از طرفی، ناوشکن سه‌ه‌ند که از بندر عباس عازم مأموریت غرب تنگه هرمز گردیده بود، در حوالی جزیره هنگام، توسط هواپیماهای اینترودر (Intruder A-6es) که مشغول گشتزنی مراقبتی برای جوزف استراس (Uss joseph struss) بودند، ردیابی شد.

ناوشکن که حمله هواپیماها را مشاهده نمود، با توپخانه ضدهوایی درگیر شد. هواپیماهای مهاجم استکباری دو موشک هارپون و چهار بمب هدایت شونده لیزری اسکیر (Laser-guided skipper bombs) و ناوشکن جوزف استراس هم یک موشک هارپون به سمت ناوشکن پرتاب نمودند. تمام سلاح‌های شلیک شده به ناوشکن برخورد و شعله‌های آتش از روی عرشه سه‌ه‌ند به آسمان سر کشید و به تدریج، به انبار مهمات کشتی رسید که باعث انفجار و غرق آن شد.



دو سکوی شعله ور ابرانی

ناوشکن سبلان، قبل از درگیری با ناوگان استکبار جهانی به مدت ۹ روز در دریا بود. به عبارت دیگر، ناوشکن سبلان از تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۶۷ در مأموریت بود و در تمام این ۹ روز دست‌کم یک فروند ناوشکن یا رزم‌ناو آمریکایی سایه به سایه ناوشکن حرکت می‌نمود، بی آنکه اقدام خصمانه‌ای از خود نشان دهد.

با دریافت ابلاغیه تمدید مأموریت و دریافت سوخت و آب و آذوقه، ناوشکن عازم دریا گردید. هنوز از جزیره لارک نگذشته بود که با اولین گروه هواپیماهای متجاوز دشمن در بالای جزیره لارک روبه‌رو شده و در نتیجه، اقدام به تیراندازی کرد. از آن زمان، درگیری رودرو با هواپیماهای آمریکایی آغاز شد. هواپیماهای

دشمن که منطقه را محاصره کرده بودند و برتری کامل داشتند، در ارتفاع بالاتر از بُرد توپخانه و موشک ضدهوایی دوش‌پرتاب یگان پرواز می‌کردند و از همانجا موشک و راکت شلیک می‌نمودند.

با پرتاب بمب لیزری، ناوشکن از قسمت زیرین شکاف عمیقی برداشت و بیش از یک‌سوم پرسنل آن مجروح شده و با یدک‌کش به ساحل منتقل گردیدند. ناوشکن سبلان گرچه آسیب سنگینی را متحمل شده بود، لیکن با غرور و مردانگی مردان خود به بندر هدایت گردید و در بستر حوض خشک آرمید و آمادهٔ بازسازی شد و دو سال بعد با دستان مبارک رهبر فرزانهٔ انقلاب و فرماندهی معظم کل قوا بار دیگر عملیاتی گردید و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران را در اقصی نقاط عالم به اهتزاز درآورد.

بخش سوم: تجهیزات خودی و دشمن در جنگ تحمیلی

الف- تجهیزات نداجا در شروع جنگ تحمیلی

۱- منطقه یکم دریایی - پایگاه دریایی بندرعباس

یگان‌های شناور مستقر در پایگاه دریایی بندرعباس به شرح زیر بودند:
- ناوگروه ناوشکن‌های سنگین شامل: ناوشکن‌های پلنگ، ببر، آرتمیز
این ناوشکن‌ها مجهز به موشک‌های دو منظوره سطح به هوا و سطح به سطح استاندارد، توپ‌های پنج اینچ دریایی و اژدر ضد زیردریایی بودند.
ناوشکن آرتمیز علاوه بر اینها مجهز به موشک کوتاه‌برد زمین به هوا از نوع سی‌کت نیز بود.

- ناوگروه ناوشکن‌های سبک شامل: ناوشکن زال (البرز)، ناوشکن سام (الوند)، ناوشکن رستم (سبلان)، ناوشکن فرامرز (سهند)

این ناوشکن‌ها مجهز به موشک‌های سطح به سطح از نوع سی کیلر Sea Killer ، توپ‌های دریایی تمام اتوماتیک ۴/۵ اینچ، موشک کوتاه‌برد ضد هوایی سی‌کت Seacat ، مورتار ضد زیردریایی و توپ دو لول ضد هوایی ۳۵م بودند.

- ناوگروه ناوهای لجستیکی سوخت‌رسان شامل: ناو بندرعباس، ناو بوشهر

- ناوگروه ناوهای نیروبر شامل: ناو هنگام، ناو لارک مجهز به دو توپ ۴۰ میلیمتری

- ناوگروه ناوچه‌های توپدار گشت ساحلی شامل: ناوچه پروین، ناوچه ناهید و ناوچه بهرام مجهز به توپ ۴۰ میلیمتری

- ناوگروه ناوچه‌های رودخانه‌ای ۶۵ پایی، شش فروند مجهز به مسلسل
- ناو تعمیراتی چابهار

- حوض تعمیراتی شناور
- شناورهای خدمات بندری شامل: سه فروند یدک‌کش، پنج فروند قایق تجسس و نجات، دو فروند بارج آب، یک فروند بارج سوخت و تعدادی شناور کوچک.



ناوشکن جمهوری اسلامی سبلان در حال دریانوردی در دوران جنگ

این تصویر توسط یگان‌های نیروی دریایی ایالات متحده برداشته شده و بخشی از اسناد رسمی وزارت دفاع آمریکا محسوب می‌گردد.^۱ ناوشکن سبلان از جمله یگان‌های شناوری بود که در اجرای مأموریت‌های محوله مکرراً در دریا با یگان‌های شناور آمریکایی برخورد داشته و در تعقیب و گریز بود.

۱. در اسناد وزارت دفاع ایالات متحده آمده است: این تصویر اثر یک دریانورد یا کارمند نیروی دریایی ایالات متحده در خلیج فارس است که طی انجام مأموریت‌های رسمی به صورت شخصی گرفته شده است و به عنوان مدرک رسمی دولت فدرال ایالات متحده محسوب شده و در مالکیت عمومی قرار دارد.



ناو لجستیکی بوشهر به همراه ناو هم‌کلاس خود بندرعباس که از آلمان خریداری گردیده بودند، نقش مهمی در سوخت‌رسانی به یگان‌های شناور در دریا و افزایش شعاع عملکرد و مدت ماندگاری آنها در دوران جنگ ایفا نمودند.

۲- منطقه دوم دریایی - پایگاه دریایی بوشهر

یگان‌های شناور مستقر در پایگاه بوشهر به شرح زیر بودند:

- ناوگروه ناوچه‌های موشک‌انداز تندرو کلاس پیکان شامل: ناوچه‌های پیکان، کمان، خدنگ، فلاخن، نیزه، شمشیر، جوشن، گردونه و گرز. این ناوچه‌ها مجهز به موشک سطح به سطح هارپون و توپ دریایی سه اینچ اتوملارا می‌باشند.

- ناوگروه ناوچه‌های ۶۵ پایی

- یگان‌های شناور خدمات بندری شامل: یدک‌کش، بارج آب، بارج سوخت، و قایق‌های خدمات بندری



یک فروند ناوچه در حال پرتاب موشک ضدکشتی هارپون

ناوچه‌های کلاس کمان مستقر در پایگاه دریایی بوشهر به این نوع موشک مجهز بودند. به رغم تعداد محدود این موشک‌ها، اکثر موشک‌های هارپون شلیک شده توسط ناوچه‌های کلاس کمان به انهدام یگان‌های عراقی منجر گردید. هارپون از دقت و ضریب اصابت بسیار بالایی برخوردار بود، به گونه‌ای که پس از پرتاب علیه یگان‌های شناور دشمن باید آن را تقریباً منهدم شده فرض نمود.

۳- منطقه سوم دریایی - پایگاه دریایی خرمشهر

یگان‌های شناور ناوتیپ هشتم که در خرمشهر مستقر بودند، به شرح زیر می‌باشند:

- ناوگروه ناوهای پاسیور شامل: ناو بایندر، ناو نقدی، ناو کهنمویی، ناو میلانیان. این یگان‌ها به توپ‌های دریایی سه اینچ، مسلسل ۴۰ میلیمتری و بمب‌های ضدزیردریایی مجهز بودند.

- ناوگروه ناوهای مین جمع‌کن ساحلی: ناو سیمرخ، ناو کرکس

- ناوگروه ناوهای مین جمع‌کن رودخانه‌ای: ناو ریاضی، ناو هریسچی

بخش سوم: تجهیزات خودی و دشمن در جنگ تحمیلی / ۵۹

- ناوگروه ناوچه‌های توپدار ساحلی: ناوچه تیران، ناوچه کیوان، ناوچه مهران، ناوچه ماهان مجهز به توپ ۴۰ میلیمتری
- ناوگروه ناوهای لجستیکی آبرسان: ناو لنگه، ناو هرمز
- ناوگروه ناوچه‌های ۶۵ پایی: شش فروند
- یگان‌های شناور خدمات بندری: یک فروند یدک‌کش و تعدادی قایق گشت ساحلی سبک
- حوض شناور مستقر در اروندرود: دو فروند (بزرگ، کوچک)



ناو جمهوری اسلامی بایندر

این ناو به همراه سه فروند دیگر از ناوگروه فریگیت‌های نیروی دریایی در آغاز جنگ در خرمشهر مستقر بودند، که قبل از هر اقدامی از طرف عراق، در یک عملیات متهورانه و بسیار سریع از بندر خرمشهر به سوی آب‌های خلیج فارس حرکت نموده و با نجات این یگان‌ها از انهدام حتمی و قریب‌الوقوع توسط دشمن، یگان‌های شناور این ناوگروه نقش مهمی در سیانت از خلیج فارس در طول جنگ تحمیلی ایفا نمودند.

۴- پایگاه دریایی خارک

یگان‌های شناور پایگاه دریایی خارک به شرح زیر می‌باشد:

- ناوگروه ناوچه‌های ۶۵ پای: ۶ فروند

- تعدادی قایق‌های شناور سبک خدمات بندری

۵- سازماندهی و استقرار یگان‌های تکاور نداجا

سازماندهی تکاوران نیروی دریایی با هدف اجرای عملیات آب‌خاکی، پیاده شدن در ساحل دشمن، شناسایی سواحل دشمن برای عملیات یگان‌های شناور، تصرف سرپل، شناسایی در عمق خاک دشمن برای سایت‌های راداری و موشکی، انجام تخریبات مختلف در تأسیسات دشمن، کمک به نیروی زمینی در عبور از رودخانه، عملیات غواصی، عملیات ویژه دریایی و... در سال ۱۳۴۸ بنیان‌گذاری گردید.

مرکز آموزش تکاوران دریایی در منجیل تأسیس و اولین دوره تکاور دریایی در سال ۱۳۵۲ با استفاده از کارکنان دوره دیده تشکیل شد.



گردان تکاوران دریایی در منطقه دوم دریایی بوشهر، مرکز آموزش تکاوران دریایی در پایگاه منجیل و ستاد تکاوران دریایی در ستاد فرماندهی نیرو در تهران مستقر بودند.

تکاوران نیروی دریایی ارتش با آغاز تجاوز عراق عملیات خود علیه دشمن را آغاز و تا پایان جنگ در هر جایی که به آنان نیاز بود، حضور داشتند.

۶- استقرار یگان‌های هوادریا

شرایط اقلیمی سواحل خلیج فارس که سرتاسر از زمین‌ها و خورهای غیرقابل کشتیرانی ولی مناسب برای عبور و مرور قایق‌های بومی می‌باشند، فکر بهره‌گیری از وسیله‌ای مناسب برای کنترل تردد و عبور و مرور قایق‌ها جهت کنترل عملیات قاچاق را به وجود آورد.



یک فروند بالگرد RH53D متعلق به هوادریای نیروی دریایی ارتش

یکی از مهم‌ترین ابزار در اختیار فرمانده نیروی دریایی ارتش، یگان هوا دریای آن بود. این یگان که از ۱۴ فروند هاورکرافت و انواع بالگردهای ترابری، ضد زیردریایی و مین‌روب و همچنین، چند فروند هواپیمای ترابری فالکون و فرندشپ تشکیل شده بود، یکی از مهم‌ترین بازوهای عملیاتی نیروی دریایی بود که در طول هشت سال تجاوز عراق، مستمراً و بدون وقفه، عملیات پشتیبانی از جزایر و سکوهای نفتی و گشت و شناسایی و ده‌ها نوع

مأموریت دیگر را در خطرناک‌ترین مناطق جنگی خلیج فارس با کمترین تلفات به مورد اجرا گذارد.

اگر عمق تلاش بی‌وقفه هوادریا، که در طول جنگ حتی یک ساعت هم متوقف نشد، روشن گردد، قطعاً مشخص می‌شود که کار عظیمی را که فرماندهان و خلبانان و خدمه پروازی و تعمیر و نگهداری این یگان انجام دادند، بیشتر شبیه معجزه بود تا روند عادی یک عملیات نظامی.

اولین سری بالگردهای خریداری شده از نوع بالگردهای ضد زیردریایی SH3D بود، که در سال ۱۳۵۱ به ایران تحویل و در تهران مستقر گردید.

با ساخت فرودگاه مدرن هوا دریای بوشهر، ایستگاه یکم هوا دریا تشکیل و اولین سری بالگردهای ضد سطحی از نوع AB-212 در سال ۱۳۵۲ با قابلیت تجهیز به موشک‌های ضد سطحی AS-12 در هوادریای بوشهر استقرار یافت. متعاقب آن بالگردهای ضد زیردریایی خریداری شده از تهران به بوشهر منتقل و اسکادران بالگردهای ضد زیردریایی تشکیل می‌شد.

با خرید و ورود اولین سری بالگردهای مین‌روب RH-53D در سال ۱۳۵۵، نیروی دریایی سومین اسکادران بالگرد هوادریا برای انجام مأموریت‌های عملیاتی مین‌روبی شکل می‌دهد. مقارن با تقویت یگان‌های پروازی بالگرد، خرید هواپیماهای بال ثابت با هدف افزایش قابلیت حمل و نقل هوایی و جابه‌جایی سریع نیروها انجام گردید.



یک فروند هواناو BH7 در حال اجرای مأموریت

این تجهیزات ارزشمند با هدایت خلبانان شجاع نیروی دریایی ارتش، نقش انکارناپذیری در شکستن حصر آبادان، شرکت در عملیات‌های خیبر، بدر، والفجر ۸ و بسیاری از مأموریت‌های گشت و کنترل و پشتیبانی لجستیکی در پهنه خلیج فارس ایفا نمودند، که باید به عنوان گسترده‌ترین عملیات رزمی توسط این نوع یگان‌ها در سطح جهان ثبت گردد. در هیچ عملیات نظامی، هیچ‌گاه تا این حد از گستردگی و پیچیدگی از هواناوها برای پیشبرد و پشتیبانی از عملیات نظامی در زمین و دریا استفاده نشده است. استعداد رزمی یگان‌های هوادریا در اجرای مأموریت‌های نیروی دریایی و پشتیبانی از یگان‌های شناور تا پایان سال ۱۳۵۷ به شرح زیر ارتقا می‌یابد:

پایگاه هوادریای بوشهر

۱۸ فروند بالگرد AB-212

۱۲ فروند بالگرد SH3D

۶ فروند بالگرد RH-53D

۲ فروند

- اسکادران بالگردهای ضد سطحی

- اسکادران بالگردهای ضد زیردریایی

- اسکادران بالگردهای مین‌روب

پایگاه هوادریای خارک

- هواناو SRN6

۶ فروند	- هواناو BH7
	پایگاه هوادریای خسروآباد
۸ فروند	هواناو SRN6
	اسکادران بال ثابت نداجا (مستقر در تهران)
۴ فروند	- هواپیمای فرند شیپ
۴ فروند	- هواپیمای جت فالکن
۳ فروند	- هواپیمای شرایک کماندر
۱ فروند	- هواپیمای توربو کماندر

✓ استعداد یگان‌های شناور نداجا در مناطق دریایی

الف - منطقه یکم دریایی بندرعباس

۳ فروند	ناوشکن سنگین
۴ فروند	ناوشکن سبک کلاس الوند
۳ فروند	ناوچه توپدار کلاس بهرام
۲ فروند	ناو نیروبر کلاس لارک ^۱
۲ فروند	ناو لجستیکی نیمه سنگین ^۲
۴ فروند	ناو لجستیکی سبک

۱. قرارداد خرید این ناوها شامل ۴ فروند از انگلیس بود که ۲ فروند به ایران تحویل شده بود. با آغاز جنگ تحمیلی، انگلیس از تحویل دو فروند باقیمانده خودداری کرد، تا اینکه پس از پیگیری‌های ایران، دو فروند ناوهای نیروبر تنب و لاوان در سال ۱۳۶۳ به ایران تحویل شدند.
۲. تحویل ناو لجستیکی سنگین خارک از سوی انگلیس به دلیل آغاز جنگ ایران و عراق به تعویق افتاد و بالاخره با تلاش ایران مبنی بر اینکه این ناو لجستیکی است و کاربرد رزمی ندارد، انگلیس در نهایت در سال ۱۳۶۳ این ناو را به ایران تحویل داد. ناو لجستیکی خارک برای پشتیبانی ناوگان ایران در اقیانوس هند پیش‌بینی و خریداری شده بود. ولی جای تعجب است در حالی که قرارداد ناوشکن‌های اسپرانس که یگان‌های رزمی بودند و همچنین زیردریایی‌ها که در توان رزمی ایران نقش مؤثری می‌توانستند داشته باشند، لغو شده بود، قرارداد ناو پشتیبانی کننده آنها و همچنین ناوهای نیروبر به قوت خود باقی ماندند.

لندینگ کرافت کوچک ۴ فروند

ب - منطقه دوم دریایی بوشهر

ناوچه موشک انداز کلاس کمان^۱ ۹ فروند

ناو مین روب ۲ فروند

ناو لجستیکی سبک ۳ فروند

هواناو BH7 ۶ فروند (جزیره خارک)

هواناو SRN6 ۸ فروند (جزیره خارک)

بالگرد مین روب RH53D ۱ اسکادران

بالگرد ضد زیرسطحی SH3D ۱ اسکادران

بالگرد ضدسطحی AB212 ۱ اسکادران

تکاور دریایی ۱ گردان

ج - منطقه سوم دریایی خرمشهر

فریگت کلاس بایندر ۴ فروند

ناوچه توپدار کلاس مهران ۴ فروند

ناو لجستیکی سبک ۳ فروند

ناو مین روب ۳ فروند

علاوه بر یگان‌های فوق، تعداد ۲۶ فروند ناوچه ۶۵ پایی و شناورهای کوچک گشت ساحلی در مناطق سه‌گانه دریایی حضور و فعالیت داشتند.

ب- تجهیزات نیروی دریایی ارتش عراق در شروع جنگ تحمیلی

اولین گام برای تأسیس نیروی دریایی عراق به سال ۱۹۳۷ بازمی‌گردد، که در این سال با ورود چهار فروند ناوچه توپدار به بصره، نیروی دریایی این کشور با

۱. قرارداد خرید این ناوچه‌ها شامل ۱۲ فروند بود که ۹ فروند قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران تحویل شده بود و با آغاز جنگ تحمیلی، دولت فرانسه در کار تحویل ۳ فروند باقیمانده کارشکنی می‌کرد، تا اینکه بالاخره در تابستان سال ۱۳۶۰، این سه فروند ناوچه را بدون موشک و برخی تجهیزات مدرن آنها به ایران تحویل داد.

انجام گشت در داخل اروندرود کار خود را آغاز نمود. در سال‌های ۱۹۳۷ الی ۱۹۵۸، یعنی وقوع انقلاب در عراق، تعداد بیشتری قایق توپدار وارد نیروی دریایی عراق شدند، که عمدتاً وظایف حفظ امنیت در رودخانه‌ها را بر عهده داشتند.

گام دوم توسعه نیروی دریایی عراق به سال‌های بعد از انقلاب این کشور، یعنی ۱۹۵۸ الی اوایل دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد، که با افزوده شدن تعدادی ناوچه اژدر افکن، این نیرو موفق به دریافت تجهیزات بیشتری گردید.

اما توسعه واقعی این نیرو از سال ۱۹۶۸ آغاز گردید، که دریافت تعدادی ناوچه‌های موشک‌انداز و توپدار توان آن را به میزان قابل توجهی افزایش داد و آن را تبدیل به یک نیروی نسبتاً قدرتمند نمود، که می‌توانست برای نیروی دریایی ایران خطری بالقوه محسوب گردد.

همزمان، نیروی دریایی عراق اقدام به تأسیس یک دانشکده دریایی در بصره نمود که به آموزش دانشجویان افسری دریایی اهتمام می‌ورزید. فارغ‌التحصیلان این دانشکده در رشته‌های مهندسی دریایی و ناوبری مشغول به تحصیل شده و نیاز نیروی دریایی عراق به افسران دریایی را برآورده می‌نمودند.

بنادر مهم عراق که محل استقرار یگان‌های رزمی این کشور بودند، شامل بنادر ام‌القصر (ام قصر) و بصره بودند. بندر بصره، دارای یک ضعف بزرگ ژئواستراتژیک بود، زیرا ناوچه‌های عراقی برای رسیدن به آب‌های آزاد خلیج فارس باید مسافت نسبتاً طولانی را در اروندرود طی می‌کردند که در تیر و دید مستقیم نیروهای خودی در ساحل شرقی اروندرود قرار گرفته و به آسانی منهدم می‌شدند. اما بندر ام‌القصر با وجود ضعف‌هایی که برای دسترسی به خلیج فارس داشت، مسیر امن‌تری برای شناورهای رزمی عراقی محسوب می‌گردید.

در واقع، شناورهای عراقی مستقر در پایگاه دریایی ام‌القصر، پس از عبور از خور عبدالله و ورود به خلیج فارس، خود را در پناه پایانه‌های نفتی البکر (البصره) و الامیه قرار داده و اکثراً در همان محدوده به حضور خود ادامه می‌دادند.

مهم‌ترین تحول در نیروی دریایی عراق به روابط این کشور با شوروی سابق باز می‌گردد که در آن دوران، مسکو ضمن فروش تعدادی ناوچه موشک‌انداز اوزا از عراق اجازه استفاده از بنادر عراقی در خلیج فارس را کسب نمود. ناوچه‌های کلاس اوزا را به هیچ وجه نباید دست کم گرفت. موشک‌های استیکس این ناوچه‌ها بر اساس راهبرد نیروی دریایی شوروی سابق در دوران جنگ سرد توسعه یافته بودند. این راهبرد که هدف آن حفظ برتری ناوگان شوروی در برابر ناوگان کشورهای عضو پیمان ناتو در آب‌ها و اقیانوس‌های آزاد جهان بود، بر سه اصل جنگ مین، استفاده گسترده از زیردریایی و نهایتاً بکارگیری موشک‌های هوا به سطح استیکس، که در آن زمان بر روی هواپیماهای راهبردی برد بلند توپولف ۹۵ نصب می‌شدند، تأکید می‌نمود.



موقعیت پایگاه دریایی ام‌القصر و مسیر دسترسی شناورهای عراقی از طریق
خور عبدالله به آب‌های خلیج فارس

البته بعداً این موشک‌ها بر روی انواع ناوها و ناوچه‌های نیروی دریایی شوروی و همپیمانان آن نصب گردیدند. بزرگ‌ترین موفقیت این موشک‌ها به جنگ اعراب و

اسرائیل در ۲۶ اکتبر ۱۹۶۷، یعنی چند ماه پس از پایان جنگ شش روزه باز می‌گردد که طی یک عملیات موفق و غافلگیرانه، ناوشکن اسرائیلی ایلات توسط موشک‌های ضدکشتی استیکس ناوچه‌های مصری مورد اصابت قرار گرفته و به قعر دریا می‌رود. در آن زمان، هنگامی که ناوشکن ایلات برای شناسایی به سواحل مصر نزدیک می‌شود، دو فروند ناوچه موشک‌انداز کلاس کمار (Komar) نیروی دریایی مصر مجهز به موشک‌های استیکس در داخل بندر پورت سعید در حال مراقبت بودند. ناو اسرائیلی به حدود ۱۴ مایلی این بندر می‌رسد و به دلیل اینکه ناوچه‌ها در داخل بندر بودند، موفق به کشف آنها نمی‌شوند. البته مصری‌ها می‌گفتند که این ناو وارد آب‌های سرزمینی مصر شده بود و کمتر از ۱۲ مایل با بندر پورت سعید فاصله داشت. دو ناوچه هرکدام یک فروند موشک استیکس به سوی ناوشکن ایلات شلیک می‌کنند، که هر دو موشک به ناو اصابت کرده و آن را در وضعیت نامناسبی قرار می‌دهد. حدود یک ساعت بعد در حالی که از طرف ملوانان اسرائیلی تلاش می‌شد ایلات را از غرق شدن نجات دهند، دو فروند موشک دیگر به سوی ناو شلیک می‌شود، که اولی قسمت جلوی ناو را متلاشی کرده و موشک دوم به دلیل غرق شدن ناو ایلات به داخل آب سقوط می‌کند. در این عملیات، حدود ۹۰ نفر ملوان اسرائیلی کشته و زخمی شدند. این عملیات یکی از پرتلفات‌ترین عملیات‌های نظامی علیه ارتش اسرائیل محسوب می‌گردد.



یک فروند ناوچه اوزای عراقی مجهز به موشک‌های استیکس در حال عبور از اروندرود
پیش از آغاز جنگ

در جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱، تعدادی ناوچه کلاس اوزای نیروی دریایی هند با اختفای کامل و با استفاده از اصل غافلگیری، در دو مرحله در شب‌های ۵ و ۹ دسامبر به بندر کراچی نزدیک شده و با شلیک ده‌ها فروند موشک استیکس بخش مهمی از نیروی دریایی پاکستان، تعداد زیادی کشتی‌های تجاری و مخازن سوخت را در کنار اسکله‌های این بندر نابود کرده و خسارات فراوانی به کراچی وارد می‌کنند.

در واقع، در یک غافلگیری مرگ‌آور، نیروی دریایی هند موفق می‌شود با استفاده از موشک‌های استیکس به این موفقیت نائل آید و به نحو قابل ملاحظه‌ای یگان‌های شناور نیروی دریایی پاکستان را از انجام عملیات در دریا محروم نماید. در نبرد موسوم به لاتاکیا (لاذقیه) در سال ۱۹۷۳ که اولین نبرد بین ناوچه‌های موشک‌انداز بود، ناوچه‌های کلاس سار (SAAR) اسرائیلی مجهز به موشک‌های ضدکشتی گابریل و پنگوئن با ناوچه‌های سوری مجهز به موشک‌های استیکس در نزدیکی بندر سوری لاذقیه درگیر می‌شوند، و به دلیل استفاده از سامانه‌های پیشرفته جنگ الکترونیک موفق می‌شوند بدون دادن تلفات، ناوچه‌های سوری را غرق نمایند. تا زمان تجاوز عراق علیه ایران این رویدادها مهم‌ترین نبردهای دریایی بود که در آن از موشک‌های ضدکشتی استفاده گسترده به عمل آمده بود. جنگ تحمیلی نیز صحنه دیگری بود برای نمایش قدرت و مصاف دریایی دو کشور بزرگ غرب آسیا.

دیگر خریدهای تسلیحات دریایی عراق مربوط به عقد قراردادهای مهمی می‌باشد که برای تجهیز نیروی دریایی عراق با کشورهای فرانسه و ایتالیا منعقد گردید. بیشترین کمک‌های تسلیحاتی فرانسه به عراق مربوط به تجهیزاتی می‌شود که عراق را قادر می‌ساخت در خلیج فارس علیه بنادر و خطوط مواصلات دریایی ایران وارد عمل شده و ایران را از تجارت و صادرات نفت خام محروم نماید. دولت فرانسه از ابتدای شروع جنگ حمایت وسیع و همه‌جانبه‌ای از عراق کرد. در طول جنگ، این حمایت ابعاد وسیع‌تری یافت. فرانسه پس از شوروی سابق، دومین صادرکننده تسلیحات به عراق بود. این کشور در سال ۱۳۵۹

قرارداد ارسال ۶۰ فروند هواپیمای میراژ از نوع اف ۱ را با عراق منعقد کرد که بعداً تعداد آنها به نحو چشمگیری افزایش یافت. فرانسه تا سال ۱۳۶۱، حدود ۴۰ میلیارد فرانک در ازای صدور تسلیحات به عراق از این کشور دریافت نمود. در سال ۱۳۶۲، جنگ‌افزارهای ارسالی فرانسه به عراق به مبلغ ۵/۶ میلیارد دلار رسید، که برای مثال، می‌توان به هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک‌های اگزوست اشاره کرد (علیخانی، ۱۳۷۶: ۱۷۸).

همچنین، فرانسه از جمله کشورهایی بود که از همان ابتدای جنگ، نخستین جنگنده‌های بمب افکن میراژ را در اختیار عراق قرار داد و به دنبال آن، هواپیماهای میراژ آن کشور وارد عراق شد. آنها در سال‌های بعد با تحویل موشک‌اندازهای رولاند، شبکه دفاع هوایی عراق را تقویت کردند. این سیستم شامل سکوهای ثابت و متحرک موشک‌انداز بود (درویدیان، ۱۳۷۶: ۷۶).

علاوه بر این، عراقی‌ها برای نخستین بار با کمک هواپیماهای فرانسوی موسوم به سوپراتاندارد، توانستند ضمن حمله به جزیره خارک، نفتکش‌های حامل نفت ایران را مورد حمله قرار دهند.^۱ این هواپیماها که اکثراً توسط خلبانان خارجی هدایت می‌شد، به صورت اجاره‌ای به عراق تحویل داده شدند.

کمک‌های فرانسوی‌ها به عراق به قدری افزایش یافت که یکی از فرودگاه‌های ناتو در فرانسه مرکز بارگیری هواپیماهای نیروی هوایی عراق شد و از این طریق، موشک‌های ساخت فرانسه، بمب خوشه‌ای، فیوز و تجهیزات الکترونیک هواپیما به عراق ارسال می‌شد. محموله‌های تسلیحاتی فرانسه به عراق آن قدر زیاد شد که تقریباً از اواسط سال ۱۹۸۶، حتی هواپیماهای غیرنظامی خطوط هوایی بغداد - پاریس نیز به حمل جنگ‌افزارها می‌پرداختند (کنت آر؛ تیمرن، ۱۳۷۳: ۴۵۳).

عمده تجهیزاتی را که فرانسه برای توقف تجارت ایران در خلیج فارس به عراق تحویل داد، عبارتند از: فروش ۱۳۳ فروند میراژ اف ۱ قادر به حمل

۱. با مورد اصابت قرار گرفتن یک فروند از این هواپیماها، فرانسه آنها را از صحنه خلیج فارس خارج نمود.

موشک‌های اگزوست بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۷، پنج فروند سوپراتاندارد که با موشک‌های موشک اگزوست مجهز شده و در جنگ نفتکش‌ها توسط عراق به کار گرفته شدند. همچنین، فرانسه تعداد ۱۶ فروند بالگرد سوپرفرلون مجهز به موشک‌های اگزوست را طی سال‌های ۱۹۷۷ الی پایان جنگ در اختیار عراق قرار داد.^۱ البته این اعداد توسط برخی رسانه‌ها انتشار یافته و باید تأکید کرد که عراق به هر میزان تسلیحات که نیاز داشت، بدون هیچ محدودیتی در اختیار ارتش آن کشور قرار داده می‌شد؛ لذا درج ارقام واقعی شاید هیچ‌گاه میسر نباشد.

اگزوست موشک ضدکشتی فرانسوی است که تولید آن از اواسط دهه ۱۹۷۰ آغاز شده و همچنان ادامه دارد. گونه‌های متفاوت موشک اگزوست از کشتی، زیردریایی، آتشبارهای ساحلی و هواپیماها و بالگردهای جنگی شلیک می‌شوند. این موشک در سال ۱۹۷۴ وارد نیروی دریایی ارتش فرانسه شده و از آن زمان تاکنون به کشورهای متعدد دیگری نیز صادر شده و در دهه ۱۹۸۰ در جنگ‌های ایران و عراق و جنگ فالكلند^۲ مورد استفاده قرار گرفت.

موشک اگزوست با سامانه هدفیابی فعال راداری هدایت می‌شود و به یک کلاهک جنگی ۱۶۵ کیلوگرمی مسلح است. این موشک هوا به سطح و سطح به سطح از قابلیت حرکت در سطح آب برخوردار است و برای انهدام کشتی‌های جنگی کوچک و متوسط مانند ناوچه‌ها و ناوشکن‌ها طراحی شده، اما با شلیک چندین فروند از آن می‌توان به کشتی‌های بزرگتر مانند ناوهای هواپیمابر هم آسیب رساند.

اگزوست موشکی نسبتاً جمع و جور در کلاس خود محسوب می‌شود و نزدیک‌ترین همتای اگزوست از نظر مشخصات ظاهری و قابلیت‌ها، موشک آمریکایی همدوره آن یعنی هارپون است.

۱. منابع شرکت فرانسوی Aérospatiale سازنده بالگردهای سوپرفرلون

۲. جنگ فالكلند یا مالویناس، جنگی بین دو کشور انگلستان و آرژانتین بود که بر سر مالکیت جزایر مالویناس (فالكلند) به وقوع پیوست.

اگزوست از یک موتور راکتی سوخت جامد بهره می‌برد که سرعت موشک را به ۰/۹۳ ماخ یعنی نزدیکی سرعت صوت می‌رساند. طول موشک ۴/۷ متر و کالیبر آن ۳۵۰ میلیمتر است. اولین مدل کشتی‌پایه این موشک یعنی MM38 قادر بود کشتی‌های دشمن را از مسافت حداکثر ۴۲ کیلومتری هدف قرار دهد. در مدل هواپایه AM39 که در جنگ تحمیلی مورد استفاده عراق قرار گرفت، برد عملیاتی موشک ۵۰ تا ۷۰ کیلومتر (با توجه به ارتفاع و سرعت جنگنده یا بالگرد و سرعت هدف) بود.

موشک‌های اگزوست انهدام چندین فروند ناو انگلیسی از جمله رزم ناوشفیلد در نبرد فالکلند بین انگلیس و آرژانتین و همچنین مورد اصابت قرار دادن فریگیت آمریکایی استارک در دوران جنگ تحمیلی در خلیج فارس را در کارنامه خود دارند.



یک فروند بالگرد سوپرفرلون در حال پرتاب یک فروند موشک اگزوست

خریده‌های عراق از ایتالیا برای تقویت نیروی دریایی این کشور بسیار گسترده بود و اگر ناوهای خریداری شده وارد خلیج فارس می‌شدند، با حمایت و پشتیبانی انواع هواپیماها و بالگردهای مجهز به موشک‌های هواپایه ضد سطحی می‌توانستند دردسر بزرگی برای نیروی دریایی خودی ایجاد نموده و در

عین حال، در کل صحنه خلیج فارس توان دریایی ما را به چالش بکشند، اما خوشبختانه به علت اشرافیت نیروی دریایی بر تنگه هرمز و خلیج فارس این ناوها هیچ‌گاه فرصت ورود به خلیج فارس را پیدا نکردند.

در مجموع، تعداد شش فروند کوروت موشک‌انداز کلاس اسد به طول ۶۲ متر و تناژ ۶۰۰ تن و چهار فروند فریگیت‌های موشک‌انداز کلاس لوپو به طول ۱۱۳ متر و به تناژ ۲۹۰۰ تن همگی مجهز به موشک‌های سطح به سطح اتومات و پدافند هوایی آسپید و قادر به حمل یک فروند بالگرد ضد زیردریایی از نوع AB212 بودند. این ناوها کلاً به ارزش ۲/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ از ایتالیا خریداری شدند.



تعداد دو فروند کوروت عراقی کلاس اسد از شش فروند و دو فروند فریگیت عراقی کلاس لوپو از چهار فروند خریداری شده در بندر لاسپتزیای ایتالیا همچنان در انتظار ورود به خلیج فارس لحظه شماری می‌کردند. این ناوها هیچ‌گاه جرئت ورود به خلیج فارس را پیدا نکردند و پس از تکمیل ساختمان آنها به بندر اسکندریه در مصر انتقال یافتند و نهایتاً پس از اشغال کویت توسط عراق و تحریم بین‌المللی رژیم بعث به کشورهای دیگر فروخته شدند. با توجه به تجهیزات بسیار پیشرفته الکترونیک و انواع موشک‌های ضدسطحی و پدافند هوایی، اگر این ناوها فرصت ورود به خلیج فارس را پیدا

می‌کردند، همراه با پشتیبانی هواپیماهای جدیدی که به عراق تحویل داده شده بودند، به چالشی بزرگ برای نیروی دریایی جمهوری اسلامی مبدل می‌شدند که خوشبختانه با تمهیدات نیروی دریایی ارتش علاج واقعه قبل از وقوع اندیشیده شد.

از دیگر تجهیزات دریایی عراق که در جنگ دریایی به صورت گسترده در دریا علیه ایران و به طور ویژه برای انسداد بندر امام خمینی (ره) به کار گرفته شد، موشک‌های کرم ابریشم ساخت چین بود. موشک‌های اولیه کرم ابریشم که دارای بردی برابر حدود ۸۰ کیلومتر بودند، با افزایش بردشان تا حدود صد کیلومتر توسط چینی‌ها با استقرار در شبه جزیره فاو به خوبی قادر بودند مسیر کشتیرانی در خور موسی را تهدید نمایند. این موشک‌ها که شباهت بسیاری به یک هواپیمای کوچک داشتند، به علت بزرگی جثه معمولاً از ساحل علیه اهداف دریایی پرتاب می‌شدند، و روی ناوهای متوسط نصب نمی‌شدند. موشک، در هنگام پرتاب حدود ۱۰۰۰ متر اوج گرفته و سپس مسیر رسیدن به هدف را در ارتفاع دلخواه معمولاً در ارتفاع کمتر از ۲۰ متر با سرعت ۰/۸ ماخ طی می‌کند، و در فاز نهایی پس از نزدیک شدن به هدف بر روی آن قفل کرده و تا ارتفاع هشت متر پایین می‌آید و در نهایت، به هدف اصابت می‌کند. البته ذکر این نکته ضروری است که موشک‌های کرم ابریشم در انواع مختلف و با مشخصات فنی متفاوتی تولید و عرضه شده‌اند، لذا ممکن است بعضی از این خصوصیات در انواع جدیدتر و یا مدل‌های دیگر تغییر کرده، یا بهبود یافته باشند. انواع جدیدتر این موشک دارای بردی حدود ۲۰۰ کیلومتر و بیشتر نیز هستند. اما آنچه در اختیار عراق بود تقریباً با مشخصات ذکر شده هماهنگی داشت. از آنجا که بخشی از مسیر پرواز این موشک‌ها از دهانه فاو تا کانال خور موسی از روی ساحل عبور می‌کرد، به علت پستی این سواحل و ارتفاع نسبتاً بالای پرواز موشک این وضعیت مانعی در پرواز موشک‌های کرم ابریشم تا رسیدن به هدف ایجاد نمی‌کرد. سر جنگی موشک حدود ۵۱۳ کیلوگرم ماده منفجره داشت که با برخورد با هر

هدف دریایی هرچند بزرگ، آن را غرق می‌کرد. مشاهده کشتی‌های تجاری غرق شده بر اثر اصابت موشک‌های کرم ابریشم که در دو سوی آبراه خورموسی به گل نشسته بودند، نشان از قدرت انفجار سر جنگی آنها می‌داد. بعضی از حفره‌های ایجاد شده در بدنه کشتی‌های غرق شده به قدری وسیع بود، که بی‌اغراق یک شناور در حد یدک‌کش می‌توانست داخل آن شود.



یک فروند موشک کرم ابریشم در حال پرتاب به سوی یک هدف دریایی

عراق با استقرار این موشک‌ها در منطقه رأس البیشه واقع در رأس شبه جزیره فاو در خلیج فارس به علت وضعیت خاص زمین که بسیار پست و فاقد هرگونه عوارضی بود، به راحتی می‌توانست مسیر کشتیرانی ایران در خور موسی منتهی به بندر امام(ره) را مورد هدف قرار دهد. فاصله رأس البیشه تا مسیر ورودی بندر امام از طریق خور موسی بین ۵۰ الی ۶۰ کیلومتر بود، که به راحتی در برد موشک‌های کرم ابریشم قرار داشت.

تجهیزات عراق تا قبل از شروع جنگ تحمیلی شامل عمدتاً ناوچه‌های موشک‌انداز کلاس اوزا و ناوچه‌های اژدرانداز و گشت دریایی بود که تماماً از اتحاد جماهیر شوروی سابق دریافت گردیده بودند. اما به دلایل سیاسی، عراق

تدریجاً اقدام به خرید انواع تجهیزات پیشرفته‌تر از فرانسه می‌نماید که انواع جنگنده و بالگرد را تشکیل می‌دادند.

بر اساس موارد مندرج در کتاب Jane's Fighting Ships 1977-78 که همه ساله اقدام به درج تجهیزات نیروی دریایی کشورهای جهان نموده و از منابع معتبر جهانی به شمار می‌آید و همچنین سایر منابع موجود، تجهیزات و استعداد دریایی عراق در آغاز تهاجم به ایران به شرح زیر بود:

یگان‌های شناور نیروی دریایی عراق:

۱ فروند	ناو آموزشی با ظرفیت ۱۸۵۰
۴ فروند	ناو نیروبر کلاس polonochay
۱۴ فروند	ناوچه موشک‌انداز کلاس اوزا ۱ (OSAI)
۳ فروند	ناوچه گشت ساحلی کلاس SO1
۱۲ فروند	ناوچه تندرو اژدرافکن کلاس P6
۳ فروند	ناوچه گشت ساحلی بزرگ کلاس Poluchat
۵ فروند	ناوچه گشتی بزرگ کلاس ZHUK
۶ فروند	ناوچه گشتی ساحلی کلاس MyryraT II
۳ فروند	ناوچه گشت ساحلی کلاس po2
۸ فروند	قایق ۳۶ فوتی کلاس ThormyctoT
۴ فروند	قایق ۲۱ فوتی کلاس ThormycroT
۲ فروند	کشتی مین‌روب کلاس T-43
۳ فروند	کشتی مین‌روب ساحلی کلاس Ne&Tim
۳ فروند	کشتی مین‌روب رودخانه‌ای
۱ فروند	کشتی راهنما
۱ فروند	شناور غواصی (Diving Tender)
۱ فروند	کشتی آتش‌نشانی
۱ فروند	یدک‌کش
۱۶ فروند	بالگرد سوپرفرلون

بخش چهارم: معنویت در هشت سال دفاع مقدس

آنچه که در منطقه عملیاتی در دریا اتفاق افتاد و آن حماسه‌های شگفت‌انگیز را رقم زد، علاوه بر تخصص و تعهد، برگرفته از معنویتی بود که همه قابلیت‌ها را با توانی مضاعف و با ابداعاتی منحصر بفرد به کار گرفت و در معرض دید جهانیان قرار داد. این معنویت را می‌توان به شرح زیر مطرح نمود:

الف - جهاد در راه خدا

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید:

"إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَةِ أَوْلِيَائِهِ، وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى، وَدُرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ، وَجُنَّتُهُ الْوُثِيقَةُ"

همانا جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خدا آن را بر روی دوستان مخصوص خود گشوده است، جهاد، لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است.

شاخصه نبردهای اسلامی، بویژه جنگ‌هایی که با حضور پیامبر اعظم (ص) شکل گرفت، بهره‌مندی از معنویت و امداد الهی است. جهاد و مبارزه اسلامی نوعی عبادت و راه وصول به تکامل و قرب الهی است.

طوفان جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به راه افتاد. همچنان که تهاجم در حال تولد بود، حماسه‌ای برتر از درون فرهنگ و باورهای ژرف ملت‌ی مؤمن سرچشمه می‌گرفت. این حماسه که «دفاع مقدس» نام گرفت، روز به روز بالنده‌تر شد و چونان کوهی استوار در برابر تهاجم دشمن قد علم کرد. همین کافی بود تا دشمن را متقاعد سازد که در محاسباتش دچار اشتباهی بزرگ شده است.

به راستی چرا دشمن نتوانست ظهور این حماسه را پیش‌بینی کند؟ این عوامل ناپیدا از دید دشمن، که موازنه قدرت را که در ظاهر به نفع او بود، برهم زد، عوامل فرهنگی و معنوی بود. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «آنها

حساب همه چیز را می‌کردند، الا یک حساب و آن حساب، معنویت بود. آنها توجه به این نداشتند که ملت همه با هم علاقه به خدا دارند و علاقه به اسلام.» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۷۷)

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نیز در این باره فرموده است: «محاسباتشان از عنصر «توکل» و «ایمان به خدا» خالی بود و آن را در زندگی ما به حساب نیاورده بودند.» (حدیث ولایت، ج ۵، ص ۱۲۴)

تمسک فرماندهان و رزمندگان به فرهنگ ناب اسلامی، الهام گرفتن از باورهای ژرف دینی، اقتدا به سیره جهاد معصومین، بویژه نهضت حرکت آفرین عاشورا، آراسته شدن به ارزش‌های پیروزی آفرین اسلامی و امید داشتن به امدادهای غیبی از جمله این ویژگی‌هایند. همچنین، استفاده قابل قبول از سلاح تبلیغات و نیز هنر و ادبیات در جهت خنثی کردن تهاجم تبلیغاتی دشمن و افزایش روحیه رزمندگان را باید از ویژگی‌های دفاع مقدس برشمرد. از عوامل مهم معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، ارزش‌های اسلامی است که رزمندگان اسلام به آنها پایبند بودند (ارزش‌های اسلامی، ۱۳۸۰: ۱۱).

دفاع در قانون طبیعت یکی از اصول استوار بقاء و حفظ شرافت انسان‌هاست. در میان تمام دفاعیاتی که توسط انسان در برابر حمله‌های گوناگون صورت می‌گیرد، مقدس‌ترین و باارزش‌ترین آنها دفاع از عقیده است و بدون شک دوران هشت ساله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از افتخارات بزرگ بی‌نظیر ایران اسلامی است. بر همین اساس است که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: "دوران دفاع مقدس، اوج افتخارات ملت ایران است."

لذا برای حفظ و انتقال ارزش‌های دفاع مقدس بایستی این فرهنگ با جدیت در برنامه‌ریزی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور تثبیت گردد.

در حقیقت، بزرگداشت شهیدان از یک سو تعظیم صبر و صلابت و تکریم فخر و شرافت است و از سویی تعمیم شور و حماسه و تحصیل نور هدایت و تکریم و تجلیل. گرامیداشت شهدای انقلاب شکوهمند اسلامی و شهدای دفاع مقدس پژواک شمشیرهایی است که در عرصه‌های چهارده قرن مصاف اسلام با کفر

طنین افکنده است. برقی که از شمشیر رزم‌آوران اسلام در بدر و حنین درخشید و در صفین و نهروان چشم فتنه را کور کرد و در کربلا کاخ ستم را سوزاند، سفير رعدش در فضای ملکوتی بهمن ماه ۱۳۵۷ و هشت سال حماسه دفاع بر نفیر کفر و نفاق فرود آمد و پیام شورانگیز «نصر من الله و فتح قریب» را به جهان و جهانیان اعلام کرد.

اینک گرامیداشت آن همه رشادت‌ها و شهادت‌ها همچون نسیم معطری است که بار دیگر عطر دل‌انگیز آن لاله‌های بهشتی را به مشام جان‌زمینیان می‌رساند و پرتو هدایتی از کهکشان روشن آن حماسه‌سازان را فرا راه رهروان و آیندگان قرار می‌دهد، این کار در گرو حمایت بی‌دریغ و همکاری همه عزیزانی است که میراث دار افتخارات گذشته و پاسدار اعتبارات امروز و خواستار انتظارات آینده‌اند.

گرامی و جاوید باد اخلاص و ایثار شهدای گرانقدری که ایمان به آستان امام و اطاعت از مقام ولایت را توشه خود ساختند و سلحشور و سرافراز بر سر سودای یار سر باختند.

ب - آثار معنویت در دفاع دریایی

گرچه واژه جنگ مفاهیمی مثل گُشتار، خونریزی، سفاکی و بی‌رحمی را به ذهن متبادر می‌سازد، ولی این مفاهیم نه تنها در حماسه دفاع مقدس ما جایگاهی نداشت، بلکه بر عکس، رزمندگان اسلام چنان صحنه‌هایی از اخلاص، ایثار، شجاعت، تواضع و شهادت‌طلبی از خود نشان دادند که با هیچ‌یک از معادلات مادی قابل محاسبه نبود. این رشد و کمال در سایه معنویت حاصل شد که به واسطه راز و نیاز و تهجد و توکل به خدا و ارتباط روحی با ائمه معصومین علیهم‌السلام به وجود آمده بود.

نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا نیز همانند دیگر رزمندگان اسلام، در سایه معنویت حاصله، در نبرد با دشمن بعثی، حتی در دل آب‌های داخلی و در معبر وصولی به

بندر ام‌القصر عراق به تکلیف الهی خود عمل نمود، هرچند که می‌دانست این منطقه بیشترین خطر برای رزمندگان دلاور را به همراه دارد.

نداجا با توکل به درگاه احدیت و با بهره‌گیری از نبوغ نظامی و طرح‌ها و دستورات رزمی بدون هیچ‌گونه واهمه‌ای به دشمن تاخت و در همان ماه‌های ابتدایی جنگ شالوده وجودی نیروی دریایی دشمن بعثی را به هم ریخت و با محاصره کامل دریایی و اضمحلال مرکز اقتصادی رژیم بعث راه را برای سرنگونی آن رژیم فراهم نمود.

اگر نبود حمایت‌های بی دریغ مالی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و پشتیبانی بی حد و حصر شرق و غرب به رهبری استکبار جهانی، دشمن بعثی حتی توان مقابله با مشکلات داخلی خود را نداشت، چه رسد به ادامه جنگ با جمهوری اسلامی ایران.

حاصل معنویت در جنگ دریایی، نماد دیگری هم داشت و آن در جنگ نفتکش‌ها در ادامه هشت سال دفاع مقدس خود را نشان داد. یعنی در زمانی که استکبار جهانی با عاریه دادن هواپیماهای مخصوص عملیات دریایی به رژیم بعث عراق نقشه شوم جنگ اقتصادی را به اوج خود کشاند، نداجا نیز در راستای عملیات مقابله به مثل، به نفتکش‌های کشورهای حامی این رژیم حمله برد.

در حملات هواپیماهای عاریه‌ای رژیم بعث که با بمب‌های سنگین علیه شناورهای بی دفاع صورت می‌پذیرفت، عملاً شناور با همه سرنشین‌ها و محموله به آتش کشیده شده، غرق می‌شد و یا به شدت آسیب می‌دید.

این در حالی بود که عملیات مقابله به مثل، هیچ‌گاه به معنی مقابله به هر قیمتی تلقی نشده و در این راستا، سرنشین‌های شناورها که عمدتاً در خوابگاه‌ها و در محل کنترل کشتی به سر می‌بردند عملاً مصون از حملات بوده و تنها محموله‌ها مورد هدف واقع می‌شد.

عالی‌ترین نماد این معنویت، در درگیری با استکبار جهانی در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ متبلور شد، هنگامی که نیروهایی که هشت سال تمام در دریا با تمامی حيله‌ها و مکرها و عملیات‌های دیکته شده غرب و شرق مقابله و تمامی آنها را

نقش بر آب نموده بودند، نهایتاً با دشمن اصلی خود روبه‌رو شدند، دشمنی که بدون اعلام قبلی به مقابله با نیروی خودی قد برافراشته بود، ولی یگان‌های عاشق جهاد و شهادت، علیرغم علم به توانمندی دشمن با زبان روزه به مصاف با او به پا خاسته و هیچ‌گاه حاضر نشدند حتی با خساراتی سنگین که به یگان‌ها وارد شده بود، محل خدمت در یگان را ترک کنند و تا آخرین لحظه به مقابله ادامه دادند.

پ- معنویت در عملیات‌ها

۱) معنویت در مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر

هنگامی که گردان یکم تکاوران دریایی مأموریت یافت از پایگاه دریایی بوشهر به خرمشهر عزیمت نماید، جنگ آغاز گشته و تمامی نفرات گردان از پایین‌ترین رده تا بالاترین آن دقیقاً می‌دانستند که احتمال برگشت بسیار ضعیف بوده و دفاع در مقابل دشمنی است که با تجهیزات کامل و پشتیبانی گسترده توپخانه و هواپیما و با طرح اشغال یک روزه خرمشهر و سه روزه خوزستان وارد میدان گردیده و این در حالی بود که این گردان تنها به سلاحی سبک مجهز بود.

اگر در دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی، گردان تکاور بر این باور بود که شهادت در جنگ برترین مرگ است و قطره خون شهید، نزد خدا از بهترین قطرات است و شهادت موجب آمرزش گناهان می‌شود و شهید از سؤال قبر مصون بوده و فشار قبر ندارد و در بهشت با حوریان همنشین است و حق شفاعت دارد و اولین کسانی‌اند که وارد بهشت می‌شوند و همه به مقام آنها غبطه می‌خورند.

و اگر گردان تکاور در راستای این فرمایش امام خمینی (ره) حرکت کرد که فرمود: «مرگ سرخ به مراتب از زندگی سیاه بهتر است و ما امروز به انتظار شهادت نشسته‌ایم تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی

بایستند»، این همان معنویتی بود که در تمامی طول جنگ بر رزمندگان اسلام و بر تکاوران دریایی حاکم بود.

تکاوران دریایی با بهره‌گیری از این معنویت، در بهترین سن و سال زندگی خود و به دور از هرگونه چشمداشتی، با نثار جان خویش در دفاع از کیان و وطن خود از دیگری گوی سبقت را ربوده و شاهد شیرین شهادت را به کام خود می‌کشیدند، تا با عزت و آزادگی در پیشگاه خداوند متعال حاضر شوند.

۲) معنویت در عملیات‌های "اشکان" و "شهید صفری" و "مروارید"

توطئه استکبار جهانی و دشمن بعثی از ابتدای جنگ تحمیلی، انهدام منابع انرژی و قطع صادرات نفت ایران بود. گرچه در این راستا، همه اقدامات ددمنشانه خود را به کار گرفته و حمله به جزیره خارک را در تمامی سال‌های جنگ ادامه دادند، اما کمترین توفیق را در اهداف از پیش تعیین شده خود به دست آوردند.

هنگامی که اقدام مقابله به مثل و حمله به مرکز صادرات نفت رژیم بعثی عراق در دل آب‌های این رژیم در دستور کار قرارگاه فرماندهی نیروی رزمی ۴۲۱ نداجا قرار گرفت، آنگاه کرامت، شرافت، تقوی، عفت، امانت، راستی، درستکاری و عشق و ایثار و فداکاری و بالأخره همه اموری که فضیلت بشری نامیده می‌شود، در قالب ارزش‌های اخلاقی و باورهای دینی رزمندگان، به منصفه ظهور می‌رسد، تا معنویت در دفاع دریایی جایگاه رفیع خود را نشان دهد.

عملیات‌های اشکان و شهید صفری در کمتر از یک و نیم ماه و عملیات مروارید تنها پس از ۶۷ روز به اجرا گذارده می‌شود و آن وقت نه تنها مرکز ثقل اقتصاد رژیم بعث نابود می‌گردد، بلکه تمامی یگان‌های رزمی نیروی دریایی عراق نیز غرق و یا از حیز انتفاع ساقط می‌گردند.

توکل و ایمان به خدا و دلاوری و مردانگی و دوراندیشی و رعایت اصول جنگ دریایی، آنچنان ضربه به دشمن و تمامی حامیان او می‌زند که تا پایان جنگ قادر به حمایت از دشمن در بازسازی نیروی دریایی نمی‌گردند. آثار معنویت در دفاع دریایی آن قدر قوی است که حتی مجروحین عملیات به رغم فراهم بودن امکانات، حاضر به ترک یگان نشده و در ادامه عملیات به فیض شهادت نائل می‌گردند.

بخش پنجم: نقش کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ تحمیلی

الف - حضور آمریکا در خلیج فارس

منطقه‌ای که از زمان‌های گذشته از نظرگاه کشورهای مختلف والاترین دید ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را داشته و همچنان دارد، منطقه خلیج فارس است. تراکم کشورهای نفت‌خیز با اوضاع متشنج و ضعف داخلی، متکی بودن به قدرت‌های خارجی، مجاورت ژئوپلیتیکی با پاکستان و افغانستان و نیز تمایز عمده در بافت و ساختار سیاسی اقتصادی خلیج فارس از ویژگی‌های متمایز این منطقه در مقایسه با سایر مناطق حوزه غرب آسیا است.

آن بخش از جهان "غرب آسیا" خوانده می‌شود و در حقیقت، مجموعه‌ای است از: چند منطقه ژئوپلیتیک جداگانه و متمایز همانند خلیج فارس، شامات، شمال آفریقا که هریک به دلیل هماهنگی موجود در پدیده‌های محیطی خود، یک منطقه مشخص و مستقل از دیگر مناطق است (مجتهدزاده ۱۳۷۹: ۳۳۴). منطقه خلیج فارس با پشت سر گذاردن یکصد سال از اهمیت یافتن تاریخی به علت کشف و صدور نفت، وجود ذخایر گسترده انرژی و همچنین تحولات در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و به تبع امنیتی در منطقه، در کانون توجه بسیاری از قدرت‌ها بوده است.

در نیم قرن اخیر، بدون تردید، خلیج فارس یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق جهان در نگرش‌های ژئوپلیتیک و محاسبات استراتژیک بوده است، و با توجه به دگرگونی‌های عمیق و جاری در سطح بین‌الملل، جنگ‌ها و درگیری‌های دو دهه اخیر، انقلاب ایران و مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل، می‌توان ادعا کرد که در قرن بیست و یکم می‌رود که به صورت مهم‌ترین کانون توجه نگرش‌ها و محاسبات استراتژیک درآید و به تعبیر کلاسیک ژئوپلیتیک، هارتلند یا قلب زمین نام گیرد.

سقوط شاه ایران، فروپاشی شوروی (بلوک شرق)، تجاوز عراق به ایران، جنگ خلیج فارس، جنگ‌ها و درگیری‌های متمادی اعراب و اسرائیل، اهمیت پیدا کردن عامل اسلام، سیاست و ساختار بین‌الملل اقتصاد، بحران‌های افغانستان، ظهور و سقوط طالبان، القاعده و آخرین مرحله، اشغال عراق و حضور "داعش" از جمله تحولات عمده سال‌های اخیر است.

علاوه بر اینها، مشکلات ساختاری از قبیل عدم یکپارچگی و نیز ضعف ساختاری کشورهای منطقه و وابستگی آنها به کشورهای قدرتمند خارج از منطقه، ضعیف بودن کشورها در تأثیرگذاری بر سیاست‌های بین‌المللی، فعال نبودن مشارکت دولت‌ها در تأمین امنیت منطقه، وجود اختلاف‌های مذهبی شدید، بی‌اعتمادی کشورهای منطقه نسبت به سیاست‌های دولت‌های دیگر، دخالت عامل بیگانه و... در طول سالیان، منجر شده است که کشورهای منطقه هیچ‌گاه نتوانند با موفقیت و اعتماد به نفس درصدد پیشبرد وضعیت امنیتی و نیز منافع و اهداف، خود با اتکاء به نیرو و توان ملی و بدون دخالت بیگانگان به مقاصد خود نائل شوند.

وجود جوّ بی‌اعتمادی میان کشورها و عدم تمایل به پیمان‌های منطقه‌ای، زمینه همکاری دوجانبه و یا چندجانبه میان دولت‌ها و واحدهای اقتصادی منطقه را از میان می‌برد. به همین دلیل، برخی از کشورهای منطقه برای دستیابی به اهداف، منافع و نیز تأمین امنیت خود، به قدرتهای بزرگ فرامنطقه‌ای متوسل می‌شوند. نتیجه این سیاست ایجاد تنش در روابط دولت‌های منطقه با یکدیگر، افزایش جوّ بی‌اعتمادی و دخالت فراگیر عامل بیگانه است.

ظهور افکار ناسیونالیستی مانند پان عربیسم، پان ترکیسم و پان ایرانیسم و توطئه‌های بیگانگان و منفعت‌طلبان با ایجاد تفرقه میان مذاهب مختلف اسلامی، ضعف رهبران در اداره امور جامعه و همچنین وجود برخی حکومت‌های اقتدارگرا، این منطقه را تبدیل به کانونی از تحولات و تنش‌ها در دنیای کنونی کرده است. همچنین، بحران مشروعیت در کشورهای عربی و موج بیداری تحت

تأثیر دموکراسی خواهی، درگیری‌های سیاسی و مذهبی درون منطقه‌ای، ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در اثر جنبش‌های آزادی خواهی از دیگر عوامل آسیب‌پذیری کشورهای منطقه است.

همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا کشورهای عرب منطقه در اثر تدابیر نادرست سیاسی، ضعیف‌ترین و با وجود منابع عظیم نفتی، وابسته‌ترین ملت کشورهای منطقه به خارج محسوب شوند.

ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم و استراتژیک در حوزه خلیج فارس و دریای خزر و با بهره‌مندی از منابع و توان لازم برای تسلط بر این منطقه همواره مورد توجه دولت‌های قدرتمند جهان بوده است.

ایران به عنوان بزرگ‌ترین و ثروتمندترین کشور حوزه خلیج فارس و به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم منطقه‌ای شناخته می‌شود.

موقعیت ژئواستراتژیک ایران که از طرف جنوب به خلیج فارس و کشورهای عربی و مسلمان حاشیه خلیج فارس، از طرف شرق و شمال شرق با کشورهای پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان و از ناحیه غرب و شمال غرب با عراق، سوریه، ترکیه، آذربایجان همسایه است، بر قدرت این کشور و توان بالقوه بازیگری بانفوذ در عرصه معادلات منطقه افزوده است.

حوزه گسترده تمدن اسلامی که درصد بسیار زیادی از منطقه آسیای جنوب غربی را تحت نفوذ دارد و نیز گستره تمدن ایرانی که از شرق و شمال شرق تا مناطقی از غرب و شمال غرب را تحت تأثیر خود قرار داده است، بر پتانسیل و توان ایران اسلامی در راستای بهره‌برداری از فرصت‌ها و مطرح کردن خود به عنوان قدرت هژمون منطقه می‌افزاید.

ب- آمریکا و آغاز جنگ

برخی معتقدند که تصمیم قطعی به آغاز جنگ از تیرماه ۱۳۵۹ که برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا در مرز اردن با صدام حسین ملاقات کرد، اتخاذ گردید. قدرت‌های جهانی با این جنگ موافق بودند، چون در

جهت منافع آنها بود. آمریکا اعتقاد داشت که درگیر کردن ایران با جنگ باعث می‌شود تا مسئولان کشور در سیاست‌های خود تجدید نظر کنند (رحمانی، ۱۳۸۳). هیچ‌یک از قدرتهای بزرگ جهانی، از جمله آمریکا و شوروی مانع از حمله ارتش عراق به ایران نشدند و از ابزار شورای امنیت نیز برای توقف جنگ استفاده نکردند.

آمریکا رژیم عراق را به عنوان آغازگر جنگ محکوم نکرد و در برابر اقدامات غیرقانونی عراق در نقض معاهده الجزایر، سکوت اختیار کرد. پیش‌بینی کیسینجر وزیر اسبق امور خارجه آمریکا این بود که جنگ، حداکثر ظرف ۱۰ روز با پیروزی عراق به پایان خواهد رسید و ایران تسلیم خواسته‌های رژیم بعثی عراق خواهد شد. زمانی که جنگ شروع شد، آمریکا دارای رابطه سیاسی و دیپلماتیک با جمهوری اسلامی نبود و ایران از پشتیبانی‌های فنی و تدارکاتی آمریکا برخوردار نمی‌گردید. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تأمین کننده عمده تسلیحات نظامی ایران، کشور ایالات متحده بود. هنگامی که جنگ اتفاق افتاد، نه تنها ایران از سوی آمریکا در وضعیت تحریم تسلیحاتی به سر می‌برد، بلکه به دلیل گروگان‌گیری اعضای سفارت آمریکا در تهران، روابط سیاسی این کشور با ایران قطع گردیده و با حمله نظامی آمریکا به طبرس، وضعیت بحرانی بر روابط دو کشور حاکم بود. آمریکا جنگ را فرصت مناسبی برای تضعیف و فشار به ایران، جهت بازگرداندن ایران به دامن ایالات متحده می‌دانست. آمریکا ایران را پایگاه ارزشمندی می‌دانست که بازگشت به آن می‌توانست موقعیت این کشور را در خلیج فارس بهبود بخشد. پیروزی انقلاب اسلامی خطوط قرمز در ارتباط با آمریکا را از بین برد.

بر اساس همین سیاست بود که آمریکا در جریان جنگ عراق با ایران، از رژیم بعثی عراق حمایت کرد. واشنگتن در تلاش بود تا دو طرف درگیر در جنگ را در کنترل خود داشته باشد. البته آمریکا می‌خواست که عراق پیروز و فاتح میدان جنگ باشد، ولی نمی‌خواست که عراق بر منطقه خلیج فارس مسلط شود. آمریکا در شروع جنگ، تهاجم نظامی عراق علیه ایران، را محکوم کرد و ظاهراً

اعلام بی‌طرفی نمود، اما هرچه از آغاز جنگ می‌گذشت، آرام آرام حمایت‌های آمریکا از عراق آشکارتر شد، به گونه‌ای که در روزهای پایانی جنگ، به طور رسمی با ایران در منطقه خلیج فارس وارد جنگ شد.

آمریکا حدود یک هفته پس از آغاز جنگ و در تاریخ ۸ مهر ۱۳۵۹، به درخواست دولت عربستان سعودی، چهار فروند هواپیمای آواکس که دارای سامانه‌های کنترل و اخطار هوایی بودند را در پایگاه هوایی طهران در کنار ساحل خلیج فارس مستقر نمود. این پایگاه به همراه ۳۰۰ نظامی آمریکایی آرام به هسته اصلی امکانات تجسسی و دیدبانی هوایی و نیز کنترل وضعیت جبهه‌های جنگ تبدیل شد.

با استقرار این واحد هوایی، امکان دریافت اطلاعات از تحرکات ایران در خلیج فارس برای آمریکا فراهم گردید و این اطلاعات بنا بر شرایط، در اختیار رژیم بعثی عراق قرار می‌گرفت. آمریکا همچنین در اواخر مهر ماه سال ۱۳۵۹، دو گروه رزمی از ناوگان جنگی خود را در منطقه خلیج فارس مستقر نمود و از پایگاه هوایی طهران به صورت فعال برای کنترل خلیج فارس بهره می‌برد.

پ- کشورهای عربی و جنگ

چند ماه قبل از آغاز جنگ در ۵۹/۳/۱۴، صدام حسین رئیس‌جمهور عراق در شهر طائف عربستان با بعضی از سران کشورهای عربی ملاقات و اطلاعاتی از اوضاع اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایران از آنها دریافت نمود (نجف پور، ۱۳۸۳). با آغاز جنگ، عراق بلافاصله از پشتیبانی تقریباً همه کشورهای عربی خلیج فارس و نیز اردن و مصر برخوردار شد. عربستان سعودی و کویت توافق کردند تا تولید نفت خود را افزایش داده و این اضافه تولید را برای عراق به فروش برسانند. از سوی دیگر کویت با به اجرا گذاشتن مقررات جدیدی سعی نمود تا ایرانیان و شیعیان طرفدار انقلاب اسلامی را در آن کشور تحت فشار قرار دهد.

اردن، بندر عقبه را به منظور تدارک ارتش بعثی عراق در اختیار آن کشور قرار داد و جاده ارتباطی اردن به عراق، مهم‌ترین مسیر تدارکاتی ارتش عراق و

صادرات نفت عراق نیز از طریق تانکرهای نفتکش شد. شاه حسین، پادشاه اردن، در روزهای آغاز جنگ در جبهه‌های عراق حاضر شد و به همراه صدام آتش توپخانه ارتش بعثی را به سمت ایران روانه نمود.

با ادامه جنگ، روابط کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با دولت عراق گسترده‌تر شد و این کشورها کمک‌های مالی فراوانی به دولت عراق کردند. امام خمینی(ره) در حسینه جماران در ۶۱/۲/۲۶ در این باره طی سخنانی می‌فرماید: "شما بدانید که اگر صدام نجات پیدا کند و قدرت به دست گیرد، آدمی نیست که قدرشناسی از امثال شما بکند. آدمی است که جنون بزرگ بینی خودش را دارد و با این جنون با شما که با او هم، همراهی کردید به جنگ برمی‌خیزد و شما را اگر قدرت داشته باشید تباه خواهد کرد... شما چنانچه با صدام همراهی نکنید... دولت ایران و ملت ایران با شما برادر است و از شما حمایت خواهد کرد." (صحیفه امام، جلد ۱۶، ص ۲۵۲)

ایشان همچنین در ۶۲/۵/۱۱ می‌فرمایند: "من به حکومت‌های اطراف خلیج فارس و به حکومت‌های منطقه هشدار می‌دهم که دست از مخالفت با ایران و مساعدت با صدام دست بردارند، که این حزب بعث از بین می‌رود و حکومت عراق به دست مسلمان‌ها اداره می‌شود و ایران همان‌طوری که به دست خود مردم اداره می‌شود، عراق هم، این‌طور می‌باشد و حکومت اسلامی برای همه شیوخ منطقه از یک قدرت پوشالی آمریکا بهتر است." (صحیفه امام، جلد ۱۸، ص ۳۴)

عراق تلاش داشت تا جنگ خود را قادسیه صدام نامیده و آن را جنگ بین اعراب و فارس‌ها جلوه دهد. بجز کشورهای سوریه و لیبی که در جنگ از ایران حمایت می‌کردند و برخی از کشورهای عربی مانند الجزایر که در جنگ بی‌طرف بودند، اکثر کشورهای عربی از عراق پشتیبانی می‌کردند. از سوی دیگر، حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه طی مصاحبه‌ای با روزنامه السفیر در ۵۹/۸/۱۷، جنگ عراق با ایران را محکوم و آن را برای انحراف افکار عمومی اعراب از مبارزه با اسرائیل و به نفع آمریکا ارزیابی کرد. این اقدام سوریه موجب شد تا عراق

بلافاصله روابط سیاسی خود را با سوریه قطع کند. لیبی یکی دیگر از کشورهای عربی و آفریقایی بود که از ابتدای جنگ در طرف ایران قرار گرفت و معتقد بود جنگ باید تا سقوط صدام ادامه یابد.

لیبی یکی از کشورهایی بود که به ایران پیشنهاد همکاری برای ایجاد حکومت مردمی در عراق را داد و موافق ورود قوای ایران به خاک عراق بود (دفتر سیاسی سپاه، گذری بر دوسال جنگ، ۱۳۶۰: ۸۱).

ت- تشکیل شورای همکاری خلیج فارس

یکی از اقدامات مهمی که با گذشت حدود شش ماه از آغاز جنگ تحمیلی از سوی شش کشور عربستان، کویت، قطر، بحرین، امارات عربی متحده و عمان در ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۸۰ برابر با اول مهر ۱۳۵۹ صورت گرفت، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس بود. این شورا، یک سازمان منطقه‌ای بود که همه کشورهای حاشیه خلیج فارس بجز ایران و عراق، در آن عضویت داشته و دارند. این شورا رسماً در ۵۹/۱۲/۲۶ با انتشار بیانیه‌ای در ریاض پایتخت عربستان اعلام موجودیت کرد. هدف این شورا، تشکیل اتحادیه‌ای به منظور روبرویی با انقلاب اسلامی و نفوذ ایران در منطقه و ایجاد هماهنگی‌های لازم برای اتخاذ مواضع و اقدامات مشترک در حین جنگ بود.

در طول جنگ تحمیلی، کشورهای عضو شورا، بیشترین حمایت را از رژیم صدام حسین می‌کردند. البته میزان حمایت همه اعضای شورا از عراق یکسان نبود و برخی از اعضای آن سعی می‌کردند در عین حمایت از عراق، روابط مناسبی هم با ایران داشته باشند. تا فتح خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱، این شورا علاقه چندانی به پایان یافتن جنگ و عقب‌نشینی عراق از خاک ایران از خود نشان نداد، اما پس از بیرون رانده شدن ارتش عراق از سرزمین‌های ایران، این شورا تلاش کرد تا روابط خود با ایران را بهبود بخشیده و از گسترش جنگ جلوگیری کند.

راهبرد شورای همکاری خلیج فارس در ارتباط با جنگ، همسویی زیادی با راهبرد آمریکا در ارتباط با خلیج فارس داشت. با توجه به آنکه کشورهای عضو این شورا قادر به کمک نظامی به عراق نبودند، عملاً این شورا به حمایت مالی و سیاسی گسترده از رژیم بعثی عراق می‌پرداخت و در مجامع بین‌المللی و در تبلیغات کشوری از عراق حمایت می‌نمود.

بخش ششم: سازماندهی نداجا پس از جنگ تحمیلی

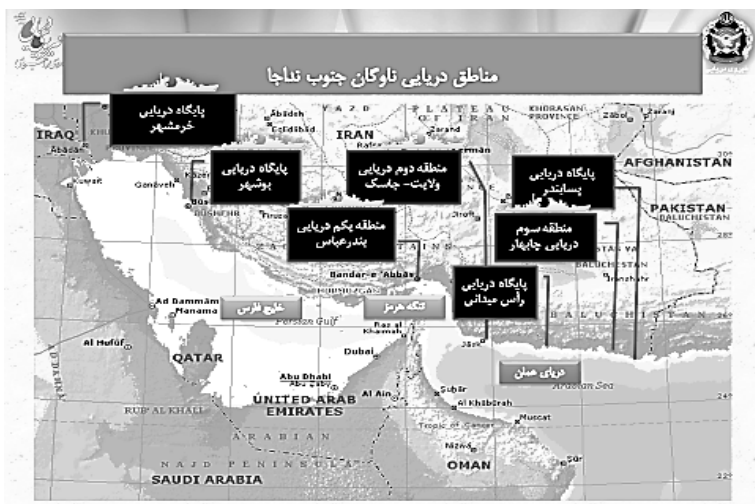
الف - سازماندهی نداجا پس از جنگ تحمیلی

در سال ۱۳۸۶، حوزه مأموریت «نداجا» در قالب نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران، از خلیج فارس به دریای عمان و آبهای آزاد جهان و در شمال کشور، حراست از کل دریای خزر تغییر کرد و حراست از خلیج فارس به نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سپرده شد. فرماندهان ارشد نیروی دریایی ارتش از این تصمیم راهبردی فرماندهی کل قوا به عنوان پنجره‌ای برای پیشرفت یاد می‌کنند.

در سال‌های اخیر، سمت و سوی تهدیدات علیه ج.ا.ا. در پهنه دریای عمان مضاعف گردیده و بر همین اساس، سوق دادن نیروی دریایی ارتش به عنوان حافظ این پهنه آبی به عنوان محوری قابل اتکاء در تأمین کامل امنیت مرزهای دریایی از حساسیت بالایی برخوردار گردیده است.

ب - مناطق دریایی جدید

در حال حاضر مناطق دریایی ناوگان جنوب به شرح تصویر زیر است:



نداجا وظیفه حراست و حفاظت از مرزهای آبی جمهوری اسلامی ایران را بر عهده داشته و علاوه بر این، در شرح وظایف و مأموریت‌های محوله به این نیرو، حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران در دریاها و آب‌های بین‌المللی به عنوان یکی از وظایف اصلی نداجا مشخص شده است.

بدیهی است نیروی دریایی به عنوان یک نیروی عمده باید از منافع کشور و خطوط مواصلاتی آن، که در اقصی نقاط آب‌های دنیا گسترش پیدا کرده، محافظت کند، زیرا دریاها یکی از بهترین راه‌های اقتصادی در جهان هستند و در حال حاضر، کشتی‌های تجاری ایران بایستی از آبراه‌ها و گلوگاه‌های مختلف دنیا عبور کنند.

با توجه به این گستره جغرافیای تجاری، تأمین امنیت این جریان که تاکنون در دریاها دور با مشکلاتی نیز روبه‌رو شده، کشور ایران به یک نیروی دریایی با توان حضور در آب‌های آزاد و دوردست نیاز دارد، که این مهم در قالب نیروی دریایی ارتش که طی سال‌های اخیر با پیشرفت‌هایی ایجاد شده در ساختار تجهیزاتی و کیفیت نیروی انسانی آن به نیروی دریایی راهبردی تغییر هویت پیدا کرده، متجلی شده است.

کارکرد دفاعی، امنیتی نیروی دریایی راهبردی، در قالب یک قدرت دریایی، متشکل از ناوگان نظامی، ناوگان تجاری و صنایع دریایی، هم موجب برقراری امنیتی پایدار اعم از ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردیده و هم موجب توسعه‌ای پایدار در منطقه سواحل دریای مکران می‌گردد.

بنابراین، ایران دفاع از منافع خود را نه در آب‌های خلیج فارس (که با توجه به قدرت و دایره اطلاعاتی ایران به عنوان آب‌های سرزمینی کشور به شمار می‌رود) آغاز خواهد کرد، بلکه این دفاع در دریای عمان از خلیج عدن و تنگه باب‌المندب شروع خواهد شد و این نقطه قوت نظامی و راهبردی برای ایران به شمار می‌رود، زیرا این دریا ایران را از تنگنای تنگه هرمز خارج نموده و با اتصال کشورهای شمال ایران و ترانزیت کالا به دریاهای آزاد و سایر مناطق جهان و انتقال انرژی نفت و گاز، منافع فراوانی را عاید ایران می‌نماید و دسترسی را به پهنه اقیانوس هند باز می‌کند، که این نتایج می‌تواند نتایج ژئوراهبردی و اقتصادی در زمینه‌های حمل و نقل، تجارت دریایی، امنیت انتقال انرژی، شیلات و منابع دریایی داشته باشد.

پ- قابلیت‌های نوین نیروی دریایی راهبردی

۱- قابلیت نظامی

در نقش نظامی یک نیروی دریایی باید با هدف بازدارندگی در برابر جنگ و مداخله، پیروزی قاطع نظامی در صورت بروز جنگ، امنیت تمامیت ارضی کشور، شهروندان، منابع و سرمایه‌های دور از ساحل در مقابل تهدیدات دریایی، نفوذ و اثرگذاری بر وقایع و امور جاری در خشکی، صیانت از تجارت، داد و ستد دریایی و صیانت از علائق ملی و امنیت دریایی، از توانایی‌های لازم برای انجام وظایف زیر برخوردار باشد:

- توانایی اعمال دفاع فعال و دفاع مؤثر
- توانایی کسب اطلاعات راهبردی و تاکتیکی از قلمرو دریایی

- توانایی اعمال کنترل دریایی و حفاظت خطوط مواصلاتی از اقیانوس‌ها تا خلیج فارس
- توانایی اعمال ممانعت از ورود دشمن به آب‌های سرزمینی و ساحلی کشور
- توانایی اعمال محاصره دریایی (دور یا نزدیک)
- توانایی انجام عملیات ماوراء بحار (اعزام ناوگروه‌ها به دریاها دور برای انجام عملیات دریایی)
- توانایی اعمال اراده در دریا (اجبار و وادارسازی) مانند بازرسی کشتی حامل محموله‌های مشکوک
- توانایی انهدام هرگونه تهدید دریاپایه در آب‌های نزدیک و دور
- توانایی اعمال ممانعت کشتیرانی و بستن خطوط مواصلاتی دریایی دشمن مثل دوران دفاع مقدس، بستن خطوط مواصلاتی عراق بعثی
- توانایی حفاظت و باز نگاه داشتن خطوط مواصلاتی دریایی خودی
- توانایی انجام عملیات ویژه با بهره‌گیری از نیروهای واکنش سریع در سیاستگذاری اتصال راهبردی
- توانایی محافظت از سرمایه‌ها و منابع دریایی و ساحلی کشور
- توانایی اعمال دفاع از طریق دریا، از طریق سیاستگذاری اتصال راهبردی سایر نیروها به نیروی دریایی راهبردی
- توانایی انجام عملیات آب‌خاکی و ضد آب‌خاکی (سواحل و جزایر، بنادر و دهلیزهای ورودی به عمق راهبردی کشور)
- توانایی ارائه همکاری سایر ارگان‌های دریایی و غیرنظامی در صورت نیاز هدایت آنها (در زمان جنگ)
- توانایی انجام عملیات دریایی مشترک با استفاده از راهبردها و سیاستگذاری اتصال راهبردی و مشارکت تمام نیروهای مسلح
- توانایی شرکت در عملیات مرکب مشارکت در رزمایش و عملیات، با کشورهای منطقه‌ای و غیره

- توانایی اعمال مراقبت دریایی
- توانایی انجام حملات دریایی به صورت تک نیرویی و چند نیرویی
- توانایی انجام عملیات ضد زیردریایی با مشارکت سایر نیروها
- توانایی انجام عملیات ضد سطحی و مشارکت با سایر نیروها
- توانایی انجام عملیات ضد هوایی با مشارکت سایر نیروها و مؤلفه‌های غیرنظامی
- توانایی انجام عملیات اطلاعاتی با بهره‌گیری از تمامی مؤلفه‌های دفاع همه‌جانبه دریاپایه
- توانایی انجام جنگ الکترونیک با بهره‌گیری از توانمندسازی سایر نیرو در قالب سیاستگذاری اتصال راهبردی
- توانایی انجام عملیات جنگ مین با بهره‌گیری از تمامی قابل دسترس
- توانایی دفاع از بندر با بهره‌گیری از تمام امکانات و مقدرات سایر نیروها در قالب سیاستگذاری اتصال راهبردی
- توانایی انجام عملیات بازرسی و تفتیش در دریا

۲- قابلیت دیپلماسی دفاعی - دریایی

در ایفای نقش دیپلماتیک، نیروی دریایی باید با هدف تحکیم روابط سیاسی و حسن نیت، تحکیم روابط دفاعی با کشورهای دوست، نمایش توانمندی و قابلیت دفاع مؤثر، تحکیم امنیت دریایی در منطقه تحت مسئولیت، ارتقاء تعادل و ثبات منطقه‌ای و جهانی، قادر باشد وظایف زیر را اجراء نماید:

- توانایی ارائه کمک و پشتیبانی دریایی
- توانایی حضور مؤثر و فعال در آب‌های آزاد (گسترش در سطح دریاها، نمایش پرچم، اقتدار ملی و الهام بخشی، بازدید از نیروهای دریایی دوست)

- توانایی انجام عملیات پشتیبانی از صلح (عملیات اعمال، تحکیم و حفظ صلح)
- توانایی ارائه مساعدت و کمک‌های فنی و پشتیبانی به کشورهای دوست و شریک و محور مقاومت
- توانایی ارائه آموزش به نیروی دریایی کشورهای دوست و محور مقاومت
- توانایی انجام گشت‌های دریایی در مناطق دریایی خودی و مناطق دریایی مورد علاقه
- توانایی انجام رزمایش‌ها و تمرینات دریایی دوجانبه و چندجانبه با کشورهای همسو و دوست
- توانایی انجام عملیات دریایی محتمل، در خارج از مناطق دریایی خودی
- توانایی انجام عملیات تخلیه غیرنظامیان

۳- قابلیت دریابانی در آب‌های ساحلی و سرزمینی

- در اجرای نقش نیروی دریایی با هدف تقویت امنیت ساحل، تأمین امنیت منطقه انحصاری اقتصادی (EEZ)^۱ حضور اثربخش در دریا باید قادر باشد وظایف زیر را اجراء نماید:
- توانایی انجام عملیات ضد تروریسم (مقابله با دزدی دریایی، قاچاق انسان، کالا، اسلحه و...)
 - توانایی ایفای نقش پلیسی (مقابله با عملیات نفوذی، جلوگیری از بهره‌برداری و حفاری غیرمجاز در مناطق دریایی کشور و...)
 - توانایی اعمال قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی در محدوده مناطق دریایی کشور و آب‌های آزاد
 - توانایی مقابله با عملیات نفوذی

1. Exclusive Economic Zone

- توانایی حفاظت از مناطق صیادی و جلوگیری از صید غیرقانونی
- توانایی جلوگیری از دسترسی غیرمجاز به مناطق دریایی کشور و منابع

پ- قابلیت امداد و نجات بشر دوستانه

- در ایفای این نقش، نیروی دریایی باید با هدف ارتقاء ایمنی، امنیت غیرنظامی و اعمال قدرت نرم ملی قادر باشد وظایف زیر را اجراء نماید:
- توانایی ارائه کمک‌های بشردوستانه و کمک به مردم در هنگام وقوع بلایای طبیعی (اعمال قدرت نرم کشور به هنگام زلزله، طوفان، سونامی و ... در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی)
 - توانایی کمک‌رسانی به وزارتخانه‌ها و مسئولین بخش خصوصی
 - توانایی انجام عملیات هیدروگرافی (اعمال قدرت نرم کشور در حوزه علم و فناوری دریایی)
 - توانایی انجام عملیات تجسس و نجات (اعمال ایمنی و امنیت دریایی و اعمال قدرت نرم کشور در دریا)
 - توانایی تدارک امکانات امدادی و پشتیبانی
 - توانایی ارائه کمک‌های دارو و درمان
 - توانایی ارائه خدمات غواصی

منابع

۱. بختیاری، مسعود (۱۳۹۱). بندر امام خمینی (ره) و سیادت دریایی. انتشارات سبز
۲. پیک نفت. شماره ۱۹۶
۳. حسینی، سید یعقوب (۱۳۸۷)، تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، زمینه‌های بروز جنگ. جلد اول. تهران. نشر آجا
۴. حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۷۹). ایران و نفت. مرکز بازشناسی اسلام و ایران. تهران. (۱۳۸۱ / ۱۲/۷). بولتن بازتاب حمله احتمالی آمریکا به عراق ۷. وزارت فرهنگ و ارشاد
۵. درودیان، محمد. آغاز تا پایان.
۶. دفتر سیاسی سپاه (۱۳۶۰). گذری بر دو سال جنگ. تهران. انتشارات سپاه.
۷. ذوقی، ایرج (۱۳۸۱). مسائل سیاسی اقتصادی نفت ایران. تهران. پاژنگ.
۸. رحمانی، قدرت الله (۱۳۸۳). بی‌پرده با هاشمی رفسنجانی. چاپ دوم. تهران. انتشارات کیهان.
۹. رنجبر، مقصود (۱۳۷۸). ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول. تهران. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. سیمبر، رضا (۱۳۸۵). دیپلماسی ایران و تحولات تازه منطقه خلیج فارس. شماره ۲۱۱. اطلاعات سیاسی-اقتصادی.
۱۱. شهیدزاده، حسین (۱۳۸۷). ره آورد روزگار. تهران: البرز.
۱۲. صحیفه امام، جلد ۱۸.

۱۳. صحیفه امام، جلد ۱۶.
۱۴. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳). امنیت بین‌الملل (۱): فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران. مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران، چاپ اول ۲۲.
۱۵. عبدالله خانی، (۱۳۸۴). امنیت بین‌الملل (۳): فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول. تهران. مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
۱۶. علیخانی، علی اکبر (۱۳۷۶). موانع و عملکرد نظام بین‌المللی در قبال جنگ علیه ایران. مجموعه مقالات انقلاب اسلامی. جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل. تهران. سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. کنت آر، تیمرن (۱۳۷۳). سوداگری مرگ. ترجمه احمد تدین. چاپ اول. تهران. موسسه فرهنگی رسا.
۱۸. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده. تهران. نشر نی.
۱۹. نادری، محمدتقی (۱۳۴۵). دفاع مشروع تنها مجوز استعمال نیرو در روابط بین‌الملل. تهران. انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۰. نجف پور، مجید (۱۳۸۳). از جنوب لبنان تا جنوب ایران. خاطرات سردار رحیم صفوی. تهران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۱. نقی زاده، اکبر، علی (۱۳۸۰). عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس. جلد ۱. باورهای دینی و امدادهای غیبی. مرکز تحقیقات اسلامی.
۲۲. نقی زاده، اکبر، علی (۱۳۸۰). عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس. جلد ۲، ارزش‌های اسلامی. مرکز تحقیقات اسلامی.